

فهرست مطالب

۱. نبرد کیهانی — ۳۱ مارس تا ۶ آوریل ۴
۲. دانیال و پایان زمان — ۷ تا ۱۳ آوریل ۱۴
۳. عیسی و کتاب مکاشفه یوحنا — ۱۴ تا ۲۰ آوریل ۲۴
۴. نجات و پایان زمان — ۲۱ تا ۲۷ آوریل ۳۴
۵. مسیح در قُدس آسمانی — ۲۸ آوریل تا ۴ مه ۴۴
۶. «تغییر» احکام — ۵ تا ۱۱ مه ۵۴
۷. متی باب‌های ۲۴ و ۲۵ — ۱۲ تا ۱۸ مه ۶۴
۸. پرستش خالق — ۱۹ تا ۲۵ مه ۷۴
۹. فریب‌های پایان زمان — ۲۶ مه تا ۱ ژوئن ۸۴
۱۰. آمریکا و بابل — ۲ تا ۸ ژوئن ۹۴
۱۱. مَهر خدا یا نشان وحش؟ — ۹ تا ۱۵ ژوئن ۱۰۴
۱۲. بابل و آرماگدون — ۱۶ تا ۲۲ ژوئن ۱۱۴
۱۳. بازگشت خداوندمان عیسی — ۲۳ تا ۲۹ ژوئن ۱۲۴

Editorial Office: 12501 Old Columbia Pike, Silver Spring, MD 20904

Come visit us at our Web site: <http://www.absbg.adventist.org>

Principal Contributor

Norman R. Gulley

Editor

Clifford R. Goldstein

Associate Editor

Soraya Homayouni

Publication Manager

Lea Alexander Greve

Editorial Assistant

Sharon Thomas-Crews

Pacific Press® Coordinator

Wendy Marcum

Art Director and Illustrator

Lars Justinen

Design

Justinen Creative Group

Middle East and North Africa Union

Publishing Coordinator

Michael Eckert

Translation to Farsi

Rezvan Ahmadi

Farsi Layout and Design

Marisa Ferreira



Sabbath School
Personal Ministries

حق چاپ محفوظ و مخصوص «کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم» میباشد. هیچیک از بخشهای این کتابچه راهنمای مطالعه کتاب مقدس مدرسه سبت ویژه بزرگسالان بدون اجازه قبلی و کتبی از کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم (جزال کنفرانس) قابل ویرایش، تغییر، اصلاح، اقتباس، ترجمه، تکثیر یا انتشار نیست. دفاتر بخشهای تابعه کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم مجاز هستند تا طبق دستورالعمل ویژه ای ترتیبی اتخاذ نمایند تا کتابچه راهنمای مطالعه کتاب مقدس مدرسه سبت ویژه بزرگسالان ترجمه گردد. حق طبع و نشر مطالب ترجمه شده و انتشارات آنان متعلق به کنگره عمومی است. عناوین (ادونتیستهای روز هفتم) و (ادونتیست) و آرم شعله گون جزو اسامی و علامت تجاری ثبت شده متعلق به کنگره عمومی ادونتیستهای روز هفتم میباشد و استفاده از آن بدون اجازه قبلی از کنگره عمومی ممنوع است.



مسیح و روزهای پایانی

در آخرین ساعت های اقامت موقتی عیسی در جسم بشری بر روی زمین، او با این کلام تسلی بخش با حواریون خویش سخن گفت:

«دل های شما مضطرب نشود. به خدا توکل نمایید، به من نیز ایمان داشته باشید. در خانه پدر من منزل های بسیاری است. اگر چنین نبود، به شما می گفتم. من می روم تا مکانی برای شما آماده سازم. پس از اینکه رفتم و مکانی برای شما آماده ساختم، دوباره می آیم و شما را پیش خود می برم تا جایی که من هستم شما نیز باشید. شما می دانید به کجا می روم و راه آن را نیز می دانید» (یوحنا باب ۱۴ آیات ۱ تا ۴).

اگر چه آنها بطور حتم مفهوم آنچه را که عیسی در باره تحقق وعده گفت درک نکردند، اما قطعاً از سخنان عیسی آرامش و دلگرمی یافتند. منزل هایی در خانه پدرش؟ مکانی که عیسی خود برای ایشان مهیا می کرد؟ مطمئناً این مکان از هر جایی که در این دنیا ممکن است در آن باشند، بهتر خواهد بود.

در واقع زمانی نه چندان دور، عیسی هنگامی که در جمع حواریون نشست، یک بررسی اجمالی از آنچه که پیش از بازگشت او اتفاق می افتاد را ارائه نمود. این پیمایش به نوعی «تاریخ آیندگان» را ترسیم می کرد که از منظر جالبی برخوردار نبود. عیسی فرمود که جنگ ها، شایعات جنگ ها، منازعه میان ملت ها و اقوام، قحطی و زمین لرزه، همگی تنها «سرآغاز حزن و مصیبت» هستند. در این میان، جفا و شکنجه، خیانت ها، فریب ها و مشقات نیز در سر لوحه قرار خواهند داشت.

امروز با نگاهی از قله تاریخ به اتفاقاتی که در آن افتاده و در جریان است، در می یابیم که تقریباً همه هشدارهای عیسی بوقوع پیوسته، درست همانگونه که او پیشگوئی

کرده بود. همچنین می توانیم زمان تحقق دو پیشگویی بزرگ را مشاهده کنیم. نخست: «زمانی و دو زمان و نصف زمان» از کتاب دانیال باب ۷ آیه ۲۵ است؛ (مکاشفه باب ۱۲ آیات ۶ و ۱۴؛ باب ۱۳ آیه ۵؛ اعداد باب ۱۴ آیه ۳۴ را نیز ببینید)، که در قرن ۶ پس از میلاد مسیح (۵۳۸ پس از میلاد مسیح) شروع شد و در اواخر قرن هجدهم پایان یافت (۱۷۹۸ پس از میلاد مسیح). سپس همچنین، طولانی ترین پیشگویی زمان، ۲۳۰۰ روز دانیال باب ۸ آیه ۱۴، در سال ۱۸۴۴ تحقق یافت.

پس مطمئناً اکنون در «آخر این ایام یا آخرالزمان» زندگی می کنیم (دانیال باب ۱۲ آیه ۱۳). اما نه تنها نمی دانیم که زمان کی به آخر می رسد بلکه با آمدن دوباره عیسی به اوج خود می رسد و نیازی هم نیست که بدانیم. تنها لازم است بدانیم که فرا خواهد رسید و زمانی که فرا برسد باید آماده باشیم.

چگونه؟ شاید بهترین پاسخ در این آیه یافت شود: «پس همانطوری که روزی مسیح عیسی را به عنوان خداوند خود پذیرفتید، اکنون همیشه در اتحاد با او زندگی کنید» (کولسیان باب ۲ آیه ۶). به عبارت دیگر، با وجود رویدادهای بسیار زیاد جهان، عنوان های خبری زیاد و نظریه های بسیار زیاد در مورد آخر زمان، بسادگی از مسیر اصلی منحرف شده و بجای تمرکز بر خود عیسی که تنها راهگشای ما برای آمادگی است، بر روی چیزهایی که فکر می کنیم به آمدن مسیح منتهی می شوند، تمرکز می کنیم.

در این ثلث، تمرکز بر روی پایان زمان می باشد، البته نه به طور کامل. تمرکز واقعی بر عیسی است اما در زمینه روزهای پایانی و نحوه آماده شدن برای آن ایام. آری، ما باید به زمان های تاریخی، رویدادهای جهان و تاریخ بنگریم، زیرا کتاب مقدس درباره آنها در رابطه با پایان زمان سخن می گوید. اما حتی در این زمینه، کتاب مقدس درباره عیسی، هویت وی، آنچه برای ما انجام داده است، کاری که در ما انجام می دهد، و آنچه که پس از بازگشت او انجام خواهد داد، سخن می گوید. مسیح و به صلیب کشیده شدنش باید در کانون ایمان ما قرار داشته باشند؛ یا همانطور که پولس گفت: «زیرا من تصمیم گرفته بودم تا زمانی که در میان شما هستم همه چیز جز عیسی مسیح مصلوب شده را فراموش کنم» (اول قرنتیان باب ۲ آیه ۲). هر چه بیشتر بر او تمرکز می کنیم، بیشتر شبیه او می شویم، بیشتر از او اطاعت می کنیم و بیشتر برای آنچه که هم در آینده نزدیک و هم در پایان در انتظارمان می باشد آماده خواهیم شد؛ یعنی زمانی که وارد «مکانی» خواهیم شد که عیسی برای کسانی که او را دوست دارند مهیا نموده است.

دکتر نورمن آر. گالی (Norman R. Gulley, PhD)، استاد تحقیقات الهیات

سیستematیک در دانشگاه ساوترن ادونتیست می باشد.

نبرد کیهانی



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: حزقیال باب ۲۸ آیات ۱ و ۲ و ۱۱ تا ۱۷؛ پیدایش باب ۳ آیات ۱ تا ۷؛ مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیات ۱ تا ۱۷؛ رومیان باب ۸ آیات ۳۱ تا ۳۹؛ مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۱۲.

آیه حفظی: «از این رو اژدها نسبت به آن زن خشمگین شد و رفت تا با بقیه فرزندان او که فرمانهای خدا را نگاه می‌دارند و به عیسی شهادت می‌دهند بجنگد و اژدها در کنار دریا به انتظار ایستاد» (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۱۷).

نبرد کیهانی که گاهی «جدال عظیم» نامیده می‌شود، جهان بینی کتاب مقدسی بشمار می‌رود. پیش زمینه‌ای را تشکیل می‌دهد که وقایع غیر منتظره جهان ما و حتی کائنات را می‌گشاید. گناه، رنج، مرگ، ظهور و سقوط ملت‌ها، گسترش انجیل، وقایع روزهای پایانی — همه این‌ها در بطن نبرد کیهانی رخ می‌دهند.

در این هفته به برخی از مکان‌های مهم که در آن نبرد بزرگ اتفاق افتاد نگاهی خواهیم انداخت که به نحوی مرموز در قلب یک موجود کامل یعنی لوسیفر شکل گرفت که شورش و سرکشی خود را از طریق سقوط دیگر موجودات کامل، یعنی آدم و حوا به زمین آورد. نبرد بزرگ، از این دو «نقاط عطف»، یعنی سقوط لوسیفر یا همان شیطان و سپس نخستین والدین ما، ریشه دواند و از آن زمان شدت یافت. هر کدام از ما بخشی از این نمایش غم‌انگیز کیهانی هستیم.

خبر خوب این است که نه تنها روزی این نبرد به پایان خواهد رسید، بلکه با پیروزی کامل مسیح بر شیطان خاتمه خواهد یافت. و حتی خبر بهتر این است که بدلیل کامل بودن آنچه عیسی بر روی صلیب انجام داد، همه ما می‌توانیم در آن پیروزی سهیم شویم. و به عنوان بخشی از آن پیروزی، خدا الان ما را فرا می‌خواند تا ایمان خود را حفظ کرده و مطیع باشیم. همانطور که منتظر تمام وعده‌هایی هستیم که در عیسی به ما داده شده است و تحقق یافتن آن‌ها تضمین گردیده است.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۷ آوریل آماده شوید.

سقوط یک موجود کامل

اگر نبرد کیهانی، پیش زمینه جهان بینی کتاب مقدس را تشکیل دهد، به چندین سوال منتهی می شود. یک پرسش مهم این است که همه این ها چگونه آغاز شد؟ چون خدای محبت خالق جهان است، معقول بنظر می رسد که شرارت، خشونت و نزاع از ابتدای خلقت بوجود نیامدند. جدال و کشمکش باید جدا از خلقت اولیه بوجود آمده باشد و لزوماً، برآیند آن نبود. با این وجود، نبرد در اینجا وجود دارد، واقعی است و همه ما در آن درگیریم.

حزقیال باب ۲۸ آیات ۱، ۲ و ۱۱ تا ۱۷ و اشعیا باب ۱۴ آیات ۱۲ تا ۱۴ را بخوانید. این آیات چه چیزی در مورد سقوط لوسیفر و ظهور شرارت به ما می آموزند؟

لوسیفر یا شیطان یک موجود کامل بود که در آسمان زندگی می کرد. چگونه ممکن است گناه بویژه در محیطی مانند آن، در او بوجود آمده باشد؟ ما نمی دانیم. شاید این یکی از دلایلی باشد که کتاب مقدس درباره «رمز و راز شرارت» که در (دوم تسالونیکیان باب ۲ آیه ۷) به آن اشاره شده، سخن می گوید. خارج از واقعیت اختیار تامی که خدا به همه موجودات هوشمند خود داده است، دلیلی برای سقوط لوسیفر وجود ندارد. همانگونه که الن جی. وایت عمیقاً اظهار داشت: «توضیح دادن منشاء گناه و همچنین آوردن دلیلی برای وجودش غیرممکن است ... گناه یک مزاحم است، زیرا که نمی توان برای حضورش دلیلی آورد. گناه مرموز و غیرقابل توصیف است؛ و برای توجیه آن نمی توان عذر و بهانه ای آورد. اگر می شد برای آن توجیهی یافت و یا علتی برای وجودش نشان داده شود، دیگر گناه نبود.» — *The Great Controversy*, pp. 492, 493

واژه گناه را با شرارت جایگزین کنید و هر دو در تبیین معانی همدریف هستند. توضیح دادن منشاء شرارت و همچنین آوردن دلیلی برای وجود آن غیرممکن است ... شرارت یک مزاحم است، زیرا که نمی توان برای حضورش دلیلی آورد. مرموز و غیرقابل توصیف است؛ و توجیه کردن گناه یعنی دفاع کردن از آن. اگر می شد برای آن توجیهی آورد و یا دلیلی برای وجودش نشان داده شود، دیگر شرارت نبود.

درباره تجربه خودتان با واقعیت اختیار اراده بیاندیشید. چرا ما باید با دعا و احتیاط در مورد انتخاب هایی که برای استفاده از اختیارات خود می کنیم، بیاندیشیم؟

بیش از دانش فکری

اگر چه علت بوجود آمدن گناه را نمی توانیم توضیح دهیم (از آنجائی که هیچ توجیهی برای آن وجود ندارد)، کلام آشکار می سازد که گناه در قلب لوسیفر در آسمان آغاز شد. علاوه بر این که از نوشته های الن جی. وایت بطور شگفت انگیزی بصیرت می یابیم، (بطور مثال در فصل «مبداء شرارت» از کتاب جدال عظیم)، کلام مقدس در مورد اینکه چگونه شرارت در آسمان آغاز شد، مطالب زیادی به ما می گوید. اگر چه کلام خدا درباره نحوه بروز آن بر روی زمین صریح تر می باشد.

پیدایش باب ۳ آیات ۱ تا ۷ را بخوانید. در اینجا چه اتفاقی می افتد که مجرم بودن آدم و حوا را در آنچه اتفاق افتاد، نشان می دهد؟

آنچه در اینجا بسیار غم انگیز است، این که حوا از کلامی که خدا به ایشان گفته بود آگاهی داشت. او آنها را تکرار کرد: «خدا به ما گفته است که از میوه آن درخت نخورید و حتی آن را لمس نکنید مبادا بمیرید» (پیدایش باب ۳ آیه ۳). اگرچه تا آنجا که کتاب مقدس به ما می گوید، هیچ چیز درباره لمس درخت گفته نشده بود، او نسبت به این حقیقت که خوردن از آن میوه منجر به مرگ خواهد شد آگاه بود.

آنگاه شیطان آشکارا و بی شرمانه آن سخنان را انکار نمود. مار به زن گفت، شما قطعاً نخواهید مرد (پیدایش باب ۳ آیه ۳).

سخیف تر از این چه می توانست باشد؟ با وجود اینکه در ابتدا رویکرد شیطان نسبت به حوا مودبانه و حيله گرانه بود، به محض اینکه توجه او را جلب کرد و دید که او مقاومت نمی کند، با این کار او آشکارا فرمان خدا را به چالش کشید. و آنچه غم انگیز می باشد این است که حوا از موضع نادانی اقدام نکرد. او نمی توانست ادعا کند، «من نمی دانستم، من نمی دانستم.» او می دانست.

با این حال، با وجود این آگاهی، او کار اشتباه را انجام داد. اگر حتی در محیط بی عیب عدن، دانش به تنهایی برای جلوگیری از ارتکاب گناه حوا (و سپس آدم که او هم حقیقت را می دانست) کافی نبود، ما نباید خود را فریب دهیم که فکر کنیم دانش به تنهایی برای نجات ما هم اکنون کافی است. آری، ما باید بدانیم که کلام خدا به ما چه می گوید. اما جدا از آگاهی نسبت به آن نیز، به نوعی باید تسلیم و مطیع فرمان باشیم.

خدا یک چیز گفت و شیطان چیزی دیگر. آدم و حوا با وجود دانشی که

داشتند، تصمیم گرفتند به حرف شیطان گوش بدهند. به این بیاندیشید که در طول بیش از هزار سال، شرایط چقدر کم تغییر کرده است. ما چگونه می‌توانیم از انجام همان اشتباه اجتناب کنیم؟

۳ آوریل

سه شنبه

نبرد در آسمان و زمین

سقوط نخستین والدین ما، جهان را در گناه، شرارت و مرگ فرو برد. مردم ممکن است در مورد دلایل بدهی یا اینکه مقصر کیست، اختلاف نظر داشته باشند، اما چه کسی می‌تواند واقعیتِ پریشانی، خشونت، شورش و نزاع که همه ما را در اینجا دچار مصیبت کرده، انکار کند؟ ما در مورد یک جدال کیهانی، یک نزاع کیهانی صحبت می‌کنیم؛ و این تاوان و جریمه می‌باشد که بجا است. اما منشاء کیهانی این درگیری هر چه که باشد، در اینجا بر روی زمین نیز در جریان است. در واقع، تاریخ کتاب مقدسی آنقدر زیاد است که از زمان سقوط در باغ عدن تا رویدادهای پایانی که به آمدن دوباره عیسی منتهی می‌شود — در بسیاری جهات، شرح کتاب مقدس در باب جدال عظیم می‌باشد. ما در میانه این جدال زندگی می‌کنیم. کلام خدا بما توضیح می‌دهد که چه چیزی در حال رخ دادن است، چه چیزی در پشت آن قرار دارد و مهمتر از همه اینکه، نحوه پایان آن چگونه می‌باشد.

مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیات ۱ تا ۱۷ را بخوانید. این باب چه تصویری از آسمان و زمین را نمایان می‌سازد؟

ما نبردی در آسمان و همچنین نبردهایی بر روی زمین می‌بینیم. نبرد اول میان اژدها (شیطان، مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیات ۷ تا ۹) و میکائیل (معنای عبری: «چه کسی مانند خداست؟») می‌باشد. لوسیفر شورشی به عنوان شیطان (خصم) معروف می‌شود، کسی که صرفاً یک موجود خلق شده در نبرد با خالق ابدی، عیسی است (عبرانیان باب ۱ آیات ۱ و ۲؛ یوحنا باب ۱ آیات ۱ تا ۴).

لوسیفر بر علیه خالق خود شورش می‌کرد. جدال عظیم در باره دوئل خدایان نیست؛ بلکه درباره مخلوقی است که بر علیه خالق خود شورش می‌کند و آن شورش را با حمله به خلقت نیز نشان می‌دهد.

شیطان که در نبردش در برابر مسیح در آسمان شکست خورده بود، درست پس از تولد بشری او، در تعقیب وی بود (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۴). شیطان که در نبردش با مسیح در اینجا، و سپس در بیابان و پس از آن بر روی صلیب — پس از شکست غیرقابل بازگشتش

در جلجتا — نبرد با قوم مسیح را آغاز نمود. این جنگ در طول تاریخ مسیحیت شدت یافته است (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیات ۶ و ۱۴ تا ۱۶) و تا پایان زمان (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۱۷)، تا وقتی که شیطان این بار در هنگام آمدن دوباره مسیح، با شکستی دیگر روبرو می شود، ادامه خواهد یافت.

مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیات ۱۰ تا ۱۲ را بخوانید. ما در این آیات در میان همه نبردها و درگیری هایی که در آیات دیگر دیده می شوند، چه امیدی بدست می آوریم؟

۴ آوریل

چهارشنبه

با تو همیشه، حتی تا پایان

کتاب مکاشفه یوحنا، جفاهایی را پیشگویی کرد که قوم خدا قرار بود در بخش زیادی از تاریخ کلیسا با آن روبرو شوند. ۱۲۶۰ روز پیشگویی شده در مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۶ (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۱۴ را نیز ببینید) به ۱۲۶۰ سال تحت جفا بودن کلیسا اشاره دارند. «این جفا ها که در حکومت نرون در زمان شهادت پولس آغاز شدند، برای قرن ها کمابیش با خشونت سبانه ای ادامه یافتند. مسیحیان به دروغ به وحشتناک ترین جنایات متهم می شدند و به عنوان مسبب مصیبت های بزرگ از جمله قحطی، طاعون و زمین لرزه در نظر گرفته می شدند. همانطور که هدف انزجار عمومی و سوء ظن واقع می شدند، خرچین ها آماده بودند تا بخاطر منفعت خود، به افراد بی گناه خیانت کنند. آنها به عنوان شورشیان علیه امپراتوری، دشمنان دین و آفات جامعه محکوم می شدند. تعداد زیادی از آنها جلوی حیوانات وحشی پرتاب می شدند یا در تالارهای شهر، زنده سوزانده می شدند.» — الن جی. وایت، *The Great Controversy*, p. 88

در همان زمان، زن (کلیسا) به بیابان فرار کرد (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۶). او دو بار تشبیه شده است که دو بال مانند فرشته داشت. این تصویری را از فرار کردن به نمایش می گذارد به مکانی که کمک می توانست در آنجا یافت شود. در بیابان از او نگهداری شد و مار یا شیطان نتوانستند به او دسترسی یابند (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۱۴). خدا همیشه حتی در خلال جفاهای بزرگ، بازماندگانی را حفظ نموده است و در پایان زمان نیز چنین خواهد کرد.

در زمینه خطرات روزهای پایانی، مسیح به حواریونش فرمود: «من هر روزه تا انقضای عالم با شما هستم» (متی باب ۲۸ آیه ۲۰). ما این وعده فوق العاده را حتی در مواجهه با شهادت گسترده بسیاری از پیروانش، چگونه درک می کنیم؟ (رومیان باب ۸ آیات ۳۱ تا ۳۹ و متی باب ۱۰ آیه ۲۸ را نیز ببینید.)

هیچ چیز — نه جفا، نه قحطی و یا مرگ — نمی تواند ما را از محبت خدا جدا سازد. حضور مسیح با ما، چه اکنون و چه در پایان زمان، بدین معنی نیست که ما از درد، رنج، آزمایش ها و یا حتی مرگ در امان هستیم. هرگز چنین معافیتی به ما در این زندگی وعده داده نشده است. این بدین معناست که ما از طریق عیسی و کاری که برای ما انجام داده است، می توانیم با این امید و وعده که خدا در این مشکلات با ماست و اینکه ما وعده زندگی ابدی در آسمان ها و زمین جدید را داریم، زندگی کنیم. ما می توانیم با این امید که صرفنظر از همه آنچه در اینجا با آن مواجه می شویم، زندگی کنیم؛ مانند پولس، می توانیم مطمئن باشیم که «اکنون تاج پیروزی در انتظار من است، همان تاج نیکی مطلق که خداوند، یعنی آن داور عادل در روز بازپسین به من خواهد داد و آن را نه تنها به من، بلکه به همه آنانی که مشتاق ظهور او بوده اند، عنایت خواهد فرمود» (دوم تیموتائوس باب ۴ آیه ۸). ما نیز که «مشتاق ظهور او بوده ایم» می توانیم این وعده و امید را برای خود مطالبه کنیم.

۵ آوریل

پنجشنبه

احکام و انجیل

نام ما به عنوان ادونتیست های روز هفتم، بیش از آنچه که در باره آن بگوئیم در بر دارد. بخش روز هفتم نشان دهنده روز هفتم سبت است که به باور ما نه تنها در فرمان مربوطه، بلکه به طور ضمنی همه ده فرمان اشاره دارد. بخش ادونتیست به باور ما به ظهور دوباره عیسی اشاره دارد، حقیقتی که تنها می تواند بخاطر کاری که مسیح با مرگ کفاره ای خود در ظهور اول انجام داد، وجود داشته باشد. از این رو، نام ما ادونتیست روز هفتم به دو جزء بسیار مهم و جدایی ناپذیر حقیقت کنونی اشاره دارد: احکام و انجیل.

این آیات چگونه نشان می دهند که احکام و انجیل بطور نزدیکی به هم مرتبط هستند؟

ارمیا باب ۴۴ آیه ۲۳

رومیان باب ۳ آیات ۲۰ تا ۲۶

رومیان باب ۷ آیه ۷

انجیل، مژده یا خبر خوش است، مژده ای که با اینکه گناه کرده ایم و بواسطه آن احکام خدا را نقض کرده ایم، از طریق ایمان به آنچه مسیح بر روی صلیب انجام داد، گناهانمان برای تجاوز و سرپیچی از احکام او بخشیده می شود. همچنین، به ما قدرت اطاعت کامل از احکام داده شده است.

پس جای تعجب نیست که در زمینه روزهای پایانی، همچنان که نبرد بزرگ شدت می گیرد، قوم خدا به شیوه ای خاص به تصویر کشیده می شوند.

مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۱۲ را بخوانید. این آیه چگونه ارتباط میان احکام و انجیل را نمایان می‌سازد؟

به عنوان ادونتیسست های روز هفتم، که به اطاعت از احکام باور داریم، چگونه می‌توانیم به دیگران نشان دهیم که اطاعت از احکام قانونگرایی نیست، بلکه نتیجه طبیعی محبت خدا و نجات یافتن توسط اوست؟ آیاتی چون تثبیه باب ۱۱ آیه ۱ و اول یوحنا باب ۵ آیه ۳ از این نکته پشتیبانی می‌کنند؟

۶ آوریل

جمعه

مطالعه بیشتر: مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیات ۹ تا ۱۲ را بخوانید. و همچنین فصل «چرا به گناه اجازه ورود داده شد» صفحات ۳۳-۴۳، در کتاب مشایخ و انبیا از نوشته های الن جی وایت را مطالعه کنید.

«تا زمانی که تمامی موجودات، بیعت با محبت را اذعان می‌داشتند، هماهنگی کامل در سرتاسر جهان خدا حاصل می‌بود. شادی سپاه فرشتگان آسمانی این بود که هدف خالق خود را تحقق بخشند. آنها از بازتاب دادن جلال او و نشان دادن حمد خویش نسبت به او خوشحال می‌شدند. و در حالی که محبت برای خدا در جایگاهی برتر قرار داشت، محبت به یکدیگر آشکار و غیر خودخواهانه بود. هیچ پرده و نُت ناسازی وجود نداشت تا توازن و هماهنگی ارکستر سماوی را به هم بریزد. اما تغییری در این وضعیت با صفا و مسرور پدیدار گشت. در آنجا فردی بود که آن اختیار و آزادی را که خدا به مخلوقاتش عطا کرده بود، به انحراف کشانید. گناه از کسی شروع شد که در کنار مسیح، مکرم ترین فرد در نزد خدا شمرده می‌شد.» — الن جی. وایت، *Ellen G. White, Patriarchs and Prophets*, p. 35

به این عبارت «بیعت با محبت» الن جی. وایت توجه کنید. این عبارت قدرتمند و سرشار از معنی به این واقعیت اشاره دارد که محبت به وفاداری، سرسپردگی منجر می‌شود. همسری که شریک زندگی خود را دوست دارد، آن دوست داشتن را از طریق وفاداری نشان خواهد داد. در مورد موجودات در آسمان نیز چنین بود و ما نیز اکنون در رابطه خود با خدا باید همانگونه باشیم.

سوالاتی برای بحث

۱. چه شواهدی از کتاب مقدس داریم که نه تنها به واقعیت شیطان بلکه به نقش او در جدال عظیم اشاره می‌کنند؟ ما چگونه می‌توانیم به مردم کمک کنیم که واقعیت شیطان را به عنوان یک شخص و نه تنها یک نماد شرارت در قلب بشری درک کنند؟



مورمور شدن برای خدا

توسط اندرو مک چسنی، تبلیغ دینی ادونتیست

صفت کرامت که یک راننده کامیون است مور مور شدن را دوست دارد. او وقتی که به موعظه ای گوش می دهد دستانش مور مور می شود. این اتفاق در حین دعا و زمانی که درباره دلدادگی تازه اش به عیسی می گوید، رخ می دهد. کرامت در مصاحبه ای در دانشگاه کارائیب جنوبی، یک مؤسسه آموزشی وابسته به ادونتیست روز هفتم در جزیره ترینیداد و توباگو با نشان دادن پوست بازوی خود، گفت: «من واقعاً حضور خدا را در اینجا احساس می کنم.» مور بر روی پوست تیره اش راست شده بود.

او گفت، «وقتی از خدا صحبت می کنیم، این اتفاق همیشه برای من می افتد. من این را نشانه ای از اینکه تنها نیستم، می دانم.»

کرامت در بخش زیادی از عمر ۵۳ ساله خود احساس تنهایی کرده است. او تنها فرزند خانواده بود و مادرش وقتی او جوان بود، از دنیا رفت. او توسط پدری دائم الخمر در اجتماعی مسلمان در ترینیداد بزرگ شد.

کرامت گفت، «پدرم همیشه مست بود، پس من باید وقتی او به خانه می آمد از دستش فرار می کردم. تنها به خودم تکیه می کردم.»

کرامت به طور مرتب همراه با دیگر کودکان در مراسم مسجد محل شرکت می کرد. پس از ازدواج، او و همسرش به دین هندو گرویده و هشت بچه را بزرگ کردند که همه آنها در کلیسای کاتولیک رم مسیحی شدند.

اما کرامت همچنان احساس تنهایی می کرد. چنانچه به دنبال راه بهتری بود، ماری جوانا را ترک کرد. چند سال بعد سیگار را ترک نمود و زمانی پس از آن، خوردن مشروبات الکلی را کنار گذاشت.

این زمان بود که مور مور شدن ها شروع شد. کرامت پس اینکه از طریق کلاس کتاب مقدس کودکان که دانشگاه به کودکان محله ارائه می داد، به جلسات بشارتی دعوت شد، شرکت در آنها را شروع کرد. فرزندان کرامت در کلاس های هفتگی که توسط استادان دانشگاه تدریس می شد، شرکت می کردند.

کرامت گفت، «انجیل به روش بسیار واضحی اعلام می‌شد و پس از ۵۰ سال من خداوند را برای اولین بار ملاقات کردم.»

کرامت و سه فرزندش به سنین ۱۲، ۱۴ و ۱۶ تعمید داده شدند. از او در پاسخ به این پرسش که اگر مورمور شدن‌ها تمام شود، آیا احساس خواهد کرد که خدا او را ترک کرده است، توضیح داد: «نه! هرگز!» او گفت که در واقع مور مور شدن را نشانه‌ای از اینکه تنها نیست، می‌داند. او گفت، «خدا با من است.»

بخشی از هدایای سبت سیزدهم این فصل به کلیسای دانشگاه کارائیب جنوبی فرستاده خواهد شد تا این دانشگاه بتواند برنامه‌های بشارتی خود از جمله کلاس هفتگی کتاب مقدس کودکان که منجر به تعمید کرامت (در چپ) و فرزندانش شد را گسترش دهد.

دانیال و پایان زمان



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: لوقا باب ۱۶ آیه ۱۰؛ دانیال باب های ۱ و ۲، باب ۳ آیات ۱ تا ۶؛ مکاشفه باب ۱۳ آیات ۱۱ تا ۱۵؛ دانیال باب ۳ آیات ۱۳ تا ۱۸؛ یوحنا باب ۳ آیه ۷؛ دانیال باب های ۴ و ۶.

آیه حفظی: «سپس به دانیال گفت: خدای تو از تمام خدایان بزرگتر است. او خداوند همه پادشاهان است و اسرار پنهانی را آشکار می‌سازد، زیرا تو توانستی این راز را آشکار کنی» (دانیال باب ۲ آیه ۴۷).

خداوند نقشه های بزرگی برای اسرائیل گهن داشت. «و شما برای من مملکت گهنه و اُمت مقدس خواهید بود» (خروج باب ۱۹ آیه ۶). این قوم مقدس و این جماعت کاهنان قرار بود شاهدان برای خدای یگانه در جهان باشند (اشعیا باب ۴۳ آیات ۱۰ و ۱۲ را ببینید). متأسفانه، این امت فراخوانده شده، خدا را نادیده گرفتند. و سرانجام به اسارت بابلیان در آمدند. جالب است بدانیم که خدا همچنان قادر بود با وجود فاجعه اسارت، از برخی افراد یهودی بعنوان شاهدانش، استفاده کند. به عبارت دیگر، خدا تا حدی از طریق دانیال و سه یار اسیر او، آنچه که از طریق اسرائیل و قوم یهودا تحقق نیافته بود را کامل می کرد. در یک مفهوم، این مردان نمونه ای از آنچه بودند که امت اسرائیل باید می بود و انجام می داد.

آری، داستان های ایشان در زمان و مکانی متفاوت، بسیار پیش تر از روزهای پایانی اتفاق افتاد. ولی همچنان می توانیم ویژگی ها و خصوصیات در این مردان بیابیم که به عنوان الگوی ما عمل کنند، ما که نه تنها در روزهای پایانی زندگی می کنیم، بلکه فراخوانده شده ایم که شاهدان خدا در جهانی باشیم که مانند بت پرستان دربار بابل، او را نمی شناسند. ما از داستان های آنها چه چیزهایی می توانیم بیاموزیم؟

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۴ آوریل آماده شوید.

امین بودن در کوچکترین امور

«کسی که در امور کوچک درستکار باشد، در کارهای بزرگ هم درستکار خواهد بود و کسی که در امور کوچک نادرست باشد، در کارهای بزرگ هم نادرست خواهد بود» (لوقا باب ۱۶ آیه ۱۰).

به سخنان عیسی در اینجا توجه کنید. «نادرستی [و بی تفاوتی] نسبت به کوچک ترین امور» بسیار آسان است، اینطور نیست؟ مشکل «کوچکترین امور» نیست، گرچه کوچکترین چیزها هم در جای خود از اهمیت خاصی برخوردار هستند. همانطور که اکثر ما چه بواسطه تجربه شخصی یا توسط عبرت های دیگران (یا هر دو) می دانیم، مشکل این است که بی تفاوتی اول به بی تفاوتی دوم و به همین منوال ادامه یافته تا اینکه «در بزرگترین امور نادرست» می شویم. با این فکر در ذهن، داستان باب ۱ دانیال، نخستین تجربه های این چهار یهودی در اسارت بابل را انتخاب می کنیم.

دانیال باب ۱ را بخوانید. موضعی که دانیال، حننیا، میثائیل و عزریا گرفتند، به چه روش هایی آنچه را که اسرائیل باستان باید برای امت ها می بود منعکس می کند؟ تثنیه باب ۴ آیات ۶ تا ۸ و زکریا باب ۸ آیه ۲۳ را نیز ببینید.

اگر چه آیات فوق بطور مستقیم نوع رژیم غذایی دانیال و دوستانش را به داشتن «ده برابر دانش» آنان نسبت به دیگران ربط نمی دهند (دانیال باب ۱ آیه ۲۰) ولی با این حال این ارتباط به وضوح در آنجا وجود دارد. این باب همچنین می گوید که خدا به ایشان این دانش و حکمت را داده است. یعنی، خداوند توانست با آنان کار کند، بخاطر این که آنان در خوردن غذاهای ناپاک بابل پرهیز کردند. آنها اطاعت نمودند و خدا مطیع بودن ایشان را برکت داد. آیا اگر اسرائیل به عنوان یک مجموعه مانند این چهار مرد جوان، صادقانه و وفادارانه مطیع آموزه های کتاب مقدس بودند، خدا کاری مانند آنچه برای آن چهار مرد انجام داد، برای ایشان نیز انجام نمی داد؟ مطمئناً. و آیا او این کار را هم اکنون در روزهای پایانی، اگر ما وفادار باشیم، برایمان انجام نخواهد داد؟

از آنجایی که نور و حقایق زیادی به ما داده شده است، ما به عنوان یک کلیسا باید از خود پرسیم: آیا نسبت به آنچه که به ما داده شده است، وفادار و مطیع هستیم؟ در عین حال، چگونه هر کدام از ما بصورت فردی می توانیم مسئولیت هایی داشته باشیم که ما را قادر سازد تا شاهدان قدرتمندی برای خدا باشیم؟

فروتنی دانیال

در سرتاسر جهان و برای هزاران سال، باب ۲ دانیال به تعداد بیشماری از مردم کمک نمود تا به خدای کتاب مقدس ایمان آورند. این باب شواهد قدرتمند عقلانی نه تنها برای وجود خدا، بلکه برای علم غیب او ارائه می دهد. در حقیقت، مکاشفه ای که این باب از علم غیب خدا ارائه می دهد، گواهی بر وجود خداست.

دانیال باب ۲ را بخوانید. این باب چگونه شواهدی قانع کننده برای واقعیت خدا ارائه می دهد؟ به اروپای امروزی آنگونه که در کتاب دانیال به تصویر کشیده شده است، توجه کنید (دانیال باب ۲ آیات ۴۰ تا ۴۳). چگونه ممکن است مردی که در ۲۶۰۰ سال پیش زندگی می کرد، بدون وحی و الهام، بتواند چنین دقیق شرایط را در اینجا توصیف کند؟

دانیال آشکارا و بدون اینکه خجل باشد تمامی اعتبار آنچه که برایش نمایان شده بود را به خدا نسبت می دهد. او چقدر راحت می توانست برای حکمت و فهمی که در باره رویای پادشاه و تعبیر آن به او عطا شده بود خودستائی کند! اما دانیال بهتر از آن می دانست. دعاهای او و دیگران (دانیال باب ۲ آیات ۱۷ تا ۲۳)، وابستگی مطلق ایشان را به خدا نشان داد؛ در غیر اینصورت آنها با سایر مردان خردمند می مردند. کمی بعد، دانیال به پادشاه یادآوری کرد که هیچکدام از مردان حرفه ای حکیم، جادوگران و یا ساحران او قادر نبودند تا رویای پادشاه را بازگو کنند. در مقابل، خدای آسمان می تواند اسرار را فاش سازد، زیرا او تنها خدای حقیقی است. بنابراین، دانیال در فروتنی و وابستگی اش به خدا، قادر بود یک شاهد قدرتمند باشد. اگر دانیال در آن زمان فروتنی نشان داد، ما امروزه تا چه میزان بیشتر باید فروتن باشیم؟ گذشته از هر چیز، ما الهامی از نقشه نجات داریم که دانیال نداشت؛ و اگر چیزی بتواند ما را فروتن نگه دارد، باید دانش آنچه که عیسی بر روی صلیب انجام داد، باشد.

صلیب چه چیزی درباره فروتنی به ما می آموزد؟ چه چیزی به ما در مورد نه تنها گناهکاری ما بلکه وابستگی مطلقمان به خدا برای نجات، می گوید؟ به این بیاندیشید که بدون صلیب چه وضعیتی می داشتید. پس ما باید در مورد چه چیزی غیر از صلیب، به خود ببالیم؟ غلاطیان باب ۶ آیه ۱۴ را ببینید.

مثال طلایی

شاگردان کتاب مقدس برای مدت هاست که متوجه ارتباط میان باب ۳ دانیال، داستان سه عبرانی در دشت دورا و باب ۱۳ مکاشفه شده اند؛ تصویری از جفایی که قوم خدا در گذشته با آن روبرو شدند و در روزهای پایانی نیز تجربه خواهند کرد.

دانیال باب ۳ آیات ۱ تا ۶ را با مکاشفه باب ۱۳ آیات ۱۱ تا ۱۵ مقایسه کنید. شباهت های میان این آیات کدامند؟

در هر دو مورد، مسئله عبادت در مرکزیت قرار دارد، اما هر دو در مورد عبادتی سخن می گویند که اجباری است. یعنی، قدرت های سیاسی خواستار کرنش و پرستشی هستند که فقط به خداوند تعلق دارد.

دانیال باب ۳ آیات ۱۳ تا ۱۸ را بخوانید. ما از این داستان، چه چیزی می توانیم بیاموزیم که به ما در درک نه تنها آنچه در روزهای پایانی با آن مواجه خواهیم شد، بلکه نحوه روبرو شدن با آن، کمک کند؟

نبوکدنصر به عنوان قدرتمندترین حاکم زمین، این مردان و خدایشان را به تمسخر گرفت و گفت، «کدام خدایی است که بتواند شما را از دست من نجات دهد؟» او خیلی زود دریافت که آن خدا که بود، زیرا بعدها اعلام نمود: «سپاس بر خدای شدربک، میشک و عبدنغو! او فرشته خود را فرستاد تا این مردانی که او را خدمت می کنند و به او توکل دارند و از فرمان من سرپیچی کردند و جان خود را به خطر انداختند تا در مقابل خدای دیگری جز خدای خودشان سجده نکنند، نجات دهد» (دانیال باب ۳ آیه ۲۸).

بدون تردید، پادشاه پس از دیدن چنین معجزه ای، متقاعد شد که چیز خاصی در مورد خدایی که این مردان خادم او بودند، وجود داشت.

فرض کنید، حتی اگر این مردان جوان از شعله های آتش نجات نمی یافتند، چیزی که آنها متوجه شدند دور از احتمال نبود (دانیال باب ۳ آیه ۱۸). چرا آنها با وجود اینکه ممکن بود زنده در آتش سوزانیده شوند، از فرمان پادشاه اطاعت نمی کردند؟ این داستان، شهادتی قدرتمند از ایمان و تمایل ایشان به ایستادگی بر سر آنچه باور داشتند، صرف نظر از عواقب آن، می باشد.

هنگامی که مسئله عبادت در روزهای پایانی مطرح می شود، ما چگونه می توانیم مطمئن باشیم که مانند این مردان وفادار بمانیم؟ اگر ما اکنون در آنچه «کوچکترین» است، امین نیستیم، چه چیزی باعث می شود فکر کنیم در چیزی به بزرگی بحران پایانی امین باشیم؟

چهارشنبه

۱۱ آوریل

تغییر کیش و ایمان آوردن غیریهودیان

باب ۳ دانیال با اذعان نبوکدنصر به (وجود و قدرت خدای حقیقی) آغاز می شود. اما اذعان به وجود خدا و قدرت او مانند داشتن تجربه تولد تازه نمی باشد، چیزی که عیسی فرمود برای نجات از اهمیت خاصی برخوردار است (یوحنا باب ۳ آیه ۷ را ببینید). در حقیقت، فردی که در دانیال باب ۴ آیه ۳۰ به تصویر کشیده شده است، جانی نبود که از ایمان به خدا برخوردار باشد.

دانیال باب ۴ آیه ۳۰ را بخوانید. مشکل این مرد چه بود؟ یوحنا باب ۱۵ آیه ۵، اعمال رسولان باب ۱۷ آیه ۲۸ و دانیال باب ۵ آیه ۲۳ را نیز ببینید.

اگر چه پیش از زمانی که فصل به پایان برسد، نبوکدنصر به شیوه ای نا مطبوع آموخت که تمام قدرت های حقیقی در خدا هستند و بدون خدا او چیزی نیست. «پادشاهی که قبلاً مغرور بود، فرزند فروتن خدا شده بود؛ آن حاکم مستبد و از خود راضی، به پادشاه عاقل و مهربان تبدیل شده بود. او که خدای آسمان را به مبارزه طلبیده و به او کفر گفته بود، اکنون بر قدرت خدای تعالی اذعان داشت و صادقانه بدنبال ترویج ترس از خداوند و سعادت بندگانش بود. نبوکدنصر تحت سرزنش خدا که پادشاه پادشاهان و خداوند خداوندان است، دست کم درسی را آموخت که همه حاکمان باید بیاموزند — عظمت واقعی شامل نیکوئی حقیقی می شود. او خداوند را به عنوان خدای زنده پذیرفت و گفت، اکنون من نبوکدنصر، پادشاه آسمان ها را حمد و سپاس می گویم. جلال از آن اوست که تمام کارهایش برحق است و می تواند متکبران را فروتن و پست سازد» — الن جی. وایت، Ellen G. White, *Prophets and Kings*, p. 521

دانیال باب ۴ آیه ۳۵ را بخوانید. نبوکدنصر در اینجا نیز چه حقایقی در مورد خدا بیان می کند؟

باب ۴ دانیال به اعتراف یک غیر یهودی مبنی بر اقتدار، سلطه و قدرت خدای «عبرانیان» پایان می یابد. در یک مفهوم، این صحنه منادی آن چیزی است در کلیسای اولیه اتفاق افتاد. یعنی زمانی که غیر یهودیان از طریق شهادت یهودیان و قدرت خدا، حقیقت را در مورد خداوند آموختند و شروع به اعلام آن حقیقت به جهانیان نمودند.

یوحنا باب ۳ آیه ۷ را بخوانید. اگر چه ما به وقایع پایان زمان به عنوان حکم مرگ، عبادت و جفا نگاه می کنیم، در اینجا عیسی چه چیزی می گوید که فراتر از هر چیز دیگر، مردم را برای روزهای پایانی آماده می کند؟

۱۲ آوریل

پنجشنبه

وفاداری دانیال

دانیال باب ۶ را بخوانید و به پرسش های زیر پاسخ دهید:

۱. دانیال باب ۶ آیات ۴ و ۵ چه چیزی در مورد شخصیت دانیال نمایان می سازند؟ ما درباره اینکه چگونه باید دیده شویم، چه درس هایی از این آیات می توانیم برداشت کنیم؟

۲. چه شباهت هایی می توانیم در این باب بیابیم که آن را به اتفاقات پایان جهان آنگونه که در کتاب مکاشفه به تصویر کشیده شده اند، مرتبط می سازد؟ مکاشفه باب ۱۳ آیات ۴ و ۸ و ۱۱ تا ۱۷ را ببینید.

۳. خود را به جای دانیال در این موقعیت قرار دهید. چه منطق یا استدلالی می توانست برای دعا نکردن ارائه دهد؟ یعنی، چگونه می توانست امتناع خود را توجیه کند و از این رو، خود را از افتادن در چاه شیرها برهاند؟

۴. شما فکر می کنید چرا دانیال مانند همیشه به دعا کردن ادامه داد، حتی اگر چه الزاماً مجبور نبود؟

۵. داریوش پادشاه پیش از اینکه دانیال به درون چاه شیرها انداخته شود، چه چیزی گفت (دانیال باب ۶ آیه ۱۶)، که نشان داد او چیزی در مورد قدرت خدای دانیال می دانست؟ چه چیزی در سخنان او، شهادت دانیال به پادشاه در رابطه با خدایی که او عبادت و خدمت می کرد، نشان داد؟

جمعه

۱۳ آوریل

مطالعه بیشتر: «همچنانکه ما به انتهای تاریخ این جهان نزدیک می شویم، پیشگویی های ثابت شده توسط دانیال، توجه ویژه ما را می طلبد، زیرا آنها با زمانی که ما در آن زندگی می کنیم، مرتبط هستند. آموزه های آخرین کتاب عهد جدید باید با این مطالب مرتبط شوند. شیطان بسیاری را هدایت کرده است تا باور کنند که بخش های پیشگویی نوشته های دانیال و یوحنا افشاء کننده قابل درک نبودند. اما وعده واضح است که برکتی ویژه، مطالعه این پیشگویی ها را به همراه خواهد داشت. 'خردمندان همه چیز را درک خواهند کرد' [دانیال باب ۱۲ آیه ۱۰]، و از رؤیای دانیال سخن می گفت که باید در در روزهای پایانی آشکار شود؛ و از مکاشفه ای که مسیح به خدمتگزارش یوحنا داد برای راهنمایی قوم خدا در طول قرن ها، وعده این است، 'خوشا به حال کسی که این را می خواند و کسانی که به کلمات این نبوت گوش دهند و طبق آنچه در آن نوشته شده است، عمل کنند.' مکاشفه باب ۱ آیه ۳.» — الن جی. وایت،

Ellen G. White, *Prophets and Kings*, p. 547

اگر چه تمایل داریم در زمینه ظهور و سقوط ملت ها، داوری (دانیال باب ۷ آیه ۲۲ و ۲۶، باب ۸ آیه ۱۴) و نجات نهایی قوم خدا در زمان سختی ها (دانیال باب ۱۲ آیه ۱) به کتاب دانیال بنگریم؛ این هفته دیدیم که کتاب دانیال همچنین می تواند نمونه هایی از مفهوم آماده بودن فردی ما برای مشکلات و جفا های در زمان بروزشان، ارائه می دهد. در این معنا، این روایات، پیام های بسیار مهمی در روزهای پایانی به ما ارائه می دهند. گذشته از هر چیز، آگاهی از «نشان وحش» و «زمان سختی ها» و جفا های پیش رو هر چند هم مفید باشد، اگر ما این نوع تجربه با خدا را که لازم داریم نداشتیم، تمام این دانش ها تنها باعث محکومیت ما خواهند شد. بیش از هر چیز دیگر، ما به تجربه «تولد تازه» نیاز داریم که دانیال و دیگران از جمله نبوکدنصر داشتند.



دعا برای خانواده هندی

توسط اندرو مک چسنی، تبلیغ دینی ادونتیست

آرپیتا بوسله، دانش‌آموز ۱۴ ساله در مدرسه ادونتیست روز هفتم در غرب هند، زمانی که کامیونی از پشت به ارابه پدرش اصابت نمود، او را از دست داد. شدت تصادف باعث شد پدرش، روئاصحاب بوسله به داخل مسیر جلوی دو گاو پرتاب شود و با خودرویی دیگر برخورد کند.

هراس و شوک ایجاد شده از مرگ وی باعث شد مادرش که کر و لال است، پیش از موعد وضع حمل کند. آرپیتا بوسله یک ماه زود به دنیا آمد.

بوسله در مصاحبه‌ای در مدرسه ادونتیست روز هفتم آلات واقع در ۳۰ کیلومتری کولاپور، شهری شلوغ با جمعیت بیش از ۱ میلیون نفر، گفت، «اما خدا توانست از مرگ پدرم برای هدایت مادرم به سوی عیسی استفاده کند.» بوسله نخستین ماه‌های زندگی خود را با مادرش، آکاتای در بیمارستان سپری کرد. هم او و هم مادرش ناتوان بودند. این وضعیت خطرناک باعث نگرانی دایی او، ساتیش که روزانه در بیمارستان به ملاقات آن‌ها می‌رفت، شد.

یک روز شبانه وقتی که ساتیش برای تشویق خواهرش به بیمارستان رسید، غریبه‌ای را دید که به کنار همه تخت‌ها رفته و با مریض‌ها دعا می‌کند. ساتیش با کنجکاوای به آن مرد نزدیک شد و متوجه شد که او یک شبان ادونتیست بود.

بوسله گفت، «دایی من هندو بود. اما برای کمک به مادرم درمانده بود، بنابراین از شبان خواست که برای او دعا کند.»

شبان برای مادر و بچه دعا کرد. ساتیش با استفاده از زبان اشاره، سخنان شبان را برای خواهرش ترجمه کرد.

در حینیکه شبان به طور مرتب از مادر و نوزاد بازدید نمود، حال آن‌ها شروع به بهبودی نمود. بوسله گفت که ساتیش شگفت‌زده از شبان در مورد ایمانش پرسید. پس از چند ماه مطالعه کتاب مقدس، ساتیش و خواهرش عیسی را پذیرفتند. مادر، دختر خود را وقف خدا نمود و از زمانی که شروع به حرف زدن کرد، به او آموخت که هر روز ساعت ۷ عصر دعا کند.

بوسله گفتم، «هر روز در ساعت ۷ عصر من بی توجه به جایی که هستم، دستانم را برای دعا به هم می‌گیرم. تا جایی که یادم می‌آید من این کار را انجام می‌دادم.» او اکنون دانش‌آموز کلاس هفتم مدرسه شبانه‌روزی آلات ادونتیست است که بودجه برای ساختن ساختمان جدید کلاس‌هایش را از هدایای سبت سیزدهم در فصل سوم ۲۰۱۷ دریافت نمود. بوسله خود در سن ۱۳ سالگی تعمیم داده شد.

بوسله گفتم، «من تصمیم گرفتم تعمیم بینم زیرا دیده‌ام که عیسی چگونه خانواده من را از طریق کلیسای ادونتیست روز هفتم برکت داده است. من می‌خواهم بدلیل داستان زندگی مادرم از عیسی پیروی کنم. من تمام کارهایی که عیسی برای او انجام داده است را دیده‌ام.» آریتا بوسله، دانش‌آموز ۱۴ ساله یک مدرسه ادونتیست در غرب هند.

عیسی و کتاب مکاشفه یوحنا



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اول قرن‌تین باب ۱۰ آیات ۱ تا ۱۱؛ مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیات ۱ تا ۱۷، باب ۱۹ آیات ۱۱ تا ۱۵؛ افسسیان باب ۱ آیه ۲۰؛ مکاشفه یوحنا باب ۱۱ آیه ۱۹، باب ۱ آیات ۱۰ تا ۱۸.

آیه حفظی: «به آن کسی که پیروز گردد جایی در روی تخت خود خواهم بخشید، همان طور که من پیروز شدم و با پدر بر تخت او نشستم» (مکاشفه یوحنا باب ۳ آیه ۲۱).

حتی مرور سریع عهد جدید، حقیقتی مهم را نمایان می‌سازد: عهد جدید مستقیماً به عهد قدیم پیوند دارد. زمان و زمان دوباره، انجیل‌ها و رساله‌ها یا به وقایع عهد قدیم اشاره دارند و یا مستقیم یا غیر مستقیم از آن نقل قول می‌کنند. و وقتی که عیسی به خود و به بشارت خویش اشاره می‌کرد، چند بار در مورد اینکه نبوت «کلام مقدس» باید «تحقق» یابد، صحبت کرد؟ (متی باب ۲۶ آیات ۵۴ و ۵۶، مرقس باب ۱۴ آیه ۴۹، یوحنا باب ۱۳ آیه ۱۸ و باب ۱۷ آیه ۱۲ را ببینید)

همین مطلب می‌تواند درباره کتاب مکاشفه یوحنا گفته شود. در واقع، مفهوم کتاب مکاشفه یوحنا جدای از عهد قدیم و بویژه کتاب دانیال غیر ممکن می‌باشد. این یکی از دلایلی است که چرا ما اغلب هر دو کتاب را با هم مطالعه می‌کنیم.

یکی از جنبه‌های بسیار مهم رجوع کردن به عهد قدیم در مکاشفه یوحنا این است که در کنار بقیه کتاب، عیسی را نمایان می‌سازند. مکاشفه کاملاً درباره عیسی و اینکه چه کسی بود و کاری که برای قومش انجام داد و آن چیزی است که در پایان جهان برای ما انجام خواهد داد. ضروری است که در تمرکز بر وقایع پایان زمان، عیسی در مرکزیت و مقابلمان قرار داشته باشد، دقیقاً همان کاری که کتاب مکاشفه یوحنا انجام می‌دهد. در درس این هفته، از طریق دریچه کتاب مکاشفه یوحنا به عیسی نگاه می‌کنیم.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۱ آوریل آماده شوید.

ساختار کتاب مکاشفه

در میان بسیاری از چیزهای مشترکی که کتاب دانیال و مکاشفه یوحنا دارند، دو بخش اساسی شامل آنها می باشد: تاریخی و آخرت شناسی (وقایع پایان زمان). هر دو این مفاهیم بطور دقیقی در هر کتاب مرتبط هستند. ما ممکن است وقایع تاریخی را به عنوان پیش در آمد یا نمونه هایی از وقایع بزرگ و جهانی روزهای پایانی حتی اگر در مقیاسی کوچکتر، ببینیم. یعنی، با مطالعه آنچه در تاریخ عهد قدیم اتفاق افتاد، می توانیم بینشی برای آنچه در زمان ما و فراتر از آن رخ خواهد داد، داشته باشیم. اگر چه این اصل تنها به کتاب دانیال و مکاشفه یوحنا محدود نمی شود.

اول قرنیتیان باب ۱۰ آیات ۱ تا ۱۱ را بخوانید. در این آیات، اصول گفته شده در بالا را چگونه می بینیم؟

همانطور که هفته پیش دیدیم، برخی از داستان های کتاب دانیال (دانیال باب ۳ آیات ۶، ۱۵ و ۲۷؛ و باب ۶ آیات ۶ تا ۹ و ۲۱ و ۲۲) حوادث تاریخی محلی بودند که به گونه ای بازتاب دهنده وقایع آخرالزمان هستند که در کتاب مکاشفه به تصویر کشیده شده اند. با مطالعه این داستان ها، حد اقل می توانیم نگاهی اجمالی و بینشی در مقیاسی گسترده تر در مورد برخی از چیزهایی که قوم خدا در پایان زمان با آنها روبرو خواهد شد، بدست آوریم. اگر چه شاید، مهم ترین نکته این است که بدون در نظر گرفتن موقعیت کنونی ما در اینجا، به ما تضمین رستگاری نهایی داده شده است. در کنار چیزهای دیگری که کتاب مکاشفه یوحنا تعلیم می دهد، اطمینان از پیروزی را تضمین می دهد.

اگر چه چندین استثنا وجود دارد، بخش تاریخی مکاشفه یوحنا باب های ۱ تا ۱۱ و در مورد پایان زمان، باب های ۱۳ تا ۲۲ می باشند.

مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیات ۱ تا ۱۷ را بخوانید. این باب در بخش تاریخی یا رویدادهای پایان زمان قرار می گیرد و چرا؟

همانطور که می توانیم ببینیم، این باب متعلق به هر دو بخش می باشد. چرا؟ زیرا در مورد درگیری های تاریخی — اخراج شیطان از آسمان (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیات ۷ تا ۹)، حمله شیطان به عیسی در زمان نوزادی (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۴) و جفای

کلیسا در تاریخ بعدی کلیسا (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیات ۱۴ تا ۱۶) — و در ادامه، تصویر حمله شیطان به بازمندگان پایان زمان (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۱۷) صحبت می کند.

گفته شده است که یکی از درس هایی که ما از تاریخ می گیریم، این است که ما هرگز از تاریخ درس نمی گیریم. ایده این است که بدون در نظر گرفتن دوره زندگی، مردم به انجام اشتباهات مشابه ادامه می دهند. با وجود تاریخ زیادی که ما می توانیم از آن درس بگیریم، چگونه می توانیم از انجام اشتباهات مشابه اجتناب کنیم؟

۱۶ آوریل

دوشنبه

تصویر عیسی

آیات زیر که اسامی و در مواردی شرح های متعددی برای عیسی و آنچه انجام داده، ارائه می دهد و یا خواهد داد و یا دارند را بخوانید. این آیات چه چیزی درباره عیسی به ما می آموزند؟

مکاشفه یوحنا باب ۱ آیه ۵

مکاشفه یوحنا باب ۱ آیه ۱۸

مکاشفه یوحنا باب ۵ آیه ۸

مکاشفه یوحنا باب ۱۹ آیات ۱۱ تا ۱۵

مکاشفه یوحنا باب ۲۱ آیه ۶

این ها تنها برخی از بسیار آیات موجود در مکاشفه یوحنا هستند که عیسی را در نقش ها و عملکردهای متفاوت به تصویر می کشند. او بره است که به اولین آمدن او اشاره دارد که در آن خود را به عنوان قربانی گناهان ما ارائه داد. «پس خود را از خمیرمایه کهنه پاک سازید تا فطیر تازه باشید، چنانکه بی خمیرمایه هستید زیرا که فصح ما مسیح در راه ما ذبح شده است» (اول قرنثیان باب ۵ آیه ۷). او همچنین کسی بود که «هلاک شد و اینک تا ابدالآباد زنده هست» (مکاشفه یوحنا باب ۱ آیه ۱۸)، مرجعی واضح در باره مرگ و رستاخیز اوست. «بر همین منوال مکتوب است و بدینطور سزاوار بود که مسیح رنج ببیند و روز سوم از مردگان برخیزد» (لوقا باب ۲۴ آیه ۴۶). و در مکاشفه یوحنا باب ۱۹ آیات ۱۱ تا ۱۵، او در نقشش در آمدن دوباره، زمانی که با قدرت، جلال و داوری به زمین باز خواد گشت، به تصویر کشیده شده است. «زیرا که پسر انسان خواهد آمد در جلال پدر خویش به اتفاق ملائکه خود و در آن وقت هر کسی را موافق اعمالش جزا خواهد داد» (متی باب ۱۶ آیه ۲۷).

ما چگونه می توانیم روزانه بیاموزیم که زندگی، مرگ، رستاخیز و بازگشت عیسی را در مرکز توجه وجود و پایه و اساس انتخاب های اخلاقی خود قرار دهیم؟

۱۷ آوریل

سه شنبه

الگوی قدس [یا خیمه مقدس] در مکاشفه یوحنا

مکاشفه یوحنا در کنار دو بخش اصلی، لایه ساختاری دیگری نیز دارد که یکی از آنها در اطراف قدس عبرانی بنا شده است. این الگوی قدس به هیچ کدام از دو بخش اصلی محدود نمی شود، بلکه در هر دوی آنها وجود دارد.

در قدس زمینی، یکی از حیاط در مذبح قربانی سوختنی شروع می شود، جایی که حیوانات قربانی می شدند. پس از مرگ حیوان که نماد صلیب و مصلوب شدن بود، کاهن وارد نخستین اتاق معبد می شود که نمونه کاری که عیسی در معبد آسمانی پس از عروجش انجام داد، می باشد. این با قدم زدن عیسی در میان چراغدان ها نشان داده شده است (مکاشفه یوحنا باب ۱ آیه ۱۳).

مکاشفه یوحنا باب ۴ آیات ۱ و ۲ را بخوانید. در باز نشان دهنده چیست؟ این صحنه در کجا واقع شده است؟ اعمال رسولان باب ۲ آیه ۳۳ و باب ۵ آیه ۳۱، افسسیان باب ۱ آیه ۲۰، عبرانیان باب ۱۰ آیات ۱۲ و ۱۳، مزامیر باب ۱۱۰ آیه ۱ و مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۵ را نیز ببینید.

مسیح کمی پس از عروجش، از طریق اولین در باز وارد مکان مقدس معبد آسمانی شد. هنگامی که مسیح برای نخستین بار در کتاب مکاشفه یوحنا دیده می شود، در مقابل چراغدان ها در اولین حجره قدس زمینی قرار دارد (مکاشفه یوحنا باب ۱ آیات ۱۰ تا ۱۸ را ببینید).

مکاشفه یوحنا باب ۱۱ آیه ۱۹ را بخوانید. برجستگی این واقعیت چیست که پس از باز شدن معبد آسمانی، یوحنا توانست ببیند که تابوت عهد در حجره دوم معبد قرار دارد؟ (لاویان باب ۱۶ آیات ۱۲ تا ۱۴ را ببینید)؟

تصویر تابوت عهد در معبد آسمانی یک مرجع مسلم از مقدس ترین مکان هاست که حجره دوم آسمانی یا قدس الاقداس می باشد. در کتاب مکاشفه یوحنا، نه تنها می توانیم خدمت عیسی در دو تالار را ببینیم، بلکه این حقیقت مهم و آرامش بخش را در می یابیم که رویدادهای آسمان و زمین به هم مرتبط هستند. حتی در میان آزمایشات تاریخ و روزهای پایانی آنگونه که در کتاب مکاشفه یوحنا به تصویر کشیده شده است، می توانیم این اطمینان را داشته باشیم که «تمام آسمان در کار آماده سازی مردم برای ایستادن در روز آمادگی خداوند در کار است. ارتباط آسمان و زمین بسیار نزدیک به نظر می رسد.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, *My Life Today*, p. 307

۱۸ آوریل

چهارشنبه

مسیح در مکاشفه: بخش اول

همه چیز در مکاشفه از ساختار تا محتوا، یک هدف دارد: آشکار نمودن عیسی مسیح. به این دلیل است که واژه های آغازین کتاب چنین هستند، «مکاشفه عیسی مسیح» (*Apocalypsis Iesou Christou*). این مطلب بطور کلی به عنوان (۱) «مکاشفه از جانب عیسی مسیح»؛ یا (۲) «مکاشفه درباره عیسی مسیح» (مکاشفه یوحنا باب ۱ آیه ۲) درک می شود. این واقعیت که این یک «مکاشفه» است، در مقابل کسانی که باور دارند که درک مکاشفه دشوار است، به مباحثه می پردازد. اگر خداوند بر این قصد نبود که این کتاب توسط کسانی که خوانده می شود، درک شود، پس چرا آن را در کتاب مقدس قرار داد؟

مکاشفه یوحنا باب ۱ آیات ۱ تا ۸ را بخوانید. این آیات چه چیزی درباره عیسی به ما می آموزند؟

مسیح در کتاب مکاشفه به عنوان «رئیس پادشاهان جهان» (مکاشفه یوحنا باب ۱ آیه ۵) معرفی شده است و تقریباً در انتهای کتاب او به عنوان «پادشاه پادشاهان» (مکاشفه یوحنا باب ۱۹ آیه ۱۶) توصیف شده است. خبر بسیار خوب در اینجا این است که در میان همه هرج و مرج و سردرگمی بر روی زمین، ما می توانیم این تضمین را داشته باشیم که خداوند و نجات دهنده پر مهر ما کنترل نهایی را در دست دارد.

در مکاشفه یوحنا باب ۱ آیه ۵، مرجع شفافی از مسیح به عنوان نجات دهنده ارائه شده است. «او ما را دوست دارد و با خون خود ما را از گناهانمان آزاد گردانید»، به مرگ کفاره ای او بر روی صلیب اشاره دارد. او نه تنها ما را عادل شمرده بلکه تقدیس نیز نمود (اول قرنیتیان باب ۶ آیه ۱۱). در آیاتی مانند این، ما می توانیم تضمین نجات را بیابیم زیرا به ما نشان می دهد که عیسی کسی است که گناهان ما را می شوید. ما مطمئناً خود نمی توانیم این کار را انجام دهیم.

مکاشفه یوحنا باب ۱ آیه ۷ را بخوانید. این آیه چه چیزی درباره عیسی به ما می آموزد؟

وعده بازگشت مسیح «با ابرها»، در مرکزیت ایمان مسیحی قرار دارد. عیسی بار دیگر خواهد آمد، بازگشتی واقعی در رویدادی که تمام جهان شاهدش خواهد بود، رویدادی که یکبار برای همیشه رنج، هرج و مرج و تباهی این جهان را پایان می دهد و تمام وعده های ابدیت را به همراه دارد.

مکاشفه یوحنا باب ۱ آیه ۸ چه چیزی درباره عیسی به ما می آموزد؟ ما چه امیدی در این آیه می توانیم بیابیم که در میان هر نوع دشواری هایی که با آن روبرو هستیم، به ما آرامش دهد؟

پنجشنبه

۱۹ آوریل

مسیح در مکاشفه: بخش دوم

مکاشفه یوحنا باب ۱ آیات ۱۰ تا ۱۸ را بخوانید. عیسی در اینجا در مورد خودش چه چیزی می گوید؟

عیسی در این آیات پدیدار می شود که در اولین تالار قدس آسمانی ایستاده است. مکاشفه او در این نقش چنان عالی بود که یوحنا با ترس بر روی پاهای او افتاد. عیسی که همیشه آرامش دهنده است، به او می گوید که نترسد و به خود به عنوان الف و ی، اولین و آخرین اشاره می کند — اشاره به وجود ابدی او به عنوان خدا. کمی بعد او درباره مرگ و رستاخیز خود و امیدی که رستاخیزش به همراه دارد، صحبت می کند. عیسی کلید «موت و عالم اموات» را در دست دارد. به عبارت دیگر، عیسی در اینجا آنچه را که به مارتا در زمان مرگ برادرش گفت، به یوحنا می گوید، سخنانی که یوحنا نیز آنرا به رشته تحریر در آورد: «من قیامت و حیات هستم. کسی که به من ایمان بیاورد حتی اگر بمیرد، حیات خواهد داشت و کسی که زنده باشد و به من ایمان بیاورد هرگز نخواهد مرد. آیا این را باور می کنی؟» (یوحنا باب ۱۱ آیات ۲۵ و ۲۶).

با مارتا و اکنون یوحنا، عیسی توجه ما را به امید رستاخیز، نقطه اوج و اوج ایمان مسیحی جلب می کند. بدون این امید، چه امید دیگری وجود دارد؟

مکاشفه یوحنا باب ۲۲ آیات ۷، ۱۲ و ۱۳ را بخوانید. این آیات چه چیزی درباره عیسی نیز آشکار می‌کنند؟

«مسیح عیسی، الف و ی، کتاب پیدایش، [اولین کتاب در مجموعه کتاب‌های] عهد قدیم و کتاب مکاشفه، [آخرین کتاب از مجموعه کتاب‌های] عهد جدید می‌باشد. هر دو کتاب در مسیح به هم می‌رسند. آدم و خدا با اطاعت آدم دوم، که کار غلبه بر وسوسه‌های شیطان و رستگاری شکست و سقوط ننگین آدم را انجام می‌دهد، آشتی می‌کنند.» — الن جی. وایت، Ellen G. White Comments, *The SDA Bible Commentary*, vol. 6, p. 1092. آری، عیسی شروع و پایان است. او ما را در ابتدا خلق نمود و ما را در انتها مجدداً خلق خواهد نمود.

کتاب مکاشفه یوحنا، از ابتدا تا انتها، چنانکه که به ما نه تنها درباره تاریخ بلکه درباره رویدادهای پایان زمان می‌آموزد، همچنان *Apocalypsis Iesou Christou* است، مکاشفه عیسی مسیح. بار دیگر، هر چیز دیگری که ممکن است در مورد وقایع پایانی مطالعه کنیم، عیسی مسیح باید در مرکزیت همه آنها باشد.

ما هر روز به چه روش‌هایی می‌توانیم عیسی را در مرکز زندگی خود نگه داریم؟

۲۰ آوریل

جمعه

تفکری فراتر: «در کتاب مکاشفه یوحنا، مسائل عمیق خدا به تصویر کشیده شده است. 'مکاشفه' نامی که به این اوراق الهام شده قرار گرفته است، با این بیانیه که این یک کتاب مهر و موم شده است، در تضاد می‌باشد. مکاشفه چیزی است که آشکار می‌شود. خداوند خود به بندگانش اسرار موجود در این کتاب را آشکار نمود و چنان طرح نمود که این اسرار برای مطالعه همه باز باشند. حقایق آن به کسانی که در روزهای پایانی تاریخ زمین و همچنین کسانی که در زمان یوحنا زندگی می‌کردند خطاب گردیده است. برخی از صحنه‌های به تصویر کشیده شده در این پیشگویی مربوط به گذشته هستند و برخی دیگر اکنون در حال اتفاق افتادن می‌باشند؛ برخی از آنها پایان یافتن درگیری بزرگ میان تاریکی و سرور آسمان را مشخص می‌کنند و برخی پیروزی‌ها و شادی‌های نجات یافتگان بر روی زمین جدید ساخته شده را آشکار می‌کنند.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, *The Acts of the Apostles*, p. 584

آیاتی که ما این هفته در ابتدا و انتهای کتاب به آنها پرداختیم، نشان می‌دهند که مکاشفه تا چه میزان به عیسی مربوط می‌شود. حتی با وجود تمام عطف‌های عهد قدیم به وقایع تاریخی، کتاب مکاشفه یوحنا به ما بیشتر درباره خداوندمان عیسی می‌آموزد. مکاشفه یوحنا

باب ۳ آیه ۱۴، باب ۵ آیات ۵ و ۶، باب ۷ آیه ۱۴، باب ۱۹ آیات ۱۱ تا ۱۶ را که درباره عیسی هستند نیز بخوانید. هنگامی که ما این آیات را در کنار هم قرار می دهیم، می توانیم نمایشی قدرتمند از عیسی و آنچه که باید برای ما به عنوان کسانی که ادعا می کنیم پیروانش هستیم، باشد، بدست آوریم.

سوالاتی برای بحث

۱. این واقعیت که در همه مطالب عهد جدید، معطوف به عهد قدیم می باشد، چه معنایی برای ما دارد؟ در این باره که چقدر باید کلام در کانون ایمان ما باشد و تا چه حد باید کلام خدا را جدی تلقی کنیم بحث کنید. چگونه می توانیم از خود در برابر هرگونه تلاش برای کاهش اقتدار کتاب مقدس در زندگی شخصی و در زندگی کلیسائی محافظت کنیم؟

۲. کتاب مکاشفه یوحنا را مرور کنید و تا جایی که می توانید، آیاتی که درباره عیسی هستند را بیابید. در کلاس، آیات را با صدای بلند بخوانید. این آیات چه چیز دیگری در مورد طبیعت، کار، قدرت و شخصیت خداوندمان آشکار می سازند؟ شما چه آرامشی از آنچه این آیات آشکار می کنند، بدست می آورید؟

۳. در خصوص دنیای رفتگان، چگونه می توانیم پیاموزیم که در وعده رستخیز پس از مرگ، امید و آرامش می یابیم؟



کارتون‌های روز شنبه دیگر نه

توسط اندرو مک‌چسنی، تبلیغ دینی ادونتیست

بزرگسالان ممکن است پس از تعمید گرفتن، در مورد دشواری‌های وفق دادن زندگی‌شان با سبت کتاب مقدسی صحبت کنند. اما یک پسر ۱۱ ساله چطور؟

برای رونل نرس که در کشور کارائیب ترینیداد و توباگو زندگی می‌کند، تعمید به معنی خداحافظی با کارتون‌های صبح روز شنبه است. این همچنین بدین معنی است که به مادر بزرگ خود بگوید که دیگر نمی‌تواند به فروشگاه مواد غذایی برود یا کارهای دیگر را انجام دهد.

نرس که اکنون ۲۵ ساله و مشاور فناوری اطلاعات وزارت امنیت ملی ترینیداد و توباگو است، در طول یک برنامه یک هفته دعا در دبستان ادونتیست روز هفتم ماراکاس در محوطه دانشگاه کارائیب جنوبی تقاضای تعمید گرفتن نمود. مادرش که یک ادونتیست صوری بود او را در این مدرسه ثبت نام کرده بود. اما دانش وی در مورد خدا از مادر بزرگش، یک مسیحی متعهد که او را هر یکشنبه به کلیسا می‌برد، آمده بود.

نرس گفت، «در آن جلسات هفته دعا، من یک تشنگی یا خلاء احساس کردم که تا آن زمان واقعاً نمی‌دانستم وجود داشت. وقتی که سخنران برای تعمید صدا زد، ندایی در درونم گفت که باید قدم به جلو بردارم. پس این کار را انجام دادم.»

کمی پس از تعمید گرفتن وی، مادر بزرگش مریض شد. او اکثر شب‌ها را در بیمارستان سپری می‌کرد. نرس به ملاقات او می‌رفت، به او دلگرمی می‌داد و به او می‌گفت که برای شفایش دعا می‌کند. در روزهای سبت، داستان‌های کتاب مقدس که کارهای معجزه‌آسای خدا برای قومش را نشان می‌دادند، می‌خواند. او باور داشت که عیسی مراقب مادر بزرگش خواهد بود.

او گفت، «بنابراین، برایم بسیار شوکه کننده بود وقتی روزی از مدرسه به خانه آمدم و خاله‌ام تماس گرفت تا به من بگوید که مادر بزرگم از دنیا رفته بود.»

نرس ۱۲ سال سن داشت و احساس کرد که خدا او را رها کرده بود. اما وقتی که در مورد زندگی خداشناسانه مادر بزرگش فکر کرد، متوجه شد که انجیل با مرگ عیسی به اوج نرسید بلکه با قیام او این اتفاق افتاد و اینکه تمام کسانی که در عیسی بمیرند، روزی قیام خواهند کرد. او رومیان باب ۸ آیه ۱۸ را در مورد خودش می‌داند. آیه اینگونه است: «به عقیده من درد و رنج کنونی ما ابداً با جلالی که در آینده برای ما ظاهر می‌شود قابل مقایسه نیست.»

نرس که تصویرش در سمت چپ قرار دارد، و با مدرک علوم کامپیوتر از دانشگاه کارائیب جنوبی فارغ التحصیل شد، گفت که هنوز دلش برای مادر بزرگش تنگ می‌شود.

او گفت، «اما ایمانم بعد از بودن در این دانشگاه و کلیسا قوی است.»

بخشی از هدایای سبت سیزدهم فصل اول ۲۰۱۸ برای ساختن کلیسایی جدید برای دانشگاه کارائیب جنوبی که هرگز دارای ساختمانی مخصوص کلیسا نبوده و در تالار کنفرانس مراسم عبادت برگزار می‌شود، فرستاده خواهد شد.

نجات و پایان زمان



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: یوحنا باب ۱۴ آیه ۹؛ صفینا باب ۳ آیه ۱۷؛ یوحنا باب ۱ آیات ۱ تا ۳؛ رومیان باب ۸ آیات ۳۸ و ۳۹؛ مزامیر باب ۹۱ آیات ۱۵ و ۱۶؛ مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیات ۶ و ۷؛ افسسیان باب ۱ آیات ۴ و ۵.

آیه حفظی: «و محبت در همین است، نه آنکه ما خدا را محبت نمودیم، بلکه اینکه او ما را محبت نمود و پسر خود را فرستاد تا کفاره گناهان ما شود» (اول یوحنا باب ۴ آیه ۱۰).

یک تفاوت جالب اما بسیار مهم میان دین مسیحیت و غیر مسیحی این است که سایر ادیان بر آنچه بنیانگذارانشان تعلیم داده اند، تأکید دارند، اما بر آنچه بنیانگذارانشان برای ایشان انجام داده اند، تأکید نمی کنند. و این بدین دلیل است که هر آنچه که بنیانگذارانشان برای ایشان انجام داده اند، نمی تواند آنها را نجات دهد. تنها کاری که این رهبران می توانستند انجام دهند، این بود تلاش کنند به مردم بیاموزند چگونه خود را «نجات» دهند.

در مقابل، مسیحیان نه تنها بر آنچه عیسی تعلیم داد، تأکید می ورزند، بلکه بر آنچه او انجام داد نیز تأکید دارند زیرا کاری که مسیح انجام داد تنها راه نجات ما را ارائه می دهد. تجسم مسیح در جسم بشری (رومیان باب ۸ آیه ۳)، مرگش بر روی صلیب (رومیان باب ۵ آیه ۸)، رستاخیز وی (اول پطرس باب ۱ آیه ۳) و مأموریتش در آسمان (عبرانیان باب ۷ آیه ۲۵) — تنها این اعمال ما را نجات می دهند. این قطعاً چیزی نیست که ما انجام دهیم. «اگر شما همه آنچه که در انسان خوب و مقدس و نجیب و دوست داشتنی است، گرد آورید و سپس این موضوع را به فرشتگان خدا به عنوان اقدامی در نجات روح انسان یا در شایستگی ارائه دهید، این پیشنهاد به عنوان خیانت رد خواهد شد.» — الن جی.

وایت، Ellen G. White, *Faith and Works*, p. 24

این حقیقت شگفت انگیز بویژه در میان خطرات و فریب های روزهای پایانی برای ما مهم است.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۸ آوریل آماده شوید.

محبت پدر

کمی قبل از صلیب، عیسی در مورد اینکه مردم چگونه می توانند از طریق او نزد پدر بیایند، با یاران نزدیکش صحبت کرد. پس از آن بود که فیلیپس گفت: «ای آقا پدر را به ما نشان ده که ما را کافی است» (یوحنا باب ۱۴ آیه ۸).

عیسی چگونه به فیلیپس پاسخ داد؟ یوحنا باب ۱۴ آیه ۹. پاسخ او چه چیزی درباره پدر به ما می آموزد؟ پاسخ او چگونه تصورات غلط را درباره خدا پاک می سازد؟

برخی از مردم می گویند که خدای عهد قدیم، خدای عدالت است در مقایسه با خدای عهد جدید که سرشار از رحمت، فیض و بخشش می باشد. آنها تمایزی میان آن دو قائل می شوند که معتبر نیست. خدای عهد قدیم و جدید، یکسان و با صفات یکسان می باشد.

یکی از دلایلی که مسیح به این جهان آمد، آشکار ساختن حقیقت درباره خدای پدر بود. در طول قرن ها، ایده های نادرست در مورد او و شخصیتش نه تنها در میان بی دینان بلکه امت برگزیده خدا نیز گسترش یافت. «زمین بواسطه درک غلط از خدا به ظلمت گرائیده بود. برای اینکه سایه های ظلمت به روشنی تبدیل شوند و جهان بسوی خدا بازگردد، قدرت فریبنده شیطان باید شکسته می شد.» — الن جی. وایت، *Ellen G. White, The Desire of Ages*, p. 22. اینها برخی از دلایلی بودند که عیسی به این زمین آمد.

خدا تغییر نمی کند. اگر ما تمام حقایق مربوط به وقایع عهد قدیم را می دانستیم، خدا را به همان اندازه که در عهد جدید مهربان است، در عهد قدیم نیز چنین می یافتیم. کتاب مقدس اظهار می دارد، «خدا محبت است» (اول یوحنا باب ۴ آیه ۸) و خدا تغییر نمی کند. «عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالابد همان است» (عبرانیان باب ۱۳ آیه ۸). همچنین بیاد داشته باشید که این خدای عهد قدیم بود که بر صلیب آویخته شد.

همچنین، این خدا دیر خشم، شفیق و مهربان است (مزامیر باب ۱۴۵ آیه ۸). خدا محبتی تمام نشدنی دارد (مزامیر باب ۱۴۳ آیه ۸) و از وجود پیروانش محظوظ می شود (مزامیر باب ۱۴۷ آیه ۱۱). خدا در نظر دارد به مردم رونق و امید بخشد (ارمیا باب ۲۹ آیه ۱۱). او در محبتش دیگر ملامت نخواهد کرد بلکه با سرود بر مردمش شادی می کند (صفنیا باب ۳ آیه ۱۷). این ها بلکه بیشتر بیان می کنند که خدای حقیقی چگونه است.

در مورد این واقعیت که عیسی نشان دهنده خدای پدر است، بیان‌دهید. چرا این مطلب بویژه برای کسانی که ممکن است گاهی از خدا بترسند، چنین حقیقت شگفت و امیدوارانه ای می باشد؟

دوشنبه

۲۳ آوریل

محبت مسیح

گناه، نژاد بشر را از خدا جدا نمود؛ یک شکاف عمیق میان آنها شروع شد و در صورتی که این شکاف از بین نرود، بشریت محکوم به نابودی ابدی است. جدایی، عمیق و خطرناک بود. به چیزی کاملاً باور نکردنی برای حل مشکل گناه و اتحاد دوباره بشر گناهکار با خدای عادل و مقدس نیاز بود. به فردی ابدی با خدا، کسی به الوهیت خدا نیاز بود تا انسان شود و در آن انسانیت خود را به عنوان قربانی برای گناهان ما فدا سازد.

یوحنا باب ۱ آیات ۱ تا ۳ و ۱۴ و فیلیپیان باب ۲ آیات ۵ تا ۸ را بخوانید. این آیات درباره هویت عیسی چه چیزی به ما تعلیم می دهند؟

مسیح ابدی بود و برای وجودش به کسی یا چیزی وابسته نبود. او خدا بود — نه فقط ظاهری از خدا، بلکه خدا بود. طبیعت اصلی او الهی و ابدی بود. عیسی آن الوهیت را حفظ نمود اما به منظور نگه داشتن احکام در جسم بشری و مردن به عنوان جایگزینی برای همه کسانی که احکام را نقض کرده اند از جمله خود ما، جامه بشری به خود گرفت (رومیان باب ۳ آیه ۲۳).

مسیح بدون هیچ گونه امتیازی نسبت به دیگر افراد بشر، شکل انسانی بخود گرفت. او احکام خدا را نه از طریق قدرت الهی درونش بلکه با تکیه بر قدرت الهی بیرونی یکسان در دسترس برای همه انسان ها نگه داشت.

عیسی کاملاً خدا و کاملاً بشری بود. این بدین معناست که کسی که «همه چیز را با کلام پر قدرت خود» نگه می دارد (عبرانیان باب ۱ آیه ۳) همان کسی بود که به عنوان «کودکی که در آخور خوابیده بود» (لوقا باب ۲ آیه ۱۶) پیدا شد. این یعنی کسی که «قبل از همه چیز وجود داشت و همه چیز به وسیله او به هم می پیوندد» (کولسیان باب ۱ آیه ۱۷) همان کسی است که به عنوان کودک یک انسان «در حکمت و قامت رشد نمود» (لوقا باب ۲ آیه ۵۲). بدین معنی که «بدون او چیزی آفریده نشد» (یوحنا باب ۱ آیه ۳) همان کسی که «به صلیب کشیده شد» و مُرد (اعمال رسولان باب ۵ آیه ۳۰). اگر همه این‌ها محبت مسیح را برای ما نمایان می سازند و محبت مسیح برای ما

چیزی جز ابراز محبت پدر برای ما نیست، پس جای تعجب نمی باشد که ما دلایلی بسیاری برای شادی کردن و شکرگزار بودن داریم!

رومیان باب ۸ آیات ۳۸ و ۳۹ را بخوانید. آنچه در مطالعه امروز خواندیم چگونه دلایل قدرتمندی برای اعتماد به آنچه پولس در اینجا می گوید، به ما می دهد؟

۲۴ آوریل

سه شنبه

محبت روح القدس

روح القدس درست مانند پدر درست درک نشده است. برخی از متخصصین الهیات، روح القدس را به عنوان محبت میان پدر و پسر دانسته اند. به عبارت دیگر، روح القدس صرفاً محبت میان پدر و پسر می باشد. این بدین معناست که او به یک رابطه میان دو عضو الوهیت تغییر یافته است و خود عضوی از آن نمی باشد.

اما کلام فردیت او را اثبات می کند. مسیحیان در کنار نام پدر و پسر با نام او غسل تعمید داده می شوند (متی باب ۲۸ آیه ۱۹). روح القدس مسیح را جلال می دهد (یوحنا باب ۱۶ آیه ۱۴). روح القدس مردم را محکوم می سازد (یوحنا باب ۱۶ آیه ۸). او می تواند محزون بشود (افسیسیان باب ۴ آیه ۳۰). او تسلی دهنده (یوحنا باب ۱۴ آیه ۱۶)، یاور و مشاور است. او تعلیم می دهد (لوقا باب ۱۲ آیه ۱۲)، شفاعت می کند (رومیان باب ۸ آیه ۲۶) و تقدیس می کند (اول پطرس باب ۱ آیه ۲). مسیح گفت که روح القدس مردم را به سوی تمام حقایق هدایت می کند (یوحنا باب ۱۶ آیه ۱۳). بطور خلاصه، روح القدس مانند پدر و پسر، خداست. آنها با خدای واحد هستند.

هر کاری که روح القدس انجام می دهد، محبت الهی را نمایان می سازد. برخی از کارهایی که او انجام می دهد، کدامند؟ لوقا باب ۱۲ آیه ۱۲، یوحنا باب ۱۶ آیات ۸ تا ۱۳، اعمال رسولان باب ۱۳ آیه ۲.

بزرگترین گواهی که نشان می دهد روح القدس خداست، تجسم مسیح می باشد. عیسی از روح القدس متولد شد (متی باب ۱ آیه ۲۰). تنها خدا می توانست این چنین «خلق» کند. روح القدس قادر است دو معجزه متفاوت برای مسیح انجام دهد. نخست، او مسیح «همه جا حاضر» را در بطن مریم قرار داد. مسیح با جسم بشری محدود در آن جسم، به آسمان صعود کرد. دوم، روح القدس مسیح محصور شده در انسانیت را می آورد و در

معجزه توصیف ناپذیر دیگری، او را نزد مسیحیان سرتاسر جهان حاضر می سازد. از این رو، روح القدس به همراه پدر و پسر، به جای ما کار می کنند. «الوهیت برای نژاد بشری ترحم داشت و پدر، پسر و روح القدس خود را وقف نقشه نجات نمودند.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, *Counsels on Health*, p. 222

پدر، پسر و روح القدس به طور برابر نسبت به ما محبت دارند و در تلاش هستند که ما را برای وارد شدن به ملکوت ابدی خدا نجات دهند. پس ما چگونه می توانیم از چنین نجات بزرگی غفلت کنیم؟

از این حقیقت که پدر، پسر و روح القدس همگی برای خیریت ابدی ما در تلاش هستند، تا چه میزان تسلی می یابیم؟

۲۵ آوریل

چهارشنبه

اطمینان از نجات

برخی از ادونتیست های روز هفتم نگران هستند که آیا نجات خواهند یافت یا خیر. آنها فاقد اطمینان هستند و مایلند در مورد آینده خود از نظر زندگی ابدی آگاهی یابند. آنها به سختی تلاش می کنند که به اندازه کافی خوب باشند و با این حال می دانند که از رسیدن به آن قاصر هستند. آنها به باطن خود می نگرند و چیز کمی برای دلگرم شدن در مسیرشان در زندگی می یابند.

هنگامی که ما فاصله زیاد میان شخصیت عیسی و خود را می بینیم، و یا آیه ای مانند «اما دری که به زندگی جاودان باز می شود کوچک است و راهش نیز باریک و تنها عده کمی می توانند به آن راه یابند» (متی باب ۷ آیه ۱۴) را می خوانیم، کدامیک از ما نگران و آشفته خواهیم شد که آیا نجات خواهیم یافت؟

مردم به منظور اینکه برای پایان زمان آماده باشند، باید در زمان حال، اطمینان از نجات را داشته باشند. آنها برای روبرو شدن بدون ترس با آینده، باید از واقعیت نجات لذت ببرند. با این وجود، همانطور که دیده ایم، تمام اشخاص زنده الوهیت برای نجات ما در تلاش هستند. بنابراین، ما می توانیم و باید با اطمینان از نجات خود زندگی کنیم.

آیات زیر را بخوانید. چه امید و اطمینانی در مورد نجات و آنچه که خدا برای ما انجام داده است و وعده داده است که انجام می دهد، از آنها بدست می آید؟

مزمیر باب ۹۱ آیات ۱۵ و ۱۶

یوئیل باب ۲ آیات ۳۱ و ۳۲

یوحنا باب ۱۰ آیه ۲۸

ما فراخوانده شده ایم و حتی فرمان یافته ایم که زندگی مقدس داشته باشیم، اما این زندگی نتیجه نجات یافتن توسط مسیح و نه وسیله ای برای رسیدن به آن نجات می باشد. اگر چه ما باید حتی تا سرحد مرگ وفادار باشیم، همواره باید بر این موهبت به عنوان تنها امیدمان برای نجات تکیه کنیم. قوم خدا در روزهای پایانی، وفادار و فرمانبردار خواهند بود، وفاداری و فرمانبرداری که از اطمینان از آنچه مسیح برای ایشان انجام داده است، برمی آید.

۲۶ آوریل

پنجشنبه

انجیل جاودانی

مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیات ۶ و ۷ را بخوانید. «انجیل جاودانی» چیست؟

در اینجا به انجیل با عنوان «جاودان» اشاره شده است. این گواه بیشتری از این است که خدا تغییر نمی کند. یک خدای تغییرناپذیر، انجیلی تغییرناپذیر دارد. انجیل ابدی به همه کسانی که مایل به پذیرفتن آن هستند، تضمین می دهد. انجیل محبت تغییرناپذیر خدا را نمایان می سازد و این پیام است که باید به جهانیان برسد. همه باید فرصت شنیدن آن را داشته باشند و به همین دلیل است که خدا قومش را فرا خوانده است که آن را منتشر کنند.

«چنانکه ما را پیش از بنیاد عالم در او برگزید تا در حضور او در محبت مقدس و بی عیب باشیم. که ما را از قبل تعیین نمود تا او را پسر خوانده شویم بوساطت عیسی مسیح بر حسب خشنودی اراده خود» (افسیسیان باب ۱ آیات ۴ و ۵). این آیات چه چیز حتی بیشتری درباره اینکه انجیل واقعاً تا چه حد جاودان می باشد، می گویند؟

انتخاب شده بواسطه او «پیش از پیدایش جهان.» این در مورد یک انجیل «جاودان» سخن می گوید! حتی قبل از خلقت این جهان، نقشه خدا این بود که ما در او نجات یابیم. به برخی از واژگان در اینجا توجه کنید: «برگزیده»، «مقدر گردیده»، «خشنودی»، «فرزند خوانده». توجه کنید که این دو آیه تا چه حد به تمایل خدا به اینکه ما «در او» زندگی ابدی داشته باشیم، اشاره می کنند. و این واقعیت که خدا همه این کارها را در

ابدیت گذشته انجام داده است (دوم تسالونیکیان باب ۲ آیه ۱۳ و دوم تیموتائوس باب ۱ آیه ۱۹ را نیز ببینید). به وضوح به فیض او اشاره دارد و نشان می دهد که نجات ما نه بواسطه کارهایی که انجام می دهیم و نه به این دلیل که استحقاق آن را داریم می آید، بلکه عملی است که کاملاً از شخصیت با محبت خدا می آید. چگونه ممکن بود نجات بواسطه کارهایی که ما انجام می دهیم بیاید، اگر ما حتی قبل از بوجود آمدن انتخاب شدیم که این نجات را داشته باشیم؟

و این انتخاب چگونه در زندگی انتخاب شدگان آشکار شد؟ تا «در حضور او در محبت مقدس و بی عیب باشیم» (افسیان باب ۱ آیه ۴). این نیز چیزی است که برای آن انتخاب شده ایم.

ما فراخوانده شده ایم که «انجیل جاودان» را به عنوان بخشی از پیام پایان زمان پیش از بازگشت مسیح در جهان انتشار دهیم. چرا ما باید پیش از آنکه بتوانیم «انجیل جاودان» را با دیگران در میان بگذاریم، واقعیت آن را در زندگی خود بشناسیم و تجربه کنیم؟

۲۷ آوریل

جمعه

مطالعه بیشتر: ما می توانیم اطمینان از نجات را داشته باشیم اما نباید در مورد آن مغرور شویم. آیا چیزی با عنوان اطمینان دروغین از نجات وجود دارد؟ البته. و عیسی نیز نسبت به آن هشدار داد و فرمود: «نه هر که مرا خداوند، خداوند گوید داخل ملکوت آسمان گردد، بلکه آنکه اراده پدر مرا که در آسمان است بجا آورد. بسا در آن روز مرا خواهند گفت: خداوندا، خداوندا، آیا به نام تو نبوت نمودیم و به اسم تو دیوها را اخراج نکردیم و به نام تو معجزات بسیار ظاهر نساختمیم؟ آنگاه به ایشان صریحاً خواهم گفت که هرگز شما را نساختم! ای بدکاران از من دور شوید!» (متی باب ۷ آیات ۲۱ تا ۲۳).

این مردم دو اشتباه مهلك مرتکب شدند. نخست، با وجود تمام کارهای نیک که در نام خداوند انجام داده بودند، اراده خداوند را که اطاعت از احکامش بود را بجا نمی آوردند. عیسی فرمود که، شما که «بیگناه نبودید» یا شما که «بدون اشتباه و یا عالی نبودید»، «از من دور بشوید». در عوض، او آنها را به عنوان «یاغی و متمرّد» — ترجمه *anomian* یا «بی قانون» — توصیف نمود. دوم، به تاکید آنها بر خود و آنچه انجام داده بودند توجه کنید: آیا ما این کار یا آن کار را در نام شما انجام ندادیم؟ و آیا ما این کار دیگر و همه چیز را در نام شما انجام ندادیم؟ دست نگه دارید! آنها باید تا چه میزان از مسیح دور بوده باشند که به منظور عادل جلوه دادن خود در نظر خدا به کارهای خود اشاره می کردند؟ تنها کارهایی که ما را نجات خواهند داد، کارهای مسیح هستند که با ایمان به ما نسبت داده شده اند. این جایی است که اطمینان ما در آن وجود دارد — نه در خودمان یا اعمالمان بلکه تنها در آنچه که مسیح برای ما انجام داده



فرشته‌ای که قطعات بتونی حمل می‌کند

توسط اندرو مک چرنی، تبلیغ دینی ادونتیست

ولادیمیر موسکولنکو همسرش گالینا را در شهر بوزکه در اوکراین بیدار کرد تا رؤیای غیر معمول را با او در میان بگذارد.

او گفت، «من با قطعاتی بتنی در دست ایستاده بودم. آن‌ها بسیار سنگین بودند. پس ناگهان فرشته‌ای عظیم، زیبا و درخشان در مقابلم ظاهر شد. او به من لبخند زد. دستش را بر روی دست من گذاشت، بت‌ها را برداشته و آن‌ها را بالا برد.»

گالینا موسکولنکو نشست. او مدت‌ها بود که برای داشتن ۵۰۰۰ دلار برای پرداخت قطعات بتنی برای تبدیل ساختمانی متروک به کلیسای ادونتیست روز هفتم در شهر ۱۴۰۰ نفره‌شان دعا می‌کرد.

موسکولنکو گفت، «گوش کن، نوعی کمک مالی در راه است. نمی‌دانم از کجا خواهد آمد، اما می‌آید.»

دو روز بعد، یکی از اعضای کلیسا تماس گرفت و گفت، «سه دوست از لهستان برای دیدن من می‌آیند.»

موسکولنکو به همسرش گفت، «این پول ماست که می‌آید.» بازدیدکنندگان لهستانی در روز سبت به موعظه موسکولنکو گوش دادند. پس از غروب خورشید، او درباره بدهی به ایشان گفت.

چند روز بعد، حواله بانکی به میزان ۵۰۰۰ دلار به دستش رسید. موسکولنکو گفت که کلیسای نورانی بوزکه که در سال ۲۰۱۶ افتتاح شد، پس از ۱۱ سال ساخت و ساز، بر پایه دعا و معجزه ساخته شد. یک زوج ادونتیست از استرالیا ۲۰۰۰ دلار برای سقفی جدید ارائه دادند. بخش اروپا-آسیا و مجمع محلی، بودجه‌های پروژه را فراهم نمودند. اعضای کلیسای ایالات متحده و چک نیز کمک فرستادند.

موسکولنکو ۵۴ ساله گفت، خدا و فرشتگانش مرتباً پادرمیانی کردند. به او گفته شد که مقامات درخواست برای ایجاد پنجره‌ای جدید بر روی دیوار مخالفت کردند. او گفت، «من در این باره دعا کردم و با خود فکر کردم، خدایا لطفاً به ما کمک کن تا بتوانیم پنجره جدید را درست کنیم.»

سپس اتفاق جالبی افتاد.

او گفت، «ما شروع به تعمیر تنها پنجره موجود کردیم و شکافی در دیوار ایجاد شد. کل دیوار نزدیک بود فرو بریزد.»

«کارگران ساختمانی ما به سرعت یک تراکتور با چیزی برای ننگه داشتن دیوار را به داخل آوردند. اما همانطور که برای سرپا ننگه داشتن دیوار تلاش می‌کردند، چنان فرو ریخت، که گویا فرشته‌ای گفته بود، بفرمایید!» موسکولنکو این را گفت و انگشتش را در هوا بالا برد.

او گفت که این چیزی است که وقتی شما تلاش می‌کنید و به خدا اعتماد می‌کنید، اتفاق می‌افتد: او غیرممکن را ممکن می‌سازد.

گالینا موسکولنکو، رهبر کلیسا در بوزکه، اوکراین.

مسیح در قدس آسمانی



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: رومیان باب ۸ آیه ۳؛ یوحنا باب ۱ آیه ۲۹؛ مکاشفه یوحنا باب ۵ آیه ۱۲؛ عبرانیان باب ۷ آیات ۱ تا ۲۸، باب ۹ آیات ۱۱ تا ۱۵؛ لایوان باب ۱۶ آیه ۱۳؛ عبرانیان باب ۹ آیات ۲۰ تا ۲۳.

آیه حفظی: «به همین جهت خدا او را بی نهایت سرافراز کرد و نامی به او بخشید که از هر نام دیگری والاتر است تا به نام عیسی هر آنچه در آسمان و بر زمین و زیر زمین است به زانو در آید» (فیلیپیان باب ۲ آیات ۹ و ۱۰).

کتاب عبرانیان در مورد عیسی که در قدس آسمانی است چنین می گوید: «مسیح جلوتر از ما وارد این جایگاه شده تا در مقام کاهن اعظم؛ همپایه ملک صادق برای ما شفاعت کند» (عبرانیان باب ۶ آیه ۲۰).

کتاب مقدس بویژه عهد جدید، کاملاً در مورد نقش مسیح به عنوان کاهن اعظم ما در معبد آسمانی روشن است — نقشی که او پس از اتمام کارش به عنوان قربانی برای ما در اینجا روی زمین بدست آورد (عبرانیان باب ۱۰ آیه ۱۲).

این هفته ما به خدمت مسیح در قدس آسمانی خواهیم پرداخت. کار شفاعت او برای آماده سازی قومش برای پایان زمان بسیار حیاتی می باشد. بنابراین، این اندرز بسیار مهم به ما داده شده است: «موضوع قدس و داوری تحقیقی باید بطور واضح توسط قوم خدا درک شود. همه برای خود به دانشی در مورد مقام و کار کاهن اعظم خود نیازمندند. در غیر این صورت، حفظ ایمان که در این زمان حیاتی است و یا داشتن مقامی که خدا برای ایشان در نظر گرفته است، برایشان غیر ممکن خواهد بود.» — الن جی. وایت،

Ellen G. White, *The Great Controversy*, p. 488

مسیح در قدس آسمانی چه کاری برای ما انجام می دهد و چرا برای ما بسیار مهم است که آن را بویژه در روزهای پایانی درک کنیم؟

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۵ مه آماده شوید.

۲۹ آوریل

یکشنبه

متعالی ترین قربانی

مطالعه بزرگترین متعالی ترین فدیة مسیح به میزان زیادی ایمانداران را برای روزهای پایانی آماده می سازد. انسان ها اغلب به هدف پیش رویشان نگاه می کنند و این قابل درک است. اما همچنین خوب است که درک کنند هدف پشت سر ایشان است. ما از جلجتا سخن می گوئیم. در اینجا هدف توسط عیسی تحقق یافت و غیر قابل برگشت و نهایی است و به هدف پیش رو نیز یقین می دهد.

رومیان باب ۸ آیه ۳، اول تیموتائوس باب ۱ آیه ۱۷، باب ۶ آیه ۱۶ و اول قرنتیان باب ۱۵ آیه ۵۳ را بخوانید. چرا خدا پسر خود را به این جهان فرستاد؟

خدا مسیح را فرستاد که قربانی گناه شود تا گناه را در جسم محکوم نماید. مفهوم این چیست؟ مسیح به عنوان یک موجود جاودانه، نمی توانست بمیرد. از این رو، خداوند انسان شد و فانی بودن ما را بر خود گرفت تا در حقیقت بتواند به جای ما بمیرد. عیسی اگر چه الهی و در اصل خدا بود، «مانند انسان» شد و خود را با «مطیع مرگ شدن بر روی صلیب»، فروتن نمود (فیلیپیان باب ۲ آیات ۶ تا ۸). به روشی که تنها برای خدا آشکار است، با مردن عیسی بر روی صلیب، الوهیت مسیح مُرد. به روشی فراتر از درک بشری، الوهیت عیسی در طول ۹ ماه در رحم و در روزهایی که درون قبر قرار داشت، خاموش بود و عیسی هرگز برای کمک به انسانیت خود در طول زندگی و خدمتش در اینجا از آن کمک نگرفت.

لوقا باب ۹ آیه ۲۲ را بخوانید. این آیه چه چیزی در مورد تعمدی بودن مرگ مسیح به ما می گوید؟

مسیح متولد شد که می‌برد. ما می‌توانیم تصور کنیم که هرگز لحظه‌ای در ابدیت وجود نداشت که او از فکر تمسخر، تازیانه، ضرب و شتم و به صلیب کشیده شدنی که قلب را بدر می‌آورد و او قرار بود با آنها روبرو شود، رها باشد. این عشقی بی‌نظیر است که هرگز قبلاً مشاهده نشده است و بطور کامل قابل درک نمی‌باشد.

ما انسان‌ها در رویارویی با این نوع محبت، چه کاری جز به زانو در آمدن و عبادت در ایمان و اطاعت می‌توانیم انجام بدهیم؟ واقعیت صلیب چه چیزی در مورد بی‌ارزش بودن شایستگی انسان به ما می‌گوید؟

۳۰ آوریل

دوشنبه

بره خدا

یوحنا باب ۱ آیه ۲۹، مکاشفه یوحنا باب ۵ آیه ۱۲ و باب ۱۳ آیه ۸ را بخوانید. این آیات چه تصویر مشابهی ارائه می‌دهند و اهمیت این تصویر در کمک به ما در درک نقشه نجات چیست؟

هنگامی که یحیی تعمید دهنده، عیسی را «بره خدا» خواند، بی‌تردید به قدس اشاره داشت. حتی بطور مستقیم‌تر، او به مرگ مسیح برای گناه به عنوان همه بره‌هایی (و همه حیوانات قربانی در مراسم معبد عبرانی) که برای گناه قربانی شده بودند، اشاره داشت. در واقع، چهار انجیل در کنار تمام چیزهایی که تعلیم می‌دهند، در نهایت روایت آنچه عیسی در نقشش به عنوان بره خدا که گناه جهان را از بین می‌برد، بیان می‌کنند. اما داستان عیسی و کارش برای نجات ما حتی با مردن و رستاخیزش، به انجیل‌ها ختم نمی‌شود.

کتاب عبرانیان از ابتدا به موضوع مسیح به عنوان کاهن اعظم در قدس آسمانی پس از کارش به عنوان بره قربانی می‌پردازد. از نخستین اشاره به او در این نقش پس از صلیب (عبرانیان باب ۱ آیه ۳)، باب‌های بعدی کتاب از عیسی به عنوان کاهن اعظم نام می‌برند. توصیف کار او در معبد آسمانی با جزئیات در عبرانیان باب ۷ آیات ۱ تا ۲۸ بیان شده است.

عبرانیان باب ۷ آیات ۱ تا ۲۸ را بخوانید. نویسنده در اینجا در مورد عیسی چه چیزی می‌گوید؟

اگر چه این آیات بسیار عمیق و غنی می باشند، جوهر آنچه که می گویند این است که عیسی مسیح روحانیت بهتری نسبت به کاهنان نسل هارون در خدمات قدس زمینی دارد. اما اکنون، در عوض کاهن بودن در یک قدس زمینی، ما یک کاهن اعظم آسمانی داریم که در قدس آسمانی برای ما کار می کند. بنابراین، اکنون که تمرکز خود را معطوف عیسی می کنیم، می توانیم بر او به عنوان کاهن اعظم در قدس آسمانی تمرکز کنیم.

۱ مه

سه شنبه

کاهن اعظم ما

عبرانیان باب ۷ آیات ۲۴ تا ۲۷ و باب ۸ آیه ۶ را بخوانید. در این آیات چه امید بزرگی به ما داده شده است؟

مسیح قادر است کاملاً نجات دهد زیرا خصوصاتی دارد که هیچ کاهن دیگری هرگز نداشته است. او خداست که قدرت آمرزیدن گناه را دارد. او مقام کاهنی دائمی دارد. در طول دوران مسیحیت او همیشه با همان دلسوزی محبت آمیز که بیماران را شفا می داد و به افراد تنها دلداری می داد، برای قومش شفاعت می کند. او همچنین انسان است اما بی گناه متولد شد و همانگونه باقی ماند. و به عنوان فردی بیگناه، در زیر بار مداوم تمام گناهان بشر مرد. پس تنها او به عنوان مرد خدا می تواند برای گناهکاران در معبد آسمانی شفاعت کند.

آنچه این آیات نیز نشان می دهند، این است که قربانی مسیح یکبار برای همیشه بود. باید تنها یکبار اتفاق می افتاد و برای نجات تمام انسان هایی که همیشه بوده و هستند، کافی بود.

گذشته از هر چیز، با در نظر گرفتن کسی که بر روی صلیب مُرد، چگونه ممکن است چنین قربانی برای همه انسان ها کافی نباشد؟

عبرانیان باب ۹ آیات ۱۱ تا ۱۵ را بخوانید. مسیح از طریق مُردنش و اکنون خدمت خویش در آسمان، چه چیزی برای ما بدست آورد؟

عبرانیان باب ۹ آیه ۱۲ می گوید که مسیح [کلید] «رهایمی ابدی را دارد». واژه ترجمه شده «رهایمی» همچنین به معنی «فدیه»، «آزاد کردن» و «خلاصی» نیز می باشد. این همان واژه ای است که در لوقا باب ۱ آیه ۶۸ آمده است، زمانی که زکریا اعلام نمود

که خدا «قوم خود را ملاقات نمود و رهایی بخشید». اشاره به خون مسیح — خون تنها قربانی که کفایت می‌کرد — بدین معنی است که این مسیح به عنوان بره قربانی بود کسی که این رهایی و خلاصی را فراهم ساخت. و مزده نیک انجیل این است که مسیح این را نه برای خود، بلکه برای ما بدست آورد و برای همه کسانی که قربانی مسیح را برای خود بپذیرند، مؤثر واقع می‌شود.

در باره این ایده تامل کنید که مسیح رهایی ابدی را برای ما فراهم ساخت و این امر زمانی محقق گردید که برای شفاعت ما وارد قدس آسمانی شد. این مطلب در مورد آنچه که مسیح برای ما در قدس آسمانی انجام می‌دهد، چه امیدی ارائه می‌دهد؟

۲ مه

چهارشنبه

شفاعت کننده ما

اگر چه گناه یک جدایی ترسناک میان بشر و خدا بوجود آورد، از طریق مرگ فدیبه گونه مسیح، ما انسان‌ها نزد خدا آورده شدیم و می‌توانیم همچنان به او دسترسی داشته باشیم. افسسیان باب ۲ آیه ۱۸ و اول پطرس باب ۳ آیه ۱۸ را ببینید.

«آن امیدی که ما داریم مثل لنگری برای جان‌های ماست، آن امید، قوی و مطمئن است که از پرده معبد گذشته و به مقدس‌ترین مکان وارد می‌شود. جایی که عیسی از جانب ما و قبل از ما وارد شده و در رتبه کهنات ملک صادق تا به ابد کاهن اعظم شده است» (عبرانیان باب ۶ آیات ۱۹ و ۲۰). بر اساس این آیات، عیسی برای ما چه کاری انجام داده است؟

عبرانیان باب ۹ آیه ۲۴ را بخوانید. این آیه می‌گوید که کار مسیح شامل چه چیزی است؟

عیسی پیشرو است که به نمایندگی از طرف ما وارد قدس آسمانی گردید، حتی در محضر خدا. یعنی، عیسی در مقابل پدر ایستاده است و برای شایستگی‌های کفاره‌ای که داد خدمت می‌کند، «نجات ابدی» که به جای ما «بدست آورد». آری، هنگامی که ما عیسی را پذیرفتیم، گناهان ما بخشیده شد و در مقابل خدا آمرزیده شده و مطهر ایستاده ایم. اما این واقعیت باقی می‌ماند که حتی پس از اینکه

ما مسیحی شده ایم، همچنان در زمان هایی با وجود تمام وعده های فوق العاده پیروزی، مرتکب گناه می شویم. در چنین مواردی، عیسی به عنوان کاهن اعظم ما در آسمان شفاعت می کند. او نماینده گناهکار توبه کننده است که نه بواسطه شایستگی های ما (زیرا ما چیزی نداریم) بلکه بواسطه شایستگی های خودش به جای ما در برابر پدر است. «به این سبب او قادر است همه کسانی را که بوسیله او به حضور خدا می آیند کاملاً و برای همیشه نجات بخشد، زیرا او تا به ابد زنده است و برای آنان شفاعت می کند» (عبرانیان باب ۷ آیه ۲۵).

کدام مسیحی دوباره متولد شده، نیاز خود به رحمت و فیض مداوم مسیح را احساس نمی کند؟ یعنی، با وجود زندگی جدیدی که در عیسی داریم، با وجود تغییرات شگفت انگیز در وجودمان، چه کسی نیاز مداوم خود به عفو و بخشیده شدن را درک نمی کند؟ پس چرا آگاهی از مسیح به عنوان کاهن اعظم ما بسیار برایمان با ارزش است؟

۳ مه

پنجشنبه

روز کفاره

کتاب عبرانیان تعلیم می دهد که مراسم قدس زمینی عبرانی، الگویی از مراسم قدس آسمانی بود که مسیح به عنوان کاهن اعظم ما وارد آن شد و آن را افتتاح نمود. مراسم زمینی با دو تالار آن و سنت های قربانی کردن و تطهیر، «نمونه و سایه ای از آن خدمت آسمانی و واقعی است. وقتی موسی می خواست خیمه مقدس را بسازد، خدا با تأکید به او دستور داد» (عبرانیان باب ۸ آیه ۵).

و درست همانطور که مراسم معبد زمینی شامل خدمت در دو قسمت، مکان مقدس [یا قدس] و مقدس ترین مکان [یا قدس الاقداس] می باشد، خدمت مسیح در معبد آسمانی نیز چنین است. در قدس زمینی، مفهوم داوری در روز کفاره نشان داده می شد که در نتیجه آن همان گونه که در باب ۱۶ لویان به تصویر کشیده شده است قدس تطهیر می شد. این یک بار در سال بود که کاهن اعظم وارد تالار یا حجره دوم می شد، که مقدس ترین مکان بود (لویان باب ۱۶ آیات ۱۲ تا ۱۴) تا بجای مردم کار تطهیر و کفاره را انجام دهد.

عبرانیان باب ۹ آیات ۲۰ تا ۲۳ را بخوانید. چه چیزی لازم است پاک و تطهیر شود و چرا این یک اشاره واضح به روز کفاره مأموریت مسیح می باشد؟

محققان از این بیانیه که قدس آسمانی خود نیاز به پاک شدن و یا «تطهیر» داشت، شگفت زده شدند. با این وجود، زمانی که این به عنوان اشاره به روز کفاره درک شود، مشکل ناپدید می‌گردد. عبرانیان باب ۹ آیه ۲۳ نشان می‌دهد که کاری که مسیح در قدس آسمانی انجام می‌دهد، بیانی واقعی از آن چیزی است که کاهن اعظم زمینی در مراسم سالانه روز کفاره در قدس اسرائیلی انجام می‌داد. مأموریت کاهن زمینی در تطهیر قدس زمینی، کاری که مسیح روزی در قدس آسمانی قرار بود انجام دهد را از پیش حکایت می‌نمود. آیه می‌گوید که این تطهیر آسمانی بلافاصله پس از عروج مسیح انجام می‌پذیرد. با مطالعه کتاب دانیال، می‌توانیم بینیم که این مرحله از خدمت در سال ۱۸۴۴ آغاز شد. بنابراین از آنجایی که مسیحیان در مواجهه با روزهای پایانی هستند، ما باید جدیت زمانی که در آن قرار داریم را درک کنیم اما بواسطه آنچه مسیح در گذشته برای ما انجام داده است و اکنون در مقدس‌ترین مکان معبد آسمانی برای ما انجام می‌دهد، اطمینان داشته باشیم.

پیام نخستین فرشته چنین است: «از خدا بترسید و او را حمد گوید زیرا که ساعت داوری او آمده است» (مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۷). واقعیت داوری به نزدیک شدن پایان جهان اشاره دارد. این واقعیت چگونه باید بر نحوه زندگی ما تأثیر بگذارد؟

۴ مه

جمعه

تفکری فراتر: کتاب عبرانیان به قدس زمینی به عنوان مدل و نمونه ای از آنچه مسیح بر روی زمین به عنوان قربانی و در آسمان به عنوان کاهن اعظم برای ما انجام خواهد داد، اشاره می‌کند. قدس اسرائیلیان همواره قرار بود موضوع درسی از انجیل باشند. قرار بود به یهودیان نقشه نجات را که شامل قربانی شدن، شفاعت، داوری و پایان نهایی گناه بود را تعلیم دهد. در عین حال کتاب دانیال کمک بیشتری به خوانندگان برای درک ابعاد کار نهایی مسیح در معبد آسمانی در آخر زمان می‌کند. «دید آخر الزمانی دانیال با تأکیدش بر تطهیر، داوری و اثبات بی‌گناهی، تصویر روز کفاره در پایانی ترین تاریخ زمین را منعکس می‌کند. تطهیر بطور مستقیم با قدس آسمانی و کار مسیح به عنوان پادشاه و کاهن مرتبط است. چشم اندازهایی که عنصر زمان را معرفی می‌کنند، تشخیص لحظه ای خاص در تاریخ نجات زمانی که مسیح کار خود برای تطهیر، داوری و اثبات بی‌گناهی نهایی در مسکن آسمانی خدا را آغاز می‌کند، ممکن می‌سازد.»

— *Handbook of Seventh-day Adventist Theology* (Hagerstown, Md.: Review and Herald® Publishing Association, 2000), p. 394



دعای فرد ناتوان در یادگیری

توسط اندرو مک چرنی، تبلیغ دینی ادونتیست

ادسون اسمیت ۱۱ ساله در حالی که با کتاب مقدس در دستش زانو می‌زد، اشک از چشمانش جاری شد.

او چنین دعا کرد: «خداوندا، اگر به من کمک کنی که بخوانم، من این کتاب را هر روز خواهم خواند.»

اسمیت بدلیل ناتوانی در خواندن، از کلاس چهارم مدرسه ادونتیست روز هفتم در کشور کارائیب ترینیداد و توباگو بیرون آمد. او دچار خوانش پریشی شدید بود. اسمیت مدتی برای بدست آوردن پول، انبه می‌چید و می‌فروخت و خانه‌ها را تمیز می‌کرد. اما وقتی می‌دید که کودکان دیگر به مدرسه می‌روند، غمگین می‌شد.

اسمیت که اکنون ۳۶ ساله است، گفت: «سپس روزی من بسیار افسرده بودم. کتاب مقدس را در دست گرفتم، بر روی زمین زانو زدم در حالی که اشک در چشمانم بود، و گفتم، خداوندا، اگر به من کمک کنی که بتوانم بخوانم، این کتاب را هر روز خواهم خواند.»

این دعای ساده به سرعت پاسخ داده نشد و اسمیت سبک زندگی با فیلم‌های شهوت‌انگیز و مهمانی را در پیش گرفت. اما آن دعا اسمیت را در مسیر ایجاد کسب و کار محوطه سازی و مأموریت خیابانی ادونتیست روز هفتم به نام انجیل برای استخوان‌های خشک قرار داد که از شهادت‌های فردی چهار رهبرش برای تشویق افراد جوان به پیروی از مسیح استفاده می‌کند. حدود یک سال پس از دعای کودکانه‌اش، اسمیت توسط والدین ادونتیست خود به گرنادا، جزیره‌ای واقع در ۱۶۰ کیلومتری شمال ترینیداد فرستاده شد تا با مادر بزرگش زندگی کند. مادر بزرگش او را به مدرسه بازگرداند. اگر چه اسمیت بزرگترین کودک در کلاس چهارم بود، متوجه شد که چند دانش‌آموز دیگر نیز به خوانش پریشی مبتلا هستند. او گفت، «این باعث شد که حس بهتری داشته باشم.»

بزرگسالان مصمم شدند به وی کمک کنند. یکی از معلمان تصمیم گرفت آواشناسی را به او آموزش دهد. هر شب، کتابی را در خانه باز می‌کرد و سعی می‌نمود آن را بخواند و کلمات آن را هجی کند.

حدود سه سال گذشت. سپس، یک شب وقتی که اسمیت ۱۵ ساله در تلاش برای خواندن بود، ناگهان متوجه شد که می‌تواند بخواند. کلمات معنا پیدا کردند و اسمیت گفت، «من شروع به خواندن کردم!»

بزرگتر که شد، توانایی خواندن به او کمک کرد که کسب و کار محوطه سازی خود را باز کند که در کنار مأموریت انجیل برای استخوان های خشک او فعالیت می‌کند.

او گفت، «من در کلاس فردی بودم که توانایی یادگیری نداشتم. نمی‌دانستم چگونه خواهم توانست از پس آن برآیم. و کاری که خدا برای من انجام داده است را ببینید.»

درباره ادسون اسمیت (سمت چپ) هفته آینده بیشتر بخوانید.

«تغییر» احکام



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: رومیان باب ۸ آیه ۱، باب ۷ آیات ۱۵ تا ۲۵؛ رومیان باب ۷ آیات ۱ تا ۱۴؛ یوحنا باب ۲۰ آیات ۱۹ تا ۲۳؛ اعمال رسولان باب ۲۰ آیات ۶ و ۷؛ دانیال باب ۷ آیات ۲۳ و ۲۵؛ مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیات ۱ تا ۱۷.

آیه حفظی: «و سخنان به ضدّ حضرت اعلی خواهد گفت و مقدّسان حضرت اعلی را ذلیل خواهد ساخت و قصد تبدیل نمودن زمانها و شرایع خواهد نمود و ایشان تا زمانی و دو زمان و نصف زمان به دست او تسلیم خواهند شد» (دانیال باب ۷ آیه ۲۵).

مسئله احکام خدا در مرکزیت درک ما از وقایع روزهای پایانی قرار دارد. بطور ویژه تر، مسئله فرمان چهارم، روز هفتم سبت می باشد. اگر چه ما درک می کنیم که نجات تنها از طریق ایمان است و اینکه نگه داشتن احکام از جمله سبت هرگز نمی تواند نجات را به همراه داشته باشد، متوجه می شویم که در روزهای پایانی، اطاعت از احکام خدا از جمله روز هفتم سبت نشانه ای ظاهری از وفاداری واقعی ما می باشد.

این تمایز بویژه در میان وقایع پایان زمان آشکار می شود که در باب ۱۳ و ۱۴ مکاشفه یوحنا به تصویر کشیده شده اند، زمانی که توده قدرتمندی از نیروهای مذهبی و سیاسی متحد خواهند شد تا نوع نادرستی از عبادت را بر ساکنان این جهان تحمیل نمایند. همه اینها در تضاد با مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۷ می باشد، جایی که قوم خدا فراخوانده شده اند تا «او را که آسمان و زمین و دریا و چشمه ها را آفرید، پرستش نمایند»؛ یعنی پرستش تنها خالق و نه هیچ کس دیگر.

این هفته ما به احکام خدا بویژه روز سبت خواهیم پرداخت و به موضوعات مربوط به تلاش در تغییر آن فرمان و مفهومش برای ما که پایامان نزدیک است، اشاره خواهیم نمود.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۲ مه آماده شوید.

وعده

یکی از بزرگترین وعده های کتاب مقدس در رومیان باب ۸ آیه ۱ یافت می شود: «پس دیگر برای کسانی که در اتحاد با مسیح عیسی به سر می برند هیچ محکومیتی وجود ندارد.» این سخنان به عنوان نوعی سنگ کتیبه هستند، نتیجه ای از سلسله افکاری که درست پیش از آن آمد، بیان می شوند. تنها با مطالعه آنچه پولس در قبل از این آیه می گوید، بهتر می توانیم امید و وعده موجود در آن را درک کنیم.

رومیان باب ۷ آیات ۱۵ تا ۲۵ را بخوانید. اساس آنچه که پولس در این آیات می گوید چیست که آنچه در رومیان باب ۸ آیه ۱ می گوید را بسیار اطمینان بخش می کند؟

اگر چه در عالم مسیحیت بحث بزرگی بر سر اینکه آیا پولس بویژه درباره خودش به عنوان یک ایماندار سخن می گفت، وجود دارد، یک چیز واضح است: در واقع پولس در مورد واقعیت گناه سخن می گوید. همه حتی مسیحیان می توانند به مبارزه ای که پولس در اینجا به آن اشاره می کند، مربوط شوند. چه کسی تاکنون کشش جسم و «گناهی که در ایشان ساکن است» را احساس نکرده است، که باعث می شود آنها کاری را که می دانند نباید انجام دهند، انجام داده و آن کاری را که باید انجام دهند، انجام نداده؟ برای پولس مشکل، احکام نیست بلکه مشکل، جسم ماست.

چه کسی خود را در شرایطی نیافته است که خواهان آنچه درست است باشد اما آنچه که نادرست است را انجام دهد؟ حتی اگر پولس در مورد ناگزیری گناه در زندگی مسیحی دوباره متولد شده در اینجا سخن می گوید، او مطمئناً به موردی قوی در زمینه مبارزه همیشگی که همه کسانی که به دنبال اطاعت از خدا هستند با آن روبرو می باشند، اشاره دارد.

بنابراین او به سخنان مشهورش می رسد: «من چه آدم بدبختی هستم! این بدن، مرا به سوی مرگ می کشاند. چه کسی می تواند مرا از دست آن آزاد سازد؟» (رومیان باب ۷ آیه ۲۴). پاسخ او در عیسی و وعده بزرگ «هیچ محکومیتی» برای ایمانداران به عیسی که با فیض مطابق با روح قدم بر می دارند، یافت می شود. آری، ایمانداران در تقلا هستند؛ آری، آنها با وسوسه روبرو هستند؛ آری، گناه واقعی است. اما با ایمان به عیسی، آنهایی که باور دارند دیگر توسط احکام محکوم نیستند؛ در حقیقت، آنها از آن اطاعت می کنند. از این رو، آنها می آموزند که مطابق با روح و نه جسم قدم بردارند.

آیات امروز را یکبار دیگر بخوانید. شما به چه روش هایی به آنچه که پولس در آنجا می گوید مرتبط می شوید؟ پس چرا رومیان باب ۸ آیه ۱ چنین وعده فوق العاده ای می باشد؟

دوشنبه

۷ مه

شریعت و گناه

در مطالعه دیروز ما به آیاتی (رومیان باب ۷ آیات ۱۵ تا ۲۵) پرداختیم که درباره واقعیت گناه برای همه حتی مسیحیان صحبت می کردند. با این وجود، در آیات پیش از اینها، پولس به احکام اشاره می کند که نشان می دهد گناه تا چه حد شایع و مرگبار می باشد.

رومیان باب ۷ آیات ۱ تا ۱۴ را بخوانید. رابطه میان احکام و گناه چیست؟ این آیات چه چیز دیگری در مورد غیرممکن بودن نجات یافتن بواسطه شریعت به ما می گویند؟

دو نکته مهم از آنچه پولس در اینجا تعلیم می دهد، بدست می آید. نخست، او نشان می دهد که مشکل احکام نیست. احکام «مقدس، عادلانه و خوب» می باشند. مشکل گناه است که به مرگ منتهی می شود. نکته دیگر این است که احکام قدرت نجات ما از گناه و مرگ را ندارد. احکام به مشکل گناه و مرگ اشاره می کند؛ در واقع، احکام مشکل گناه و مرگ را آشکارتر می سازد، اما برای حل مشکل کمکی ارائه نمی دهد.

تنها یک خواننده سطحی می تواند از این آیات (در حالی که آیات بسیار دیگری را نادیده می گیرد) برای این استدلال که احکام یا ده فرمان منسوخ شده اند، استفاده کند. این مخالف نکته اشاره شده توسط پولس است. اگر شریعت منسوخ شده بود، هیچ کدام از مواردی که پولس در اینجا می نویسد مفهوم پیدا نمی کنند. استدلال او بر پایه این فرض که احکام همچنان الزام آور است عمل می کند، زیرا این احکام است که واقعیت گناه و در نتیجه نیاز به انجیل را مشخص می کند. «پس چه بگوییم؟ آیا احکام گناهکارند؟ به هیچ وجه! اگر احکام نبود، من گناه را نمی شناختم. مثلاً اگر احکام نگفته بود، طمع نکن، من هرگز نمی دانستم طمع کردن چیست» (رومیان باب ۷ آیه ۷).

رومیان باب ۷ آیه ۱۳ را با دقت بخوانید. پولس درباره احکام و نیز دلیل الزامی بودن آن چه چیزی می گوید؟

احکام منجر به مرگ نمی شود بلکه گناه، مرگ را به همراه دارد. احکام چیزی است که نشان می دهد گناه تا چه حد مرگبار می باشد. احکام خوب هستند و به گناه اشاره می کنند. تنها پاسخی برای آن ندارد. بلکه تنها انجیل دارای پاسخ است. منظور پولس این است ما به عنوان مسیحیان و کسانی که در مسیح نجات یافته ایم، باید در «تازگی روح» خدمت کنیم (رومیان باب ۷ آیه ۶)؛ یعنی، ما در رابطه ایمانی با عیسی زندگی می کنیم، و به شایستگی ها و عدالت او برای نجات خود اطمینان داریم (موضوع بخش هایی که قبل از رومیان آمده است).

تجربه خود شما در رعایت احکام چگونه نیازتان به فیض خدا را نشان داده است؟

۸ مه

سه شنبه

از سبت تا یکشنبه؟

ما به عنوان ادونتیست های روز هفتم اغلب می شنویم که برادر و خواهرهای مسیحی مان در فرقه های دیگر چنین استدلال می کنند که احکام دیگر الزام آور نیستند و یا اینکه ما نه تحت شریعت بلکه تحت فیض می باشیم. اگر چه، آنچه آنها واقعاً می گویند این است که تنها فرمان چهارم الزام آور نمی باشد. با این وجود، بسیاری حتی این را نمی گویند. آنها در عوض می گویند که روز هفتم ثبت برای مفتخر شمردن قیام عیسی با یکشنبه جایگزین شده است.

و آنها بر این باورند که آیاتی برای اثبات این را نیز دارند.

در زیر برخی از آیات رایج در عهد جدید را می بینید که بسیاری از مسیحیان معتقد هستند که اشاره به تغییر سبت از روز هفتم در عهد قدیم به روز اول هفته در عهد جدید دارد. همانطور که آنها را می خوانیم، باید از خود پرسیم آیا آنها حقیقتاً درباره تغییر روز سخن می گویند یا صرفاً وقایعی را توصیف می کنند که در آن روز اتفاق افتاد اما بدون رسیدن به سطحی مقرر نمودن یک تغییر؟

یوحنا باب ۲۰ آیات ۱۹ تا ۲۳ را بخوانید. این آیات چه دلیلی برای گرد هم آمدن حواریون در آن اتاق ارائه می دهند؟ این آیات چه چیزی درباره اینکه آیا مراسم عبادت به افتخار قیام عیسی بود همانطور که برخی ادعا می کنند، چه می گویند؟

اعمال رسولان باب ۲۰ آیات ۶ و ۷ را بخوانید. چه چیزی در این آیات نشان داد که سبت به روز یکشنبه اولین روز هفته تغییر یافت؟ اعمال رسولان باب ۲ آیه ۴۶ را نیز ببینید.

اول قرن‌تینان باب ۱۶ آیات ۱ تا ۴ را بخوانید. خارج از این واقعیت که آنها باید هدایا را در روز اول هفته در خانه ذخیره می‌کردند، چه چیزی درباره هر گونه تغییر سبت به یکشنبه تعلیم می‌دهند؟

در اینجا از خمیره متنی «گواه» یا دلیل استفاده گردیده که برای ترویج اصول تعالیمی است که روز اول هفته را جایگزین روز هفتم سبت نموده است. خارج از چندین بار توصیف اینکه ایمانداران به دلایل مختلف دور هم جمع شدند، حتی یکی از آیات به این اشاره ندارد که این تجمعات مراسم عبادت برگزار شده در روز اول هفته بجای روز هفتم سبت بوده اند. این استدلال صرفاً برداشت نمودن از آیات در مورد رسم مسیحیان قرن‌ها پیش به نگاه داشتن یکشنبه می‌باشد. این یعنی اضافه نمودن چیزی به این آیات که هرگز از ابتدا وجود نداشته است.

۹ مه

چهارشنبه

روز هفتم در عهد جدید

همانطور که دیروز دیدیم، این آیات معمولاً برای ترویج اینکه یکشنبه جایگزین سبت شده است، استفاده شده اند که در واقع چنین نیست. در واقع، هر اشاره ای به روز هفتم سبت در عهد جدید نشان می‌دهد که همچنان به عنوان یکی از ده فرمان خدا نگه داشته می‌شد.

لوقا باب ۴ آیات ۱۴ تا ۱۶ و باب ۲۳ آیات ۵۵ و ۵۶ را بخوانید. این آیات چه چیزی درباره روز هفتم سبت در قبل و بعد از مرگ مسیح به ما می‌گویند؟

توجه کنید که آن زن که با مسیح بوده است چگونه «در روز سبت به حسب حکم آرام گرفت» (لوقا باب ۲۳ آیه ۵۶). بدیهی است که فرمان چهارم بود که بر روی کوه سینا بر روی سنگ نوشته شده بود. پس هر آنچه آنها در زمانشان با عیسی فرا گرفته بودند، هیچ نشانه ای از اینکه آنها چیزی جز نگه داشتن فرمان‌های خدا از جمله سبت

را آموختند، وجود ندارد. در واقع، مسیح به حواریون خود گفت، «اگر مرا دوست دارید، احکام مرا نگاه دارید» (یوحنا باب ۱۴ آیه ۱۵). فرمان های او که خود نیز آنها را نگاه می داشت شامل روز هفتم سبت بودند. اگر قرار بود یکشنبه جایگزین سبت شود، این زنان چیزی در مورد آن نمی دانستند.

اعمال رسولان باب ۱۳ آیات ۱۴، ۴۲ تا ۴۴ و باب ۱۶ آیات ۱۲ و ۱۳ را بخوانید. این آیات چه مدارکی برای نگره داشتن روز هفتم سبت ارائه می دهند؟ چه شواهدی برای نگره داشتن روز اول هفته ارائه می دهند؟

ما در این آیات هیچ گواهی بر تغییر روز سبت به یکشنبه نمی یابیم. در عوض، آنها به وضوح به نگره داشتن روز هفتم سبت توسط ایمانداران اولیه به عیسی اشاره دارند. اعمال رسولان باب ۱۶ آیه ۱۳ بویژه جالب توجه است زیرا خارج از چهار چوب کنیسه رخ می دهد. مؤمنان در کنار رودخانه یکدیگر را ملاقات می کردند، جایی که بطور «مرسوم» به دعا می پرداختند. و آنها سال ها پس از مرگ عیسی نیز در روز هفتم سبت این کار را انجام می دادند. اگر تغییری به روز یکشنبه رخ داده بود، هیچ چیز در این آیات به آن اشاره ندارد.

برخی از روش های ملایم و بدون سرزنش که می توانید برای کسانی که روز یکشنبه را نگره می دارند در مورد روز سبت شهادت دهید، کدامند؟

مه ۱۰

پنجشنبه

اقدام به تغییر سبت

احکام خدا یعنی ده فرمان همچنان الزام آور است (یعقوب باب ۲ آیات ۱۰ تا ۱۲ را نیز ببینید)، و آن احکام شامل روز هفتم سبت می شود. پس چرا بسیاری از مسیحیان با وجود اینکه هیچ توجیهی بر پایه کتاب مقدس برای آن وجود ندارد، یکشنبه را نگره می دارند؟ باب ۷ کتاب دانیال در مورد قیام چهار امپراتوری بزرگ می گوید: بابل، مادها و پارس ها، یونان و سپس روم، چهارمین و آخرین امپراتوری زمینی. در مرحله دوم امپراتوری روم، بیرون آمدن قدرت یک شاخ کوچک از این امپراتوری به تصویر کشیده شده است. این همچنان بخشی از امپراتوری روم اما در مرحله بعدی آن می باشد. این قدرت چه چیز دیگری غیر از مقام پاپی که مستقیماً از امپراتوری روم برخاست و امروزه همچنان بخشی از آن است، می توانست باشد؟ توماس هابز (Thomas Hobbes) در دهه های ۱۶۰۰ چنین نوشت: «اگر فردی

اصل این سلطه کلیسایی بزرگ را در نظر بگیرید، براحتی درک خواهد کرد که قلمرو پاپ چیزی جز روح امپراتوری از بین رفته روم نیست که بر سر قبر با تاج نشسته است.»
— Thomas Hobbes, *Leviathan*, (Oxford: Oxford University Press, 1996), p. 463

دانیال باب ۷ آیات ۲۳ تا ۲۵ را بخوانید. این آیات چه چیزی می آموزند که به ما در درک ریشه های نگه داشتن یکشنبه کمک می کند؟

زبان اصلی، زبان آرامی، در آیه ۲۵ نشان می دهد که قدرت شاخ کوچک «قرار بود» احکام را تغییر دهد. در واقع، کدام قدرت زمینی می تواند احکام خدا را تغییر دهد؟ اگرچه جزئیات دقیق در تاریخ نامشخص می باشند، ما می دانیم که تحت سلطنت روم پاپی، روز سبت با سنت نگه داشتن روز یکشنبه جایگزین شد، سنتی که چنان بطور قطعی تثبیت شد که اصلاحات پروتستان این سنت را حتی در قرن بیست و یکم زنده نگه داشت. امروزه بسیاری از پروتستان ها بجای پیروی از فرمان کتاب مقدس مبنی بر نگه داشتن روز هفتم، همچنان روز اول هفته را نگه می دارند.

مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیات ۱ تا ۱۷ را بخوانید و آنها را با دانیال باب ۷ آیات ۱ تا ۸، ۲۱، ۲۴ و ۲۵ مقایسه کنید. چه تصویرسازی مشابهی در این آیات استفاده شده است که به ما در درک وقایع پایان زمان کمک می کند؟

کتاب مکاشفه یوحنا با استفاده مستقیم از تصویرهای کتاب دانیال، از جمله تصویر مربوط به مرحله ثانویه (پاپی) روم، به جفاهای آخر زمان اعمال شده بر کسانی که از عبادت بر اساس دستورات قدرت های دیده شده در کتاب مکاشفه یوحنا دیده می شوند، اشاره دارد.

مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیات ۶ و ۷ — بویژه آیه ۷، که زبان برداشت شده از فرمان چهارم را منعکس می کند (خروج باب ۲۰ آیه ۱۱) — چگونه به نشان دادن اینکه سبت در بحران روزهای پایانی عبادت کردن بسیار حیاتی خواهد بود، کمک می کند؟

تفکری فراتر: همان اژدها، شیطان که در آسمان علیه خدا جنگ براه انداخت (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۷) همان کسی است که با قوم خدا بر روی زمین، کسانی که

«فرمان های خدا را نگه می دارند» (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۱۷؛ باب ۱۳ آیات ۲ و ۴ را نیز ببینید) جنگ براه می اندازد. در واقع، شیطان خود نیز تبدیل به یک معبود می شود (مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیه ۴). بنابراین مبارزه علیه خدا که شیطان در آسمان براه انداخت، او بدنبال ادامه دادن آن بر روی زمین می باشد. و در مرکزیت حمله او به خدا، حمله به شریعت خدا می باشد.

«خدا در فرمان چهارم به عنوان خالق آسمان ها و زمین نمایان می شود و در نتیجه از تمام خدیان دروغین متمایز می باشد. این به عنوان یادبودی از کار خلقت بود که روز هفتم به عنوان روز استراحت برای بشر تقدیس شد. این روز چنین طراحی شد که خدای زنده را برای همیشه در ذهن بشر به عنوان منبعی از بودن و مقصود احترام و عبادت نگه دارد. شیطان در تلاش است که انسان ها را از وفاداریشان به خدا و مطیع احکام بودن دور کند؛ از این رو، او بخصوص تلاش هایش را علیه آن فرمان می کند که به خدا به عنوان خالق اشاره دارد.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, *The Great Controversy*, pp. 53, 54

ما خداوند را عبادت می کنیم زیرا او خالق «آسمان ها و زمین» است و روز هفتم سبب نشانه بنیادین خلقتش می باشد، نشانه ای به خود هفته خلقت برمی گردد (پیدایش باب ۲ آیات ۱ تا ۳ را ببینید). جای تعجب نیست که شیطان در حمله خود به اقتدار خدا، بدنبال نشانه اصلی و اساسی آن قدرت می رود: روز هفتم سبت.

خدا در روزهای پایانی، بر روی زمین مردمی خواهد داشت که در وفاداریشان به او محکم و پا برجا خواهند بود، وفاداری که در اطاعتشان از فرمان های او — همه آنها از جمله فرمانی که به خداوند به عنوان خالق که تنها ارزش عبادت را دارد، اشاره دارد — آشکار می شود.

سوالاتی برای بحث

۱. مشکل کسانی که در مورد واقعیت گناه صحبت می کنند و با این حال چنین استدلال می کنند که احکام خدا دیگر الزام آور نیست، چه می باشد؟ چه تناقض بزرگی در این خط استدلال می توانید بیابید؟
۲. تجربه شما با کسانی که به جای سبت برای یکشنبه استدلال می آورند، چه بوده است؟ شما از چه استدلال هایی استفاده نمودید و تا چه حد مؤثر بودند؟ چگونه می توانید با این استدلال رایج که نگه داشتن روز هفتم سبت تلاشی برای بدست آوردن نجات از طریق اعمال می باشد، روبرو می شوید؟
۳. همانطور که با دیگران در مورد سبت صحبت می کنیم و برای وقایع پایان جهان آماده می شویم، چرا مهم است مشخص کنیم که چالش های مربوط به نشانه وحش هنوز واقع نشده اند؟



از اشتیاق تا شفقت

توسط اندرو مک چرنی، تبلیغ دینی ادونتیست

ادسون اسمیت، کوچکترین میان چهار پسر خانواده، توسط والدینی ادونتیست بزرگ شد که علاقه‌شان برای بنیانگذار کلیسا، الن جی. وایت باعث شد نام او را مانند پسر الن جی. وایت، ادسون بگذارند.

اما اسمیت رابطه ای شخصی با عیسی برقرار نکرد.

او گفت، «گاهی شما در کلیسا رشد می‌کنید، اما در مسیح خیر.»

او به عنوان یک فرد بالغ جوان در زادگاهش در بندر اسپانیا در کشور کارائیب ترینیداد و توباگو دارای اعتماد به نفس پایینی بود. او در مهمانی‌ها و خوشگذرانی‌ها شرکت می‌کرد. به خودکشی فکر کرد. اما سپس قول کودکانه به خدا مبنی بر خواندن روزانه کتاب مقدس را به یاد آورد.

اسمیت شروع به حضور یافتن در کلیسا به طور مرتب نمود و تعمیم داده شد. او با یک ادونتیست جوان که مانند خودش اشتیاق داشت که عیسی را با جوانانی که همچنان به پارتی رفتن علاقه دارند، به مشارکت بگذارد دوست شد. آن‌ها با هم شروع به درمیان گذاشتن داستان زندگی خود در خیابان، ایستگاه اتوبوس و حتی اتوبوس‌های در حال حرکت نمودند.

اسمیت که اکنون ۳۶ ساله است، گفت: «من هرگز نمی‌دانستم که خدا مرا بلند خواهد کرد تا بشارت دهنده‌ای سیار باشم.»

اسمیت این مأموریت نوپا را با توجه به رؤیای حزقیال از دره‌ای از استخوان‌های خشک در حزقیال باب ۳۷ آیات ۱ تا ۱۴، انجیل به استخوان‌ها نامید. اسمیت گفت که خدا او را پس از مردن در گناه به زندگی باز گرداند، درست همانطور که خدا در حزقیال درباره زنده کردن استخوان‌ها سخن گفت. اسمیت گفت که پس از دوران جوانی دشوار، با چالش غلبه بر گناه جنسی روبرو شد. او ساعت‌ها را صرف فریاد برآوردن نزد خدا و مطالبه وعده‌های کتاب مقدس نمود. بخش‌های مورد علاقه، رومیان باب ۸ و همچنین یوحنا باب ۸ آیات ۳۴ تا ۳۶ بودند، جایی که عیسی می‌گوید، «یقین بدانید که هر کسی که گناه می‌کند برده‌ی گناه است و برده همیشه

در میان اهل خانه نمی‌ماند ولی پسر همیشه می‌ماند. پس اگر پسر، شما را آزاد سازد واقعاً آزاد خواهید بود.»

اسمیت گفت، «خدا در زندگی من کاری انجام داد و اگر او می‌تواند مرا تغییر دهد، قادر است هر کس دیگری را نیز تغییر دهد. شما مجبور نیستید دزد، عضو باندی خلافکار، همجنس‌گرا یا خودارضا از دنیا بروید. عیسی نیامد تا عادلان را فراخواند. او آمد تا گناهکاران که من پیشرو ایشان هستم را فراخواند. من خدا را برای این شکر می‌کنم.»

او گفت که غریبه‌ها معمولاً با علاقه به حرف‌هایش گوش می‌دهند، اگر چه گاهی بدلیل موعظه کردن مورد تمسخر قرار گرفته و از اتوبوس بیرون انداخته شده است. او و همکارانش همچنین در دبیرستان‌ها و کلیساها صحبت می‌کنند.

او گفت، «ما سال‌های خوشگذرانی خود را به یاد می‌آوریم. می‌خواهیم شاد باشیم و از ترویج انجیل شرمگین نباشیم.»

برای مطالعه بیشتر در مورد ادسون اسمیت (در تصویر با رهبران انجیل برای استخوان‌ها) به مطلب هفته قبل مراجعه کنید.

متی باب‌های ۲۴ و ۲۵



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: متی باب ۲۴ آیات ۱ تا ۲۵؛ مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیات ۱۱ تا ۱۷؛ متی باب ۷ آیات ۲۴ تا ۲۷؛ لوقا باب ۲۱ آیه ۲۰، متی باب ۲۵ آیات ۱ تا ۳۰.

آیه حفظی: «زیرا که مسیحیان کاذب و انبیا کذب ظاهر شده، علامات و معجزات عظیمه چنان خواهند نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردندی» (متی باب ۲۴ آیه ۲۴).

در باب‌های ۲۴ و ۲۵ متی، عیسی حقایق مهمی در مورد پایان زمان و نحوه آماده بودن برای آن بیان می‌کند. به یک معنا، این باب‌ها آموزه‌های مسیح در مورد وقایع روزهای پایانی بودند. در عین حال، او با نگاه کردن به آینده نزدیک‌تر، تخریب قریب الوقوع اورشلیم، یک تراژدی از ابعاد فاجعه بار قومش را می‌بیند.

اما مسیح در سخنان به حواریون، همچنین با پیروانش در نسل‌های بعد و بویژه آخرین آنها، کسانی که در زمان بازگشت او زنده خواهند بود نیز صحبت می‌کند. عیسی همچنین یک تصویر زیبا را ارائه می‌دهد. جنگ‌ها، شایعات جنگ، طاعون، مسیح‌های دروغین و جفاها — این وضعیت اکثر دنیا و کلیسای او خواهد بود. شگفت‌انگیز است که ما با نگاه کردن به گذشته، می‌توانیم ببینیم که پیشگویی‌هایش تا چه حد دقیق بودند. بنابراین، می‌توانیم برای پیشگویی‌هایی که هنوز در زندگی ما اتفاق نیفتاده است نیز به او اعتماد کنیم.

اما عیسی تنها نسبت به آنچه قرار بود اتفاق بیافتد، هشدار نداد. او در باب ۲۵ متی تمثیل‌هایی را بیان نمود که در صورت مورد توجه قرار گرفتن، قومش را برای زمانی که «پسر انسان» بازمی‌گردد، آماده خواهد ساخت. آری، زمان‌های سخت خواهند آمد، اما او مردمی را آماده خواهد ساخت که در زمان بازگشتش با او ملاقات کنند.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۹ مه آماده شوید.

تأیید قدرتمند نبوت

در روزهای آخر قبل از صلیب، حواریون بر کوه زیتون با عیسی صحبت کردند. تصویر کنید که می شنوید که عیسی می گوید معبد نابود خواهد شد. هیچ کس نمی داند دقیقاً در ذهن های ایشان چه گذشت، اما پرسشی که پس از آن مطرح نمودند نشان می دهد که آنها نابودی معبد را به «پایان جهان» ارتباط دادند (متی باب ۲۴ آیه ۳).

متی باب ۲۴ آیات ۱ تا ۲۵ را بخوانید. عیسی چه پیام کلی در مورد روزهای پایانی به پیروانش داد؟

متی باب ۲۴ آیات ۱ تا ۲۵ مشخص می سازند که مسیح در میان سایر چیزها، نگران فریبی بود که قومش را در طول قرن ها و در پایان زمان آشفته خواهد کرد. در میان آن فریب ها، انبیاء و مسیح های دروغین وجود خواهند داشت. برخی با ادعای نماینده مسیح بودن (انبیا دروغین) و برخی با ادعای مسیح بودن خواهند آمد. و مسئله وحشتناک این است که مردم نیز آنها را باور خواهند کرد.

ما تأییدی ناراحت کننده اما قدرتمند از کلام خدا را دیده ایم. در تمام طول تاریخ و حتی در زمان ما، فریب دهندگان در واقع آمده اند و گفته اند، «من مسیح هستم». چه پیشگویی قابل توجهی! ما که در این زمان زندگی می کنیم، می توانیم قرن های طولانی تاریخ را بررسی نماییم و ببینیم (به شیوه ای که افراد زمان مسیح نمی توانستند) که آن پیشگویی تا چه حد دقیق بوده است. ما همچنین نباید تعجب کنیم اگر فریب هایی مانند اینها با نزدیک شدنمان به بحران نهایی بیشتر می شوند.

همچنین، در زمینه تأکید بر ایمان، به این توجه کنید که عیسی چگونه وضعیت جهان را به تصویر کشید. مردم در زمان های مختلفی از تاریخ زمین از زمان مسیح، امید خود را بر چیزهایی قرار دادند که باور داشتند رنج ها و دردهای بشری را از بین خواهند برد یا دست کم آنها را کم خواهند نمود. از جنبش های سیاسی یا فناوری گرفته تا علم و منطق — مردم در زمانی امید داشته و دارند که این چیزها به بوجود آمدن یک مدینه فاضله بر روی زمین منجر بشوند. چنانکه شاهد دردناک تاریخ بارها نشان داده است، این امیدها همواره سست بنیاد اثبات شده اند. جهان امروز دقیقاً همانگونه است که عیسی پیشگویی نمود. سخنان مسیح که تقریباً دو هزار سال پیش بیان شدند، نشان می دهند که این امیدها تا چه میزان گمراه بوده اند.

متی باب ۲۴ آیه ۲۵ را بخوانید. ما از این آیه چه چیزی می توانیم برداشت کنیم که تصدیقی بر ایمان ما داشته باشد؟

دوشنبه

مه ۱۴

استقامت تا آخر

متی باب ۲۴ آیه ۹ و مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیات ۱۱ تا ۱۷ را بخوانید. چه تشابهی میان آنچه عیسی در متی گفت و آنچه یوحنا را به نوشتنش در مکاشفه برانگیخت، وجود دارد؟

نگرانی مسیح برای قومش در پایان زمان شامل فریب جهانی است که باعث می شود ملت ها با ایمان واقعی مخالفت کنند و عبادتی نادرست را به جهان تحمیل نمایند. کسانی که مقاومت کنند با نفرت، مصیبت و حتی مرگ روبرو خواهند شد.

متی باب ۲۴ آیه ۱۳ را بخوانید. کلید نجات یافتن و وفادار بودن در میان مخالفت جهانی چه می باشد؟

«هیچ کس به جز کسانی که ذهنشان را با حقایق کتاب مقدس قوی ساخته اند، نخواهند توانست در جدال عظیم نهایی دوام بیاورند.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, *The Great Controversy*, pp. 493, 494

این بیان به این معنی است که تمام کسانی که ذهن خود را با حقایق کتاب مقدس قوی می سازند، دچار هیچکدام از فریب های پایان زمان نخواهند شد. آنها باید بر آنچه حقیقت این زمان است استوار باشند؛ در غیر این صورت فریب بر آنها غلبه خواهد نمود.

متی باب ۷ آیات ۲۴ تا ۲۷ را بخوانید. چه چیز دیگری برای وفادار ماندن به خدا حیاتی می باشد؟

استوار بودن از لحاظ فکری بر پایه کلام خدا با وجود اینکه بسیار مهم است، اما بر طبق گفته عیسی برای قادر بودن ما به ایستادگی در میان مشکلاتی که با آنها روبرو خواهیم شد، کافی نمی باشد. ما باید کاری را که آموختیم انجام دهیم؛ یعنی، باید از

حقیقت آنگونه که در عیسی است اطاعت کنیم. در تمثیل بالا، هر دو سازنده، سخنان عیسی را شنیدند. تفاوت میان آنها، میان پایدار بودن و نبودن، اطاعت از آنچه عیسی تعلیم داد، بود.

چرا کسی که اطاعت می کند، موفق می شود و کسی که اطاعت نمی کند شکست می خورد؟ اطاعت کردن چه تفاوتی در ثابت قدم ماندن فرد در ایمان ایجاد می کند؟

۱۵ مه

سه شنبه

«مکروه ویرانی»

مسیح در مبحث بزرگ خویش در مورد پایان زمان، به «مکروه ویرانی» (متی باب ۲۴ آیه ۱۵)، تصویری از کتاب دانیال (دانیال باب ۹ آیه ۲۷، باب ۱۱ آیه ۳۱، باب ۱۲ آیه ۱۱) اشاره می کند. خدا چیزی را «مکروه» اعلام نمود که نقض جدی از احکام او بود. مانند بت پرستی (تثنیه باب ۲۷ آیه ۱۵) یا اعمال جنسی غیر اخلاقی (لاویان باب ۱۸ آیه ۲۲). از این رو، این «مکروه ویرانی» شامل نوعی ارتداد مذهبی می شد.

متی باب ۲۴ آیه ۱۵ و لوقا باب ۲۱ آیه ۲۰ را بخوانید. این آیات چگونه به ما در درک بهتر آنچه عیسی درباره «مکروه ویرانی» می گفت، کمک می کنند؟

این دو آیه مشخص می کنند که پیشگویی عیسی در مفهومی بی درنگ تر، شامل نابودی وحشتناکی که در سال ۷۰ پس از میلاد مسیح گریبان اورشلیم را خواهد گرفت، زمانی که نه تنها شهر رم بلکه معبد مقدس آن نیز نابود خواهد شد، می باشد. هر چند، دومین تحقق از این پیشگویی نیز وجود دارد که در آن، وقایع نزدیک تر از جمله نابودی اورشلیم به عنوان نمادی از آینده و وقایع پایان زمان بودند. «مسیح در اورشلیم نمادی از جهان سخت دل شده در کفر و عصیان دید و شتافت تا پاسخگوی داوری کیفری خدا باشد.»

— الن جی. وایت، Ellen G. White, *The Great Controversy*, pp. 22, 23

در دانیال باب ۱۲ آیه ۱۱ و باب ۱۱ آیه ۳۱، «مکروه ویرانی» در ارتباط با مرحله دوم روم، مرحله پاپ نمایان می شود که در آن یک نظام جایگزین میانجیگری و نجات بوجود آمده است، نظامی که به دنبال غصب کردن آنچه مسیح برای ما انجام داده است و اکنون در معبد آسمانی انجام می دهد، می باشد.

متون دانیال باب ۸ بویژه آیات ۹ تا ۱۲ کمک می کنند تا پازل این وقایع در بافت تاریخی، با قدرت دو فازه رومی چیده شوند. فاز اول دیده شده در گسترش افقی سریع شاخ کوچک (دانیال باب ۸ آیه ۹)، امپراتوری بت پرست عظیم روم را نشان می دهد. در فاز دوم (دانیال باب ۸ آیات ۱۰ تا ۱۲)، شاخ کوچک بطور عمودی رشد می کند، چند ستاره را از بین می برد (جفای قوم خدا) و خود را به عنوان «فرمانده قوای آسمانی» یعنی عیسی جا می زند (دانیال باب ۸ آیه ۱۱). این نشان دهنده فاز پاپ است که از سقوط امپراتوری بت پرست روم بوجود آمد اما همچنان روم می باشد. (به این دلیل است که یک نماد، شاخ کوچک نماینده هر دو فاز یک قدرت می باشد.) داوری در دانیال باب ۷ آیات ۹ و ۱۰، تطهیر معبد در دانیال باب ۸ آیه ۱۴ و نشانه ها در آسمان ها در متی باب ۲۴ آیه ۲۹ همگی اشاره به پا در میانی خدا برای قومش در روزهای پایانی دارند.

مه ۱۶

چهارشنبه

ده باکره

عیسی پس از سخنانش در باب ۲۴ متی در مورد نشانه های آمدنش، او در باب ۲۵ متی درباره نحوه آمادگی برای آن می گوید.

متی باب ۲۵ آیات ۱ تا ۱۳، تمثیل ده باکره را بخوانید. عیسی در اینجا چه چیزی می گوید که باید به ما در درک نحوه آماده شدنمان برای بازگشت او کمک کند؟

عیسی این مرحله از سخنانش را با صحبت کردن در مورد ده باکره آغاز می کند. «باکره» نامیده شدن اشاره به این داشت که آنها نشان دهنده کسانی بودند که ادعای مسیحی بودن می کردند. آنها در نبرد بزرگ، در طرف شیطان نبودند. آنها به ملکوت آسمان تشبیه شده اند (متی باب ۲۵ آیه ۱). اما در پایان زمان، آنها همه خواب خواهند بود (متی باب ۲۵ آیه ۵). مسیح پیش از آن در مورد نگه داشتن زمان (متی باب ۲۴ آیه ۴۲) یا هوشیار بودن که در زمان بازگشت او آماده باشند، هشدار داده بود. هر ده باکره مشعل داشتند و همگی برای استقبال از داماد بیرون رفتند، که بدین معنی است که همه منتظر آمدن او بودند. تأخیری وجود داشت و همه این ایمانداران در انتظار آمدن او به خواب رفتند. ناگهان، در تاریکی شب، همگی بیدار شدند: داماد داشت می آمد (متی باب ۲۵ آیات ۱ تا ۶).

باکره های نادان مهیوت و آماده نبودند. چرا؟ یک نسخه می گوید، «مشعل های ما خاموش شده اند» (متی باب ۲۵ آیه ۸). نسخه های دیگر، درست در مقایسه با اصل

یونانی، می گویند که مشعل ها «در حال خاموش شدن» هستند. همچنان شعله کمی سوسو می کرد. آنها همچنان کمی روغن داشتند اما برای آماده شدن برای ملاقات با مسیح کافی نبود.

پس مشکل چیست؟

این باکره ها نشان دهنده مسیحیانی هستند که منتظر بازگشت مسیح می باشند اما تجربه ای سطحی با او دارند. آنها مقداری روغن دارند، کمی کار روح القدس در زندگیشان، اما صرفاً سوسو می زند؛ آنها زمانی که به بیشتر نیاز داشتند، به کم راضی بودند.

«روح القدس مطابق با تمایل و رضایت انسان بر قلب او کار می کند و طبیعتی جدید در او بوجود می آورد؛ اما طبقه نشان داده شده بوسیله باکره های نادان با کار سطحی راضی بوده اند. آنها خدا را نمی شناسند. آنها شخصیت او را مطالعه نکرده اند؛ با او صمیمیت و همدلی برقرار نکرده اند؛ بنابراین، نمی دانند چگونه اطمینان، توجه و زندگی کنند. خدمت ایشان برای خدا به یک گونه انحطاط یافته است.» — الن جی. وایت،

Ellen G. White, *Christ's Object lessons*, p. 411

به چه روش هایی می توانیم به خود نگاه کنیم و مطمئن باشیم همان اشتباهی که این مردم انجام دادند را مرتکب نمی شویم؟ اگر خودمان را در این نقش ببینیم، چگونه می توانیم تغییر کنیم؟

مه ۱۷

پنجشنبه

استفاده از استعدادهایتان

متی باب ۲۵ آیات ۱۳ تا ۳۰ را بخوانید. استفاده از استعدادهایمان چه نقشی در آماده نمودن ما برای بازگشت مسیح دارد؟

اگر چه عیسی در اینجا تمثیلی متفاوت با آنچه قبلاً گفته بود، بیان نمود اما هر دو در مورد آماده بودن برای بازگشت مسیح صحبت می کنند. هر دو مربوط به کسانی هستند آماده بودند و کسانی که آماده نبودند. و هر دو سرنوشت کسانی که از طریق بی توجهی روحانی خود، با نابودی ابدی روبرو شدند را نشان می دهند.

درست همانطور که روغن نشان دهنده روح القدس برای ده باکره است، «کیسه» یا «کیسه های طلا» (متی باب ۲۵ آیه ۱۵) نشان دهنده استعداد ها می باشند که در زبان اصلی واژه یونانی (talanta) است. «استعداد ها نشان دهنده عطایای ویژه روح با تمام موهبت های طبیعی هستند.» — *The SDA Bible Commentary*, vol. 5, p. 510

تمام خدمتگزاران در تمثیل از ارباب هایشان متاعی دریافت کرده بودند. همچنین توجه کنید آنها متاع اربابان بودند (متی باب ۲۵ آیه ۱۴) که به آنها «هر کدام بر اساس توانایی ایشان» (متی باب ۲۵ آیه ۱۵) به ایشان سپرده شده بودند. هدایا در اعتماد به آنها داده شده بود؛ در معنای واقعی، این خدمت گزاران مباشرین آنچه مالک آن نبودند اما مسئولیت آن را داشتند، بودند. به این دلیل است که زمانی که ارباب بازگشت «از ایشان حساب خواست» (متی باب ۲۵ آیه ۱۹).

عطایای روحانی از طرف روح القدس می آیند (اول قرنیتیان باب ۱۲ آیات ۱ تا ۱۱، ۲۸ تا ۳۱ و افسسیان باب ۴ آیه ۱۱ را ببینید). خبری خوبی برای کسانی که فکر می کنند کمترین عطایا را دارند، وجود دارد. عطایا هرگز بدون عطا کننده آن دریافت نمی شوند. بنابراین، این افراد عطایای خود را با دریافت بزرگترین محبت بدست آورده اند یعنی روح القدس. عطایا پیش از این در مسیح به ما تعلق دارند اما مالکیت کنونی ما بستگی به پذیرش روح القدس و تسلیم به او شدن دارد. اینجا جایی است که خدمت گزار بی ثمر اشتباه کرد! به او موهبتی داده شده بود اما با آن کاری نکرد. او موهبت خود را اصلاح نشده باقی گذاشت. او برای گرفتن آنچه که با لطف به او داده شده بود تلاشی نکرد و کاری با آن انجام نداد. در نتیجه عیسی او را فرد «بدکار و کاهل» نامید (متی باب ۲۵ آیه ۲۶) — یک محکومیت قدرتمند.

عیسی این تمثیل را در زمینه روزهای پایانی و بازگشتش بیان نمود. نحوه استفاده از استعداد هایمان برای آماده بودن در روزهای پایانی که بسیار ختیر می باشد، چه چیزی به ما تعلیم می دهد؟

مه ۱۸

جمعه

تفکری فراتر: «اما آنکه یک سکه گرفته بود، رفته زمین را کند و نقد آقای خود را پنهان نمود»
«او یکی از افراد با کوچکترین موهبت بود که سرمایه خود را دست نخورده باقی گذاشت. در اینجا هشداری وجود دارد برای تمام کسانی که احساس می کنند کوچکی موهبتشان آنها را از خدمت مسیح باز می دارد. اگر آنها می توانستند کار بزرگی انجام دهند، بسیار با خوشحالی آن را بر عهده می گرفتند؛ اما از آنجایی که آنها فقط می توانند در چیزهای کوچک خدمت کنند، فکر می کنند در انجام ندادن هیچ کاری بهانه دارند. آنها در این باره گمراه هستند. خداوند در توزیع عطایا شخصیت ها را امتحان می کند. مردی که از ارتقای استعداد خود غفلت نمود، خود را به عنوان یک خدمتگزار بی وفا اثبات نمود. اگر او پنج استعداد دریافت نموده بود، مانند همین یکی، همه آنها را به خاک سپرده بود. سوء استفاده او از یک استعداد نشان داد که او موهبت های آسمانی را خوار می شمارد.»

«کسی که در امور کوچک درستکار باشد، در کارهای بزرگ هم درستکار خواهد بود.» لوقا باب ۱۶ آیه ۱۰. اهمیت امور کوچک اغلب دست کم گرفته می شود زیرا کوچک هستند؛ اما آنها بخش بزرگی از ترتیب واقعی زندگی را تأمین می کنند. در واقع هیچ چیز غیرضروری در زندگی مسیحی وجود ندارد. اگر ما اهمیت امور کوچک را دست کم بگیریم، شخصیت سازی ما پر از خطر خواهد بود.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, *Christ's Object Lessons*, p. 356

سوالاتی برای بحث

۱. برخی از ایدئولوژی ها و آرمان هایی که مردم معتقد بوده اند منجر به ایجاد مدینه فاضله بر روی زمین خواهد شد، کدامند و چرا همه آنها بدون استثنا شکست خورده اند؟

۲. چه چیزی در مورد اطاعت از آنچه خدا به ما می خواهد انجام دهیم وجود دارد که ایمان ما را قوی می کند؟ یعنی، چرا ایمان بدون اعمال مربوطه «مرده» است (یعقوب باب ۲ آیه ۲۶)؟ با در نظر گرفتن نوع سختی هایی که در انتظار کسانی که «فرمان های خدا را نگه می دارند» (مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۱۲) وجود دارد، چرا اکنون برای ما بسیار مهم است که برای چیزی که کمتر انتظارش را داریم، آماده باشیم؟

۳. بیشتر درباره ده باکره بیاندهشید. چرا داستان ایشان باید هشدار برای ما باشد که در سطح و به روش های بسیاری، همه آنها مانند هم نگاه و رفتار کردند؟ ما چگونه می توانیم اطمینان یابیم که مانند آن نادان ها خود را فریب نداده باشیم؟

۴. مفهوم اینکه در صورت امکان حتی «برگزیده» نیز می تواند فریب بخورد، چیست؟ درک ما از «برگزیده» چه می باشد؟ (متی باب ۲۴ آیه ۳۱، رومیان باب ۸ آیه ۳۳ و کولسیان باب ۳ آیه ۱۲ را ببینید.) این چه چیزی درباره بزرگی فریب ها به ما می گوید؟



یک بازدید، ۹ غسل تعمید

توسط یولاندا مارتینز سانتوس

شوهر اریکا از اینکه همسرش و من در خانه ایشان در ایالت کالیفرنیا کتاب مقدس مطالعه می‌کنیم، خوشحال بنظر نمی‌رسید. شوهرش که عضو یک فرقه مذهبی دیگر بود، وارد جلسه دوم مطالعه کتاب مقدس ما شد. او یک مرد درشت هیكل است و من احساس ترس کردم.

من دستم را دراز کردم و گفتم، «اسم من یولاندا مارتینز سانتوس است و من عضو کلیسای ادونتیست روز هفتم هستم.»

من اولین بار دو هفته پیش به عنوان دانش آموز سولز وست، مدرسه بشارتی در آریزونا زیر نظر مجمع پسیفیک کلیسای ادونتیست، در اتاق اریکا را زدم. در سال ۲۰۱۳، یک بشارت دهنده جوان در برنامه تابستانی فشرده جوانان در اتاق مرا زد و باعث شد من به کلیسای ادونتیست بپیوندم، و من اکنون تصمیم داشتم به درب منازل رفته و به درخواست یک کلیسای محلی، مطالبی ارائه دهم.

با وجود تعجب من، شوهر اریکا از من نخواست که آن‌جا را ترک کنم. اما اریکا بعدها به من گفت که شوهرش ناراضی بود. اریکا و من دعا کردیم که همسرش اجازه دهد که کتاب مقدس را مطالعه کنیم — و اینکه او نیز به ما بپیوندد.

در شگفتی، همسرش در جلسه بعدی ما شرکت کرد. او همچنین اعلام نمود که هر هفته با ما مطالعه خواهد کرد.

مدت کوتاهی پس از آن، اریکا برادرش را به جلسات مطالعه کتابی مقدس ما دعوت کرد و او مشتاقانه پذیرفت. سپس پسر ۱۳ ساله اریکا درخواست نمود که او نیز در جلسات مطالعه شرکت کند.

چنانچه جلسات مطالعه کتاب مقدس ادامه پیدا می‌یافت، اریکا شروع به در میان گذاشتن آنچه آموخته بود با خواهرش که در شهری دیگر زندگی می‌کند، نمود. خواهرش می‌خواست که بیشتر بداند، بنابراین به یک کلیسای

ادونتیست محلی مراجعه کرد و مطالعه کتاب مقدس را با ایشان آغاز کرد. شوهر و مادر شوهرش نیز به او پیوستند.

این تمام ماجرا نیست. اریکا من را به والدینش معرفی نمود و آن‌ها به من گفتند که اریکا فرد متفاوتی شده بود. آن‌ها گفتند آنچه که او داشت را می‌خواستند. من گفتم، «چیزی که شما کم دارید، عیسی است.»

والدینش مطالعه کتاب مقدس را با ما شروع کردند.

دشوار است باور کنیم که تنها در زدن یک خادم کتاب مقدس اکنون منتهی به نُه تعمیم شده است: اریکا، پسرش، برادرش، مادرش، پدرش، خواهرش، برادر شوهرش و مادر شوهر خواهرش حتی همسایه اریکا نیز تعمیم داده شد.

در مورد همسر اریکا، او اکنون در یک کلیسای ادونتیست محلی به طور مرتب حضور می‌یابد.

اریکا بعدها به من گفت که وقتی در اتاقش را برای اولین بار زدم، یک ماه بود که دعا می‌کرد خدا وجودش را به وی اثبات کند و کلیسای حقیقی را برایش آشکار سازد.

اریکا گفت، «اگر تو هیچ وقت در اتاق مرا نمی‌زدی، هیچ کدام از این اتفاق‌ها نمی‌افتاد. خدایا، تو درخواست مرا پاسخ دادی!»

یولاندا مارتینز سانتوس خادم کتاب مقدس در کالیفرنیا می‌باشد.

پرستش خالق



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیات ۶ و ۷؛ متی باب ۲۴ آیه ۱۴؛ غلاطیان باب ۳ آیه ۲۲؛ لوقا باب ۲۳ آیات ۳۲ تا ۴۳؛ پیدایش باب ۲۲ آیه ۱۲؛ مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیات ۸ تا ۱۲.

آیه حفظی: «و فرشته‌ای دیگر را دیدم که در وسط آسمان پرواز می‌کند و انجیل جاودانی را دارد تا ساکنان زمین را از هر امت و قبیله و زبان و قوم بشارت دهد» (مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۶).

ما به عنوان مسیحیان ادونتیست روز هفتم، مفهوم کتاب مقدسی «حقیقت حاضر» (دوم پطرس باب ۱ آیه ۱۲) را باور داریم. در واقع این ایده است که خدا در زمان نیاز حقیقت را برای بشر آشکار می‌سازد که در طول قرن‌ها، توسط خداوند نور بیشتری می‌یابد. اولین وعده انجیل در پیدایش باب ۳ آیه ۱۵ بر جفت سقوط کرده‌ای نمایان شد که امید بود از ذریت زن بیاید. وعده به ابراهیم که «نسل او یک قوم بزرگ و قوی خواهد شد و به وسیله او همه امت‌ها برکت خواهند یافت» (پیدایش باب ۱۸ آیه ۱۸)، مکاشفه‌ای کامل‌تر از وعده انجیل است. آمدن عیسی، کسی که اعلام نمود «پسر انسان نیامده است تا مخدوم شود بلکه تا به دیگران خدمت کند و جان خود را در راه بسیاری فدا سازد» (مرقس باب ۱۰ آیه ۴۵) مطمئناً مکاشفه‌ای بزرگ‌تر از حقیقت انجیل است.

امروزه ما باور داریم که پیام سه فرشته در مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیات ۶ تا ۱۲، «حقیقت حاضر» برای کسانی است که در روزهای پایانی قبل از بازگشت مسیح زندگی می‌کنند، و همچنین تحقق تمام امیدهای ما مسیحیان می‌باشد.

این هفته بطور ویژه بر پیام فرشته اول تمرکز خواهیم نمود، زیرا شامل حقایق حیاتی برای کسانی که بدنبال وفادار ماندن در میان خطرات پایان جهان هستند، می‌باشد.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۶ مه آماده شوید.

جهانشمولی انجیل

مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۶، متی باب ۲۴ آیه ۱۴ و باب ۲۸ آیه ۱۹ را بخوانید. موضوع مشابه در این آیات چیست؟ چگونه این آیات با هم به ما در درک میزان اهمیت بشارت و شهادت دادن در هدفمان به عنوان کلیسا کمک می کنند؟

در یک مفهوم، می توان گفت که پیام فرشته اول مأموریت بزرگ (متی باب ۲۸ آیه ۱۹) است که اکنون در زمینه روزهای پایانی داده شده است. این در واقع «حقیقت حاضر» می باشد.

توجه کنید که هر سه آیه بر بشارت دادن به همه جهان، «همه ملت ها» و «هر ملت، قبیله، زبان و قوم» تأکید دارند. به عبارت دیگر، حوزه این پیام، جهانی می باشد. همه افراد باید آن را بشنوند.

غلاطیان باب ۳ آیه ۲۲ را بخوانید. این آیه چه چیزی می گوید که به ما در درک اینکه چرا تمام جهان باید انجیل را بشنوند، کمک می کند؟

جهانشمولی گناه، جهانشمولی مأموریت و فراخوان ما را توضیح می دهد. «هر ملت، قبیله، زبان و قوم» اشتباه کرده اند، از شریعت خدا تخلف نموده اند و «تحت گناه محدود شده اند». سقوط آدم در عدن بر همه انسان ها تأثیر گذاشته است؛ هیچ ملت، قبیله یا قومی از آن مصون نبوده است. همه ما با عواقب بی درنگ گناه مواجه هستیم و در صورتی که علاجی فراهم نمی شد، همه ما با نتیجه نهایی یعنی مرگ ابدی روبرو بودیم. البته علاج فراهم شده است: زندگی، مرگ، رستخیز و خدمت قدس آسمانی عیسی که تنها چاره مشکل گناه است. همه باید امید بزرگ آنچه خدا در عیسی مسیح به ایشان وعده داده است را بشناسند. به این دلیل است که ادونتیست های روز هفتم بدنبال رساندن پیام عیسی به کسانی که هنوز آن را نشنیده اند، به سرتاسر جهان رفته اند.

چرا رساندن پیام انجیل به دیگران، برای کسانی که آن را انجام می دهند، از نظر روحانی بسیار مفید است؟ یعنی، چرا بشارت دادن به دیگران، یکی از بهترین روش های آماده شدن برای آمدن عیسی می باشد؟

دزد بر روی صلیب و «انجیل جاودان»

در مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۶، پیامی که باید به جهانیان رسانده شود، «انجیل جاودان» است. این پیامی از امید برای مردم جهانی است که به خودی خود هیچ امیدی ارائه نمی دهد.

لوقا باب ۲۳ آیات ۳۲ تا ۴۳ را بخوانید. این داستان چگونه امید بزرگ «انجیل جاودان» را برای همه گناهکاران نمایان می سازد؟

الن جی. وایت با نوشتن در مورد دزد، گفت که اگر چه او مجرمی سخت دل نبود، «بدنبال فرونشاندن عقیده» در مورد عیسی بود و در نتیجه «عمیق تر در گناه فرو رفته بود تا دستگیر، به عنوان مجرم مجازات و به مرگ بر روی صلیب محکوم شد.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, *The Desire of Ages*, p. 749

با این وجود، چه اتفاقی برای او افتاد؟ همانطور که بر روی صلیب آویخته بود، سریعاً عیسی را شناخت و در نتیجه فریاد برآورد: «ای خداوند، مرا به یاد آور هنگامی که به ملکوت خود آبی» (لوقا باب ۲۳ آیه ۴۲).

و عیسی چگونه پاسخ داد؟ آیا گفت: خوب دوست من، من می خواهم به تو کمک کنم، اما تو نباید با فرو رفتن هر چه بیشتر در گناه، اعتقادات خود را فرو می نشاندی؟ عیسی یکی از موعظه های قبلی خود را بیان کرد: «تا عدالت شما بر عدالت کاتبان و فریسیان افزون نشود، به ملکوت آسمان هرگز داخل نخواهید شد» (متی باب ۵ آیه ۲۰)؟ آیا عیسی به نوعی اشتباهات گذشته دزد را بیان نمود؟

خیر. در عوض عیسی با شخصیتی مقصر که چیزی در زمینه عدالت برای ارائه نداشت و قبلاً او را لعن می نمود، به این مجرم و دزد رو نمود (متی ۲۷ آیه ۴۴). عیسی با نگاه کردن به او به عنوان انسانی جدید، (در واقع) گفت: من اکنون به تو می گویم که به تو اطمینان می دهم که گناهت، جرمت و خطاهایت بخشیده شدند، و از این رو، «تو با من در بهشت خواهی بود» (لوقا باب ۲۳ آیه ۴۳).

این «انجیل جاودان»، اساس پیام فرشته اول است. بدون این حقیقت، هیچ چیز دیگری که در مورد شریعت تعلیم می دهیم، یعنی سبت یا وضعیت مردگان اهمیتی ندارد. این تعلیمات بدون «انجیل جاودان» در مرکزشان چه سودی دارند؟

شما از این روایت چه امیدی برای خود می توانید دریافت کنید؟

از خدا بترسید و او را جلال دهید

پیام فرشته اول پس از صحبت کردن درباره انتشار «انجیل جاودان» به تمام جهان، سپس آن را گسترش می دهد. ما همانطور که «انجیل جاودان» را انتشار می دهیم، باید حقایقی را که بخشی از این پیام انجیل برای این زمان هستند را نیز در آن بگنجانیم. به عبارت دیگر، «حقیقت حاضر» برای روزهای پایانی همچنین شامل مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۷ می شود.

مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۷ را بخوانید. ترسیدن از خدا و جلال دادن به او به چه معناست؟ ما چگونه باید این کار را انجام دهیم؟ این مفاهیم چگونه با انجیل متناسب می شوند؟

ترسیدن از خدا و جلال دادن به او مفاهیمی نا مربوط به هم نیستند. اگر ما واقعاً در مفهوم وابسته به کتاب مقدس از خدا بترسیم، او را جلال خواهیم داد. هر کدام باید مستقیماً به ختم شود.

آیات زیر را بخوانید. آنها چگونه به ما در درک معنای «ترسیدن از خدا» و نحوه ارتباطش با جلال دادن به او کمک می کنند؟ پیدایش باب ۲۲ آیه ۱۲، خروج باب ۲۰ آیه ۲۰، ایوب باب ۱ آیه ۹، جامعه باب ۱۲ آیه ۱۳، متی باب ۵ آیه ۱۶.

در آیات بالا، ایده ترسیدن از خدا با اطاعت کردن از او مرتبط بود و هنگامی که ما از خدا اطاعت کنیم، وقتی کاری که درست است را انجام دهیم، او را جلال داده ایم. اگر چه اغلب گفته می شود که ترسیدن از خدا باید در هیبت او و در احترام به او باشد، اما باید از آن عمیق تر باشد. به ما گفته شده است از خدا بترسیم. ما سقوط کرده ایم. ما گناهکاریم. ما موجوداتی سزاوار مرگ می باشیم. چه کسی در زمان هایی با وحشت از درک شرارت اعمالشان و آنچه در دستان خدایی عادل و صالح برای آن اعمال سزاوارش هستند، روبرو نشده است؟ این ترس از خدا می باشد. و این ترسی است که ابتدا ما را برای بخشش به صلیب و دوم به مطالبه قدرت خدا برای پاک شدن از آن شرارت هدایت می کند، که اگر برای صلیب نبود، باعث میشد روح خود را از دست بدهیم (متی باب ۱۰ آیه ۲۸).

تجربه شما از ترسیدن از خدا چه بوده است؟ چگونه میزان مناسبی از این ترس می تواند از نظر روحانی برای ما خوب باشد و به ما برای جدی تر گرفتن ایمانمان و آنچه خدا از ما می خواهد، کمک می کند؟

ساعت داوری او فرا رسیده است

در پیام فرشته اول، ایده ترسیدن از خدا و جلال دادن به او به داوری ارتباط داده شده است (مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۷). اگر کتاب مقدس درباره آموزه ای شفاف باشد، واضح است که خدا خدای عدالت و داوری است. روزی در نهایت داوری و عدالتی که در این جهان وجود ندارد، واقعاً خواهد آمد.

پس جای تعجب نیست که مردم باید از خدا بترسند.

و به این دلیل است که «انجیل جاودان» همچنین شامل واقعیت داوری نیز می شود. رابطه میان این دو عنصر چیست؟ اگر انجیل به معنی «خبر خوش» است، به این معناست که اگر چه ما همه گناهکاریم و شریعت خدا را شکسته ایم، وقتی روز داوری بیاید، ما نیز مانند دزد بر روی صلیب، با مجازات و جریمه ای که بدلیل گناه و تخطی از احکام سزاورش هستیم، روبرو نخواهیم شد.

آیات زیر را بخوانید و از خود پرسید، من تا چه حد بخوبی در شایستگی های خود خواهم ایستاد؟ متی باب ۱۲ آیه ۳۶، جامعه باب ۱۲ آیه ۱۴، رومیان باب ۲ آیه ۶، اول قرنتیان باب ۴ آیه ۵.

خدایی که تعداد موهای سر ما را می داند، این جهان را داوری خواهد کرد. اما این دقیقاً به همین دلیل است که «انجیل جاودان» چنین خبر خوبی می باشد. داوری می آید، اما «هیچ محکومیتی» برای پیروان وفادار عیسی که در نام خداوند عیسی، کسانی که شسته، تقدیس و عادل شده اند وجود ندارد (اول قرنتیان باب ۶ آیه ۱۱ را ببینید)، زیرا عیسی مسیح عدالت آنهاست و عدالت او چیزی است که به آنها در آن داوری کمک می کند.

«انسان می تواند خود با این اتهامات روبرو شود. او در جامه گناه آلود خود و معترف به گناه، در برابر خدا قرار می گیرد. اما عیسی وکیل ما، دادخواستی مؤثر از طرف کسانی که با توبه و ایمان روح خود را تسلیم او نموده اند، ارائه می دهد. او برای انگیزه ایشان دادخواست می دهد و مدعیان آنها را با برهان قدرتمند جلجتا مغلوب می سازد. اطاعت کامل او از شریعت خدا حتی تا سر حد مرگ بر روی صلیب، تمام قدرت آسمان و زمین را به او داده است و او از پدرش رحمت و مصالحه برای بشر خطا کار می طلبد.» — الن

جی. وایت، *Testimonies for the Church*, vol. 5, p. 471

واقعیت داوری چه چیزی درباره نیاز مطلق ما به بخشش تعلیم می دهد؟ چگونه می توانید بیاموزید که آن نوع رحمت و بخششی که خدا از طریق عیسی به ما ارائه می دهد را به دیگرانی که اشتباه کرده اند، بدهید؟

۲۴ مه

پنجشنبه

کسی را پرستش کنید که آسمان‌ها و زمین را خلق نمود

بار دیگر مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیات ۶ و ۷ را بخوانید. عناصر خاص موجود در پیام فرشته اول چه هستند و چگونه به یکدیگر مرتبط می شوند؟

همراه با انجیل، فراخوان شهادت دادن به جهان و ترس از خدا و جلال بخشیدن به او، فراخوانده شدن به عبادت خدا به عنوان خالق می آید. و هیچ تعجبی ندارد. تمام این جنبه های دیگر این «حقیقت حاضر» — انجیل جاودان، فراخوانده شدن به شهادت دادن از داوری — به دور از خدا به عنوان خالق ما چه معنایی دارند؟ این حقایق و دیگر حقایق از حقیقت بنیادین خداوند به عنوان کسی که همه چیز را آفریده است، می آیند. ما با پرستش خداوند به عنوان خالق به اصول باز می گردیم. ما به اساس مفهوم انسان بودن و زنده بودن و متفاوت از سایر مخلوقات زمینی بودن و بوجود آمده در تصویر خدا بر می گردیم. ما با پرستش خداوند به عنوان خالق، وابستگی خود به او برای وجودمان و امیدمان به آینده را تصدیق می کنیم. به این دلیل است که نگه داشتن روز هفتم سبت بسیار مهم می باشد. این یک اذعان خاص است که خدا تنها خالق ماست و ما فقط او را پرستش می کنیم. یعنی، همراه با انجیل، همراه با داوری، فراخوانده شدن به پرستش خداوند به عنوان خالق در اینجا برجسته شده است.

مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیات ۸ تا ۱۱ را بخوانید. این آیات چه چیزی می گویند که می تواند به ما در درک اهمیت پرستش خداوند به عنوان خالق کمک کند؟

همچنان که وقایع پایانی آشکار می شوند فشار و تحمیل برای عبادت وحش و تصویر او بجای خالق سرتاسر جهان را خواهد گرفت. اگر ما هشدار مهیب در مورد سرنوشت کسانی

که وحش و تصویر او را پرستش می کنند، در نظر بگیریم، می توانیم تأکید بر پرستش خدا به عنوان خالق و تنها کسی که ارزش پرستش را دارد، بهتر درک کنیم. این حقیقت در بحران نهایی از همیشه حیاتی تر خواهد شد.

زمانی به فکر کردن به شگفتی های باور نکردنی جهان خلق شده اختصاص دهید. آنها چه چیزی می توانند درباره کسی که تمام آن را خلق نمود و اینکه چرا تنها او شایسته پرستش است، به ما بیاموزند؟

۲۵ مه

جمعه

تفکری فراتر: دانش آموزان کتاب مقدس برای مدت طولانی ارتباط میان فراخوانده شدن در مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۷ با «پرستش او که آسمان و زمین دریا و چشمه های آب را خلق نمود» و فرمان چهارم در خروج باب ۲۰ آیه ۱۱ را یافته اند، وقتی که سبت به این واقعیت اشاره دارد که «در شش روز خداوند آسمان و زمین و دریا و آنچه را که در آنهاست بساخت». با وجود ارتباط نزدیک زبانی، تغییری وجود دارد که در آن آیه مکاشفه یوحنا به خداوند به عنوان کسی که «چشمه های آب» را بوجود آورد، اشاره دارد.

جان بالدوین، نویسنده، (John Baldwin) چنین استدلال می کند: «به فرض اینکه الوهیت عمداً در قفای عبارت 'چشمه های آب' نهفته است، چرا عیسی از پیام آورنده خواست که شباهت موارد اشاره شده در خروج باب ۲۰ آیه ۱۱ را بشکند؟ چرا فرشته به 'چشمه های آب' و نه انواع دیگر خلقت از جمله درختان، پرندگان، ماهی ها یا کوهستان ها اشاره می کند؟

«شاید اشاره به 'چشمه های آب' در زمینه اعلام الهی رسیدن یک زمان داوری الهی منحصر به فرد برای معطوف ساختن توجه خوانندگان به دوره پیشین داوری الهی باشد... شاید خدا در نظر دارد که اشاره ممکن به سیل با کلمات 'چشمه های آب'، تأکیدی باشد بر این حقیقت که او در واقع خدای داوری و همچنین خدای وفاداری و رحمت ابدی (هر دو شواهدی در روایت سیل پیدایش بودند)، می باشد. در این صورت، دلالت های شخصی و روحانی بر طوفان بر آمده از عبارت 'چشمه های آب' شاید برای تشویق خواننده به جدی گرفتن رسیدن خطیر روند جدید پایان جهان از داوری الهی فردی که اکنون توسط پیام رسان اول در باب ۱۴ مکاشفه یوحنا اعلام شد.»

— John Baldwin, ed., *Creation, Catastrophe and Calvary: Why a Global Flood Is Vital to the Doctrine of Atonement* (Hagerstown, Md.: Review and Herald® Publishing Association, 2000), p. 27



چرا من برای پناهندگان زندگی می کنم

توسط تری سائلی

چندین دانش آموز در پایان سومین سال تدریس انگلیسی من در کمپ ۵۰۰۰۰ نفری پناهندگان در تایلند آماده برای تعمیم گرفتن شدند. اما شبان ادونتیست روز هفتم به من گفت که دانش آموزان مردد بودند. آن‌ها می ترسیدند که مسیحی شوند و مبلغان پیش از اینکه آن‌ها مسیحیت را به اندازه کافی برای داشتن زندگی مسیحی واقعی درک کنند، آنجا را ترک کنند. زمانی که شبان این موضوع را با من در میان گذاشت، نمی دانستم چه کاری انجام بدهم. من تصمیم داشتم پس از اتمام سه سال خدمت به عنوان دانش آموز مبلغ به خانه در ایالت نبراسکا آمریکا برگردم. مادرم منتظر بود مرا ببیند. اما هدف اصلی من نجات انسان‌ها بود. پس شروع به دعا کردن نمودم، «خداوندا من باید چکار کنم؟»

سپس در حین دعای صبحگاهی، چنین چیزی را خواندم: «هدف خدا در اولویت قرار داشتن در برنامه‌ها و عواطف ما می باشد» (Counsels on Stewardship, p. 220)

من فکر کردم، «این متن درست اشاره به من دارد.» من می خواستم کالج را به پایان برسانم، حرفه‌ای داشته باشم و تشکیل خانواده بدهم. اما مانند این بود که خدا می گفت، «تری، این راهنمایی است که منتظرش بودی. خدا باید در برنامه‌ها و عواطف در اولویت باشد.»

من تصمیم گرفتم که اولین مسئولیتم در قبال خانواده‌ام است. اما خانواده من خدا را می شناختند. بنابراین، تصمیم گرفتم با مادرم تماس بگیرم و از او مشورت بخواهم.

۳۵ کیلومتر برای یافتن نزدیکترین اداره پست دارای تلفن عمومی رفتم. تماس را به گونه‌ای گرفتم که مادرم هزینه‌اش را پرداخت کند، زیرا هیچ پولی نداشتم. می دانستم گران بود.

از مادرم پرسیدم، «درباره اینکه یک سال بیشتر یا برای همیشه اینجا بمانم چه نظری داری؟»

پاسخش سریع بود. او گفت، «تری، من هرگز به تو نخواهم گفت به خانه برگرد. اگر به تو بگویم برگردی و حتی یک نفر شانس شنیدن انجیل را از دست بدهد، تا ابدیت پشیمان خواهم بود. اما اگر می‌گویی که می‌توانی حتی به یک نفر کمک کنی که خدا را بشناسد و در ملکوت باشد، ارزشش را خواهد داشت حتی اگر من هرگز نتوانم دیگر تو را ببینم.» همانطور که در اداره پست نشسته بودم، اشک از چشمانم جاری شد. خدا را برای داشتن مادری که پر از محبت بود، شکر کردم. مادرم می‌خواست مرا ببیند، اما پیش از آن در قلبش فداکاری کرده بود. نجات انسان‌ها چنان برایش مهم بود که حاضر بود پسرش را هرگز دیگر نبیند.

تری سیلی مدیر خدمات ادونتیست پناهندگان و مهاجرین بخش آمریکای شمالی است که با هدایای سبت سیزدهم سال ۲۰۱۱ ایجاد شد. تحت رهبری او، بیش از ۱۴۰ کلیسای جدید متشکل از پناهندگان در سرتاسر آمریکای شمالی تأسیس شده است.

فریب‌های پایان جهان



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: مکاشفه یوحنا باب ۲ آیات ۱۳ و ۲۴؛ دوم قرن‌تین باب ۱۱ آیات ۱۳ تا ۱۵؛ مزامیر باب ۱۴۶ آیه ۴؛ پیدایش باب ۱ تا باب ۲ آیه ۳؛ مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیات ۱ تا ۱۷.

آیه حفظی: «این اژدهای بزرگ یعنی آن مار قدیمی که اسمش ابلیس یا شیطان است و همان کسی است که تمام مردم دنیا را فریب می دهد با تمام دار و دسته اش بر زمین افکنده شد» (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۹).

شیطان حتی در آسمان پیش از اخراج، در تلاش برای فریب فرشتگان بود. «لوسیفر با ترک جایگاهش در حضور خداوند، در تلاش برای انتشار روح نارضایتی در میان فرشتگان بود. او که با پنهان کاری مرموز کار می کرد و برای زمانی هدف واقعی خود را پشت یک ظاهر دارای احترام برای خدا مخفی نمود، تلاش نمود نارضایتی در مورد احکامی که بر موجودات آسمانی حاکم بود را برانگیزد و اعلام می نمود که آنها بی جهت خودداری می کردند.» —

الن جی. وایت، Ellen G. White, *The Great Controversy*, p. 495

در عدن، او با تغییر قیافه خود را در جلد یک مار مخفی نمود و بر علیه حوا نیرنگ نمود. در طول تاریخ تا به امروز، و حتی پس از هزاره، او در تلاش برای رسیدن به اهداف خود، از فریب استفاده خواهد کرد (مکاشفه یوحنا باب ۲۰ آیه ۸).

متأسفانه، او از همه ما باهوش تر، قوی تر و ماهر تر می باشد، که به همین دلیل است که ما باید به عیسی و کلام او وفادار باشیم تا خود را در برابر نیرنگ او محفوظ بداریم. «اما چون شما که به خداوند خدای خود، وفادار بودید تا چطور در بعل فغور تمام کسانی را که بت بعل را پرستش کردند، از بین برد» (تثنیه باب ۴ آیه ۴). اصلی که در اینجا وجود دارد، در واقع همچنان امروزه نیز معتبر است.

این هفته، ما نگاهی خواهیم انداخت به برخی از مؤثرترین فریب های شیطان و اینکه چگونه می توانیم در برابر آنها محافظت شویم.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲ ژوئن آماده شوید.

۲۷ مه

یکشنبه

بزرگترین فریب

اولین درس این فصل درباره «نبرد کیهانی» صحبت نمود که متأسفانه به فراتر از کیهان و به زمین ما رسیده است.

اگر چه مشکل این است که بسیاری از مردم از جمله مسیحیان، این نبرد بزرگ را باور ندارند زیرا شیطان را باور ندارند. برای آنها، آیات کتاب مقدس که درباره شیطان یا اهریمن صحبت می کنند، صرفاً بیانی از فرهنگ گذشته در تلاش برای توضیح بدی و رنج جهان می باشند. برای بسیاری از مردم ایده یک وجود واقعی ماوراء طبیعی که نقشه های بدی برای بشریت دارد، ماده علمی تخیلی و وابسته به شخصیت معروف دارث ویدر «جنگ ستارگان»، و یا مانند آن را دارد.

آیات زیر را که همگی از مکاشفه یوحنا هستند بخوانید. این آیات چه چیزی درباره واقعیت شیطان و بویژه در مورد نقش او در وقایع روزهای پایانی تعلیم می دهند؟ مکاشفه یوحنا باب ۲ آیات ۱۳ و ۲۴؛ باب ۱۲ آیات ۳، ۷ تا ۹، ۱۲ و ۱۷؛ باب ۱۳ آیه ۲؛ باب ۲۰ آیات ۲، ۷ و ۱۰.

مکاشفه یوحنا به ما نشان می دهد که شیطان تا چه حد بر ساکنان جهان در روزهای پایانی قدرت خواهد داشت و نه تنها آنها را از نجات دور خواهد نمود بلکه بسوی جفای کسانی که به عیسی وفادار می مانند، رهنمود خواهد نمود.

از همه «وسيله های» شیطان (دوم قرن تیان باب ۲ آیه ۱۱) — ترجمه ای از واژه یونانی «ذهن» (noemata) — شاید بزرگترین فریب این است که به مردم تلقین کند که او وجود ندارد. گذشته از هر چیز، چه کسی به دنبال پناهگاه دشمنی غالب خواهد بود اگر به واقعی بودن آن معتقد نباشد؟ این شگفت انگیز است که بسیاری ادعای مسیحی بودن می کنند اما ایده وجود شیطان واقعی را جدی نمی گیرند. اگر چه آنها چنین موقعیتی را تنها با نادیده گرفتن تفسیر اساسی بسیاری از آیات کلام خدا که کارها و اقدامات شیطان در این جهان بویژه با نزدیک شدن به پایان زمان را نمایان می سازند، نکه می دارند. اینکه بسیاری از مردم وجود

واقعی شیطان حتی در مواجهه با شواهد قدرتمند از کتاب مقدس را انکار می کنند باید یاد آوری قدرتمندی باشد مبنی بر اینکه آنچه که کتاب مقدس می آموزد حائز اهمیت است.

اگر چه مکاشفه یوحنا درباره دسیسه های شیطان بویژه در روزهای پایانی سخن می گوید، ما چه امید بزرگی می توانیم از مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۱۱ بدست آوریم؟ سرچشمه قدرت ما علیه شیطان چیست؟

دوشنبه

مه ۲۸

دو خطای بزرگ

آیات زیر را بخوانید. آنها چه چیزی درباره قدرت فریب دهندگی شیطان به ما می گویند؟

دوم قرن تیان باب ۱۱ آیات ۱۳ تا ۱۵

دوم تسالونیکیان باب ۲ آیات ۹ و ۱۰

مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۹

مکاشفه یوحنا باب ۲۰ آیه ۱۰

همانطور که در یکی از درس های قبل اشاره کردیم، عیسی به پیروانش در مورد فریب های روزهای پایانی هشدار داده بود. در میان آنها او بویژه در مورد ظهور مسیحان و انبیاء دروغین که «بسیاری را فریب خواهند داد» هشدار داده است (متی باب ۲۴ آیه ۵). اگر چه مسیحان و انبیاء کذب تنها فریب روزهای پایانی که ما باید از آنها با خبر باشیم، نیستند. دشمن ما در نبرد بزرگ نقشه های بسیاری برای فریب همه کسانی که در توانش باشد طراحی نمود. ما مسیحیان باید از آن نقشه ها مطلع باشیم و می توانیم این کار را تنها از طریق شناخت کتاب مقدس و اطاعت از آموزه هایش انجام دهیم.

الن جی. وایت توضیح می دهد که این دو فریب بزرگ چه هستند: «شیطان از طریق دو خطای بزرگ، جاودانگی روح و تقدیس یکشنبه، مردم را تحت فریب های خود در خواهد آورد. در حالی که خطای اول به اساس اعتقاد به عالم ارواح مربوط می شود، خطای دوم پیوندی از همدردی با روم ایجاد می کند. پروتستان های ایالات متحده آمریکا در

منبسط کردن دست هایشان در طول خلیج برای گرفتن عالم ارواح در رتبه نخست خواهند بود؛ آنها برای قلاب کردن دست هایشان با قدرت روم به پرتگاه خواهند رسید؛ و تحت تأثیر این اتحاد سه گانه، این کشور در پیمانال نمودن حقوق وجدان، رد پای روم را دنبال خواهد نمود.» — *The Great Controversy*, p. 588

چقدر برای ما باور نکردنی است که حتی سال های بسیاری پس از اینکه او این سخنان را نوشت، ببینیم که این «دو خطای بزرگ» چگونه بطور شایع در جهان مسیحیت ادامه می یابد.

چرا دانش حقایق کتاب مقدس و تمایل به اطاعت از آن حقایق، قدرتمندترین سلاحی است که ما در برابر فریب های شیطان بویژه در روزهای پایانی داریم؟

۲۹ مه

سه شنبه

جاودانگی روح

آیات زیر چه چیزی درباره «وضعیت مردگان» به ما تعلیم می دهند؟ این آیات چه حفاظت بزرگی در برابر یکی از دو خطای بزرگ می توانند به ما ارائه دهند؟ جامعه باب ۹ آیات ۵، ۶ و ۱۰؛ مزامیر باب ۱۱۵ آیه ۱۷؛ مزامیر باب ۱۴۶ آیه ۴؛ اول قرنیتیان باب ۱۵ آیات ۱۶ تا ۱۸؛ دانیال باب ۱۲ آیه ۲.

در دهه های اخیر توجه بیشتری به داستان های مربوط به مردمی که «مرده اند» شده است — که در آن قلب هایشان از تپیدن ایستاده و نفس نکشیده اند — تنها برای اینکه احیاء شده و هوشیاری خود را دوباره بدست بیاورند. در بسیاری از موارد، تعداد زیادی از این افراد، پس از به اصطلاح «مرگ» خود تجربه های باور نکردنی از وجودی هوشیار را بیان کرده اند. برخی در مورد این صحبت کردند که چگونه در هوا معلق بودند و از بالا جسم های خود را می دیدند. برخی دیگر چنین بیان نمودند که از بدن های خود خارج شده و موجودات شگفت انگیز سرشار از نور و گرما و کسانی که حقایقی درباره مهربانی و محبت بیان می کردند را ملاقات نمودند. دیگران ملاقات و صحبت کردن با اقوام مرده خود را بیان کردند.

این پدیده چنان رایج شده است که حتی نامی علمی به عنوان «تجربه نزدیک به مرگ» بر خود گرفته است. اگر چه «تجربه نزدیک به مرگ» بحث برانگیز باقی می ماند، بسیاری از مسیحیان از آن به عنوان گواهی برای جاودانگی روح و این ایده که در مرگ، روح به قلمرو دیگری از ضمیر خودآگاه می رود، استفاده کرده اند.

اما «تجربه های نزدیک مرگ» مطمئناً تجلی دیگری از یکی از «دو خطای بزرگ» می باشند. تا زمانی که کسی بر این باور باشد که در مرگ، روح به نوعی به زندگی ادامه می دهد، آن فرد در برابر بسیاری از فریب های غیبی یا مربوط به عالم ارواح گشوده است، فریب هایی که می توانند به راحتی بصورت آزادانه یا با دلالت این ایده را ترویج دهند که شما به عیسی نیازی ندارید. در واقع، اکثر افرادی که «تجربه نزدیک به مرگ» داشتند چنین گفته اند که موجودات روحانی یا حتی خویشاوندان مرده ای که ملاقات نمودند، سخنانی آرامش دهنده در مورد محبت، صلح و خوبی به ایشان گفته اند اما چیزی در مورد نجات در مسیح، گناه و داوری پیش رو نگفته اند که این موضوع اساسی ترین دیدگاه های کتاب مقدس است. ممکن است فردی فکر کند در حالی که ظاهراً طعم زندگی پس از مرگ مسیحی را تجربه می کند، تجربه اساسی ترین آموزه های مسیحیت را نیز باید دریافت کرده باشند. با این حال، اغلب آنچه به آنها گفته شده است صداهایی مانند عقاید کور جنبش عصر جدید می باشد که می تواند تشریح کننده این مسئله باشد که چرا بسیاری از این مردم قبل از «مرگ» علاقه کمتری نسبت به مسیحیت دارند.

بعنوان افرادی مسیحی چرا باید به کلام خدا وفادار باشیم، حتی زمانی که احساساتمان خلاف آن را به ما می گویند؟

مه ۳۰

چهارشنبه

سبت و نظریه تکامل

شیطان به همان اندازه که در فریب جهان در مورد جاودانگی روح موفق بوده است، به همان اندازه نیز در غصب نمودن سبت کتاب مقدس و تبدیل آن به یکشنبه موفق بوده است (هفته های شش و هشت را ببینید) و اینکار را برای اکثر مسیحیان تاریخ انجام داده است.

در سال های اخیر شیطان فریب دیگری را بوجود آورده است که روز هفتم سبت را در ذهن های مردم کم رنگ می کند: نظریه تکامل.

پیدایش باب ۱-۲ آیه ۳ را بخوانید. این آیات درباره چگونگی خلق جهان توسط خداوند و اینکه چه مدت به طول انجامید چه می آموزند؟

حتی مطالعه بسیار عمیق این آیات، دو نکته در مورد دلیل موجه کتاب مقدسی از خلقت را آشکار می سازد. نخست، همه چیز طبق برنامه و محاسبه شده بود؛ هیچ چیزی تصادفی، اختیاری و از روی بخت و اقبال نبود. کتاب مقدس هیچ جایی برای تصادفی بودن روند خلقت باقی نمی گذارد.

دوم، این آیات به روشنی نمایان می سازند که هر مخلوق بر اساس نوع خود، آفریده شد؛ یعنی هر کدام جداگانه و متمایز از یکدیگر ساخته شدند. کتاب مقدس چیزی درباره تبار طبیعی مشترک (از قبیل یک سلول بدوی ساده) برای تمام حیات روی زمین تعلیم نمی دهد.

حتی از نقطه نظر تفسیر فرامتنی پیدایش، این دو نکته روشن هستند: هیچ چیز در عمل خلقت تصادفی نبود و هیچ تبار طبیعی مشترکی برای تمام گونه های موجودات وجود نداشت.

اکنون در کنار این مطلب، نظریه تکامل تدریجی داروین می آید که در اشکال مختلفش دو چیز را آموزش می دهد: تصادفی بودن و یک اصل و نسب طبیعی مشترک برای همه گونه های موجودات.

پس چرا بسیاری از مردم، کتاب پیدایش را از طریق ذره بین این نظریه تفسیر می کنند که در ابتدایی ترین سطحش با پیدایش در تضاد است؟ در واقع، خطای تکامل تدریجی نه تنها میلیون ها فرد غیر روحانی را در دام خود گرفته است بلکه بسیاری از افراد مدعی مسیحی بودن نیز بر این باورند که می توانند آن را با ایمان مسیحی خود با وجود تناقضات آشکاری که هم اینک بیان شد، هماهنگ کنند.

هرچند، دلالت ها بر تکامل در زمینه وقایع پایانی، خطر این فریب را حتی آشکار تر می سازند. چرا یک روز، روز هفتم سبت را به عنوان یک یادبود — نه برای شش روز خلقت بلکه برای خلقتی که حدود سه میلیارد سال (آخرین تاریخی که ظاهراً زندگی بر روی زمین آغاز شد) به طول انجامید، جدی بگیریم؟ تکامل تدریجی تمام اهمیت های واقعی روز هفتم را از بین می برد زیرا شش روز خلقت را به افسانه ای شبیه با آنچه می گوید رومولوس و ریموس توسط گرگ ها بزرگ شدند، تبدیل می کند. همچنین چه کسی که اعتقاد دارد خلقت به جای شش روز به میلیارد ها سال زمان نیاز داشته، در واقع خطر جفا یا مرگ را با ایستادگی برای روز سبت در مخالفت با یکشنبه بر عهده می گیرد؟.

۳۱ مه

پنجشنبه

تثلیث جعلی

مفهوم ماهیت سه گانه خدا در سرتاسر کتاب مقدس یافت می شود. با این وجود، کتاب مکاشفه یوحنا در زمینه فریب های و جفاهای روزهای پایانی، یک «تثلیث جعلی» متشکل از اژدها، وحش دریا و وحش خشکی را در باب ۱۳ مکاشفه یوحنا آشکار می سازد.

مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۱۷ و باب ۱۳ آیات ۱ و ۲ را بخوانید. چه چیزی در اینجا توضیح داده شده است؟

اژدها در اینجا به عنوان بدلی از پدر دیده شده است که او کسی است که مشخصاً قدرت را بدست دارد. او همچنین به وحش دریا کسی که بدل مسیح است، قدرت و اقتدار و تاج و تخت می دهد. چرا این قدرت دوم به عنوان بدلی برای مسیح دیده می شود؟

مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیات ۲ تا ۵ را بخوانید. خصوصیات این وحش دریا چه هستند؟

این وحش دریا علاوه بر دریافت اقتدارش از اژدها، یاد آور آنچه عیسی در باره دریافت اقتدار خود از پدر گفت (متی باب ۲۸ آیه ۱۸ را ببینید)، همچنین مانند عیسی با مرگ و سپس رستاخیز روبرو شد (مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیه ۳ را ببینید). همچنین، این وحش به عنوان کسی که اقتدارش را برای «چهل و دو ماه» یا سه سال و نیم به کار می برد توصیف شده است، بدلی نبوی از خدمت سه سال و نیم مسیح بر اساس اصل هر روز برابر با یک سال.

مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیات ۱۱ تا ۱۷ را بخوانید. وحش زمین در اینجا چگونه توصیف شده است؟

این وحش خشکی، منافع وحش دریا را ترویج می دهد، درست همانطور که روح القدس نه خود بلکه عیسی را جلال می بخشد (یوحنا باب ۱۶ آیات ۱۳ و ۱۴). همچنین همانطور که روح القدس عمل قدرتمند آوردن «آتش» از آسمان را انجام داد (اعمال رسولان باب ۲ آیه ۳)، وحش خشکی نیز کار مشابهی انجام می دهد (مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیه ۱۳ را ببینید).

«در پایان، وحش خشکی بدلی برای پنطیکاست اجرا می کند! با چه هدفی؟ تا به جهان ثابت کند که تثلیث جعلی، خدای حقیقی می باشد.»

— Jon Paulien, *What the Bible Says About the End-Time* (Hagerstown, Md.: Review and Herald® Publishing Association, 1998), p. 111

برخی دیگر از فریب های روزهای پایانی که ما باید از آنها آگاه باشیم، کدامند و چگونه می توانیم به دیگران در تشخیص آنها به عنوان فریب نیز کمک کنیم؟

تفکری فراتر: بیابید بیشتر در مورد دلالت های نظریه تکامل در زمینه وقایع روزهای پایانی بویژه در ارتباط با نقش سبت تأمل کنیم. یکی از دلایلی که چارلز داروین، مبتکر این نظریه، تکامل را ترویج داد این بود که — درک نادرستی از جدال عظیم — درک شرارت و رنج در کنار ایده خالق خیرخواه و با محبت برایش دشوار بود. بدلیل این اشتباه، او برای یافتن پاسخ به جهات دیگر نگاه کرد. همچنین این تصادفی نبود که در طول اواسط تا اواخر دهه ۱۸۰۰، چنانچه داروین نظریه تکامل تدریجی خود را مورد تجدیدنظر و بازنگری قرار می داد، خدا از طریق یک جنبش، یعنی کلیسای ادونتیست روز هفتم، به نظریه ای که داروین به آن اعتقاد داشت پاسخ داد. چقدر جالب توجه که کلیسای ادونتیست روز هفتم که شالوده های خلقتش در نامش آشکار هستند، که درست در زمان نظریه داروین رشد و گسترش یافت.

کسی نمی داند، اما اگر داروین این چند جمله کوتاه را از الن جی. وایت خوانده و باور می کرد، جهان ممکن بود از یکی از بزرگترین اشتباهات فکری بشری از زمان نظریه ژئوسنتریزم [مکتب مرکزیت زمین: نظریه ای که می گوید زمین مرکز جهان و کائنات است] و نظریه خودزائی در امان می ماند: «اگر چه زمین با لعنت ملوث گردیده بود، ولی طبیعت باید همچنان کتاب درس بشر می بود. اکنون دیگر نمی توانست تنها نشان دهنده خوبی باشد؛ زیرا شرارت در همه جا حاضر بود و زمین، دریاها و هوا را با آلودگی خود معیوب ساخته بود. جایی که زمانی تنها شخصیت خدا و دانش خوبی در آن نوشته شده بود، اکنون شخصیت شیطان و دانش شرارت نیز در آن ثبت شده بود. از طبیعت که اکنون دانش خیر و شر را نمایان می ساخت، بشر باید همچنان در نتیجه گناه، هشدارهایی را دریافت می نمود.» — *Education*, p. 26

همانطور که بود، داروین گمانه زنی های تکامل تدریجی خود را تدبیر نمود که همه بر پایه درکی نادرست از طبیعت و شخصیت خدا و جهان سقوط کرده که ما در آن زندگی می کنیم، بودند. متأسفانه، مفاهیم نظریه او، مردم را به طعمه های فریب های شیطان بویژه در بحران نهایی تبدیل می سازد.

سوالاتی برای بحث

۱. چرا بسیاری از مسیحیان ایده شیطان واقعی را رد می کنند؟ این دیدگاه چه چیزی درباره میزان خطر رد کردن آموزه شفاف کتاب مقدس به ما تعلیم می دهد؟
۲. ما به فردی که «تجربه نزدیک به مرگ» داشته است و ادعا می کند که این تجربه نشان می دهد که در واقع ما پس از مرگ به زندگی ادامه می دهیم، چه چیزی می توانیم بگوئیم؟
۳. شما در رابطه با اینکه چرا افرادی که نظریه تکامل را باور دارند، بسیار بیشتر مستعد درگیر فریب های روزهای پایانی شدن، هستند به چه دلایل دیگری می توانید بیانید؟



تراژدی، کوکائین و عیسی

توسط اندرو مک چرنی، تبلیغ دینی ادونتیست

مروان جیکاران، یک متصدی ماشین آلات در یک کارخانه چوب در کشور کارائیب در ترینیداد و توباگو، پس از تصادف رانندگی شدید در سن ۷ سالگی به مدت چهار روز بی‌هوش و برای مدت سه ماه در بیمارستان بستری شد. جیکاران در حال راه رفتن در کنار جاده بود که کامیونی به او اصابت کرده و او را حدود ۴۵ متر با خود بر روی زمین کشید، نصف صورتش از بین رفت و دچار جراحتهای شدید و عمیقی بر پشتش شد.

جیکاران که اکنون ۵۲ ساله و نیمی از صورتش دارای اثر زخم بدی است، گفت، «مامان می‌گوید که من مرده بودم و به زندگی باز گردانده شدم.» من می‌گویم، «مامان من در گناه مرده بودم اما عیسی مرا به زندگی بازگرداند.» جیکاران، یکی از نه فرزند خانواده، توسط مادر ادونتیست روز هفتمی تنها، پس از اینکه پدرشان خانواده را ترک کرد، بزرگ شد. او در سن ۱۱ سالگی بدلیل آسیب مغزی بوجود آمده در تصادف که او را ناتوان از یادگیری کرد، مدرسه را ترک نمود. او در سن ۱۴ سالگی شروع به سیگار کشیدن و نوشیدن مشروبات الکلی نمود و در نهایت به ماری جوانا و کوکائین روی آورد. او در سن ۲۸ سالگی ازدواج کرد و پدر چهار فرزند شد.

اما جیکاران به مصرف مواد ادامه داد و همسرش در نهایت با فرزندانش وی را ترک نمود.

جیکاران گفت که به شدت خواهان تغییر کردن بود. یک روز، او فریاد زد: «عیسی، من می‌خواهم تغییر کنم. اما کمک همسرم را نمی‌خواهم. کمک مامانم را نمی‌خواهم. کمک تو را می‌خواهم.»

ساعت‌ها بعد، او تماسی از مدیر یک مرکز توانبخشی مواد مخدر تحت نظر کلیسای ادونتیست با نام مرکز محبت تا زمان آمادگی، دریافت نمود. او بعداً متوجه شد که خواهرش با یک شبان ادونتیست برای کمک تماس گرفته بود و آن شبان با مرکز توانبخشی تماس برقرار کرده بود.

جیکاران مشتاقانه در آنجا حضور یافت. او ۴۶ سال سن داشت.

پیشرفت آهسته بود، اما او روزانه وعده‌های کتاب مقدس را مطالبه می‌کرد. سه وعده مورد علاقه‌اش این‌ها بودند: «ای خداوند، صلح و آرامش کامل به آنهایی که در اندیشه‌های خود راسخ‌اند و به تو توکل دارند، عطا فرما» (اشعیا باب ۲۶ آیه ۳)؛ «همیشه همراه تو خواهم بود و هرگز تو را ترک نخواهم کرد» (یوشع باب ۱ آیه ۵)؛ «و شما قبل از هر چیز برای به دست آوردن پادشاهی خدا و انجام خواسته‌های او بکوشید، آن وقت همه این چیزها نیز به شما داده خواهد شد» (متی باب ۶ آیه ۳۳).

او همچنین نزد خداوند دعا کرد که خانواده‌اش به هم پیوندند و آن‌ها را به خداوند نزدیک‌تر کند.

در پایان برنامه توانبخشی، همسر دل‌سرد جیکاران آمد تا او را به خانه مادرش ببرد. اما وقتی همسرش دید که او مرد جدیدی شده است، به طور غیر منتظره ای او را به خانه برد. در نهایت هر دو تعمید گرفتند.

این روزها جیکاران به همه کسانی که می‌بیند، درباره علاقه‌ای به عیسی می‌گوید. او روزانه دعا می‌کند، «خداوند، اطلاعات بیشتری به من بده تا بتوانم درباره تو صحبت کنم.»

او گفت، «من باور دارم که خداوند مرا به این جهان آورده است تا بتوانم شاهی برای او باشم. هیچ چیز مربوط به من نیست. همه چیز به خدا مربوط است.»

آمریکا و بابل



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیات ۱ تا ۱۲، باب ۱۴ آیات ۹ تا ۱۱، باب ۱۶ آیه ۲، باب ۱۹ آیه ۲۰، باب ۲۰ آیه ۴؛ ارمیا باب ۵۱ آیات ۶، ۷، ۵۳ و ۵۷؛ مکاشفه یوحنا باب ۱۸ آیات ۱ تا ۴.

آیه حفظی: «در آن زمان فرشته اعظم، میکائیل، به حمایت از قوم تو بر خواهد خاست. سپس چنان دوران سختی پیش خواهد آمد که در تاریخ بشر بی سابقه بوده است، اما هر که از قوم تو نامش در کتاب خدا نوشته شده باشد رستگار خواهد شد» (دانیال باب ۱۲ آیه ۱).

هفته گذشته به «تثلیث جعلی» شیطان (اژدها) و دو قدرت زمینی که با هم قوم خدا را جفا خواهند داد، پرداختیم.

یکی از این دو قدرت، وحش دریا (مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیات ۱ تا ۱۰) به عنوان ترکیبی از پلنگ، خرس و شیر (مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیه ۲) توصیف شده است — تصویری که مستقیماً از دانیال باب ۷ آیات ۴ تا ۶ گرفته شده است. ما در هفته ششم دیدیم که در باب ۷ دانیال — پس از ظهور بابل (شیر)، مادها و پارس ها (خرس) و یونان (پلنگ) — و آخرین قدرت زمینی یعنی روم بوجود آمد. ابتدا به صورت روم بت پرست آغاز شد و سپس به رم پاپ یا همان قدرت شاخ کوچک تبدیل شد (دانیال باب ۷ آیات ۷ و ۸، ۱۹ تا ۲۱ و ۲۳ تا ۲۵)؛ که مستقیماً از وحش چهارم برخاست. همچنین دیدیم که بسیاری از ویژگی های رم پاپ آنگونه که در این آیات باب ۷ دانیال به تصویر کشیده شده اند، در وحش دریا در مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیات ۱ تا ۱۰ نیز دوباره ظاهر می شوند. از این رو، محققان کتاب مقدس رم را به عنوان یکی از دشمنان کلیدی در روایت روزهای پایانی باب ۱۳ مکاشفه یوحنا دیده اند.

با این وجود، رم تنها نیست. قدرت دیگری نیز شرح داده شده است. این هفته ما

بیشتر به باب ۱۳ مکاشفه یوحنا و وقایع و قدرت هایی که در آن به تصویر کشیده شده اند، خواهیم پرداخت و مانند همیشه این پرسش ها را مطرح خواهیم نمود: این وقایع چه معنایی دارند و ما چگونه می توانیم برای آنها آماده شویم؟

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۹ ژوئن آماده شوید.

۳ ژوئن

یکشنبه

شفا یافتن زخم کشنده

مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیات ۱ تا ۱۰ را بخوانید و دلایلی بیابید که چرا این آیات به مقام پاپ، نقش او در گذشته و در آینده اشاره دارند؟ بویژه به این مطلب توجه کنید که این چه نقش برجسته ای می باشد. این از نظر وقایع روزهای پایانی چه معنایی دارد؟

اگر چه خدا در همه کلیسا ها افرادی مؤمن دارد، کتاب مقدس به نقشی خاص اشاره می کند که این نهاد در تاریخ ایفا کرده و در وقایع روزهای پایانی ایفا خواهد نمود.

مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیه ۳ را بخوانید. در اینجا چه اتفاقی می افتد و چه چیزی درباره برجستگی رم به ما تعلیم می دهد؟

کلیسای روم برای قرن ها مرکز مذهبی و در بسیاری جهات مرکز سیاسی جهان غرب بود. نمونه بارزی از قدرت آن در داستان امپراطور روم و از هنری چهارم دیده می شود که پاپ گرگوری هفتم را خشمگین نمود، و به قلعه پاپ آمد تا با او صلح کند. در آنجا، امپراطور روم به مدت سه روز در سرمای زمستان در صحن بیرونی منتظر ماند تا پاپ اجازه ورود او را بدهد. گرگوری هفتم که از پیروزی اش به وجد آمده بود، چنان خودستایی نمود که وظیفه اش از بین بردن غرور پادشاهان بود.

با این وجود، از طریق تأثیر اصلاحات، روشنگری و انقلاب فرانسه، تسلط سیاسی و مذهبی رم در اواخر قرن هجدهم از هم پاشید. یکی از پاپ ها، پیوس ششم، در واقع توسط ارتش فرانسه در سال ۱۷۹۸ به اسارت برده شد و در سال ۱۷۹۹ در تبعید درگذشت.

با این وجود، باب ۱۳ مکاشفه یوحنا از تجدید حیات و شفای زخم کشنده آن سخن می گوید. و اگر چه رم امروزه چنان قدرت سیاسی که در زمان گرگوری هفتم را داشت، ندارد با این حال به لطف محبوبیت پاپ های اخیر، نیرویی تأثیر گذار از نظر سیاسی و مذهبی می باشد (برای مثال، سخترانی پاپ فرانسیس در کنگره آمریکا در سال ۲۰۱۵ در تاریخ برای اولین بار انجام شد). با توجه به پیشگویی، این تأثیر حتی بیشتر خواهد شد.

چگونه می توانیم به این پیام که فراخوانده شده ایم تا موعظه کنیم، وفادار بمانیم اما آن را به روشی انجام دهیم که کمترین اهانت را به همراه داشته باشد؟ اما چرا ما نباید در برابر «سنجیده روی سیاسی» در زمانی که حقیقت حاضر را انتشار می دهیم، تسلیم شویم؟

دوشنبه

۴ ژوئن

ایالات متحده آمریکا در پیشگویی

مردم به گونه قابل درکی چنین پرسیده اند: رم چگونه می تواند امروزه و در آینده چنین تأثیری که در باب ۱۳ مکاشفه یوحنا به تصویر کشیده شده است را داشته باشد؟ روزهایی که می توانست به ارتش ها مانند گذشته فرمان دهد دیگر گذشته اند. پاسخ نیز در باب ۱۳ مکاشفه یوحنا یافت می شود.

مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیات ۱۱ و ۱۲ را بخوانید. چه علائمی به ما کمک می کنند که هویت این قدرت را بشناسیم؟

وحشی که قبل از این یکی بود و برای مدتی توسط پروتستان ها به عنوان رم شناخته می شد، چنان توصیف شده است که قدرت چهل و دو ماه را دریافت کرده است (مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیه ۵). چهل و دو ماه مانند «زمانی و دو زمان و نصف زمان» در دانیال باب ۷ آیه ۲۵ یا سه سال و نیم (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۱۴) یا ۱۲۶۰ روز نبوی (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۶) می باشد — زمانی که در طی آن قدرت پاپ حریفان خود را مورد ظلم قرار می داد. این مدت زمان نبوی (استفاده از اصل روز-سال) با برتری نظام پاپ در سال ۵۳۸ پس از میلاد مسیح آغاز شد و در سال ۱۷۹۸، سالی که پاپ به اسارت برده شد، خاتمه یافت. در این زمان قدرت پاپ، زخم کشنده خود را دریافت نمود و پیشگویی تحقق یافت.

در این زمان از تاریخ، نزدیک به پایان «چهل و دو ماه» (۱۷۹۸)، قدرت دیگری ظهور می کند (مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیه ۱۱ و آیه ۱)، این بار برخاسته از خشکی که در تضاد با بسیاری از قدرت های گذشته دارد که از آب (دانیال باب ۷ آیات ۲ و ۳ را ببینید) به عنوان نمادی از توده های مردم برخاست. «آب هایی که دیدی، آنجایی که فاحشه نشسته است، قوم ها و جماعت ها و امت ها و زبان ها می باشد» (مکاشفه یوحنا باب ۱۷ آیه ۱۵).

به این دلایل و دلایل دیگر، این قدرت باید ایالات متحده آمریکا باشد که در بخشی نسبتاً خالی از سکنه جهان بوجود آمد و نیازی به سرنگونی امپراطوری های بزرگ برای انجام آن را نداشت.

«چه ملتی از جهان جدید در سال ۱۷۹۸ به قدرت رسید و وعده قدرت و عظمت ارائه نمود و توجه جهان را به خود جلب نمود؟ بکار بردن این نماد شکی بجا نمی‌گذارد. یک ملت و تنها یک ملت با ویژگی‌های این پیشگویی همخوانی دارد؛ آن بدون شک به ایالات متحده آمریکا اشاره دارد.» — الن جی. وایت، *The Great Controversy*, p. 440

اگر چه در ابتدا این قدرت با داشتن دو شاخ مانند یک بره به نماد نجابت توصیف شده است، ولی «مانند یک اژدها» صحبت خواهد کرد (مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیه ۱۱)، که نشان دهنده زمان جفا بطوری که در قدرت پیشین اتفاق افتاد، می‌باشد. پس مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیات ۱۱ تا ۱۷ به پرسش درباره اینکه رم چگونه می‌توانست قدرتی که نبوت پیشگویی می‌کند را اعمال نماید، پاسخ می‌دهد. این قدرت، ایالات متحده را در کنار خود خواهد داشت.

۵ ژوئن

سه شنبه

قضیه عبادت

در طول تاریخ مقدس، خداوند دائماً با کسانی سر و کار داشت که گرفتار بت پرستی و دیگر اشکال عبادت نادرست می‌شدند (متی باب ۴ آیات ۸ تا ۱۰ را ببینید). در بحران نهایی آنگونه که در باب ۱۳ مکاشفه یوحنا به تصویر کشیده شده است، مسئله عبادت بار دیگر اشاره می‌شود. در اینجا نیز قوم خدا باید درباره کسی که می‌خواهند او را پرستش و خدمت کنند، تصمیم بگیرند (یوشع باب ۲۴ آیه ۱۵).

در هفته دو در درس با عنوان «دانیال و پایان زمان»، ما در مورد داستان سه پسر عبرانی که فرمان یافته بودند «تمثیل طلایی را پرستش کنند» (دانیال باب ۳ آیه ۵)، مطالعه کردیم. همچنین دیدیم که باب ۱۳ مکاشفه یوحنا چگونه با استفاده از زبان آن باب، جفائی که قوم خدا در روزهای پایانی با آن روبرو خواهند شد، را به تصویر می‌کشد. یعنی، ما ممکن است آنچه در باب ۳ دانیال اتفاق افتاد را به عنوان ماده تشکیل دهنده آنچه در روزهای پایانی آنگونه که در زمینه قدرت‌های وحش در باب ۱۳ مکاشفه یوحنا به تصویر کشیده شده است، ببینیم. به همه فرمان داده شده بود که یا تمثال طلایی را پرستش کنند و یا در کوره آتش بمیرند. بطور مشابه، در باب ۱۳ مکاشفه یوحنا، «هر کس تصویر وحش را پرستش نکند کشته خواهد شد» (مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیه ۱۵).

مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیات ۹ تا ۱۱، باب ۱۶ آیه ۲، باب ۱۹ آیه ۲۰، باب ۲۰ آیه ۴ را بخوانید. این آیات چه چیزی درباره اهمیت یافتن مسئله پرستش به ما می‌گویند؟

بابل همواره پایتخت عبادت دروغین بوده است. برج بابل شهادتی از تمایل سازندگانش مانند لوسیفر بر «صعود بر بالا بلندهای ابرها» (اشعیا باب ۱۴ آیه ۱۴) و همچنین تلاش برای نجات خودشان در صورت طوفان جهانی دیگری می‌باشد. از این رو، آنها از باور نمودن این وعده خدا که هرگز دیگر طوفانی بر روی زمین واقع نخواهد شد، سر باز زدند (پیدایش باب ۹ آیات ۸ تا ۱۱).

امپراطوری جدید بابل نیز کار دست بشر را متعال ساخت. نبوکدنصر «بابل بزرگ که من ساخته‌ام» را ستایش نمود (دانیال باب ۴ آیه ۳۰). پس از آن، پادشاه بلشصر فنجان‌های طلایی معبد سلیمان را برای ضیافت خود برداشت «و در آنها شراب نوشید و خدایان طلا و نقره و برنج و آهن و چوب و سنگ را تسبیح خواند» (دانیال باب ۵ آیات ۳ و ۴). توجه داشته باشید که ظروف واقعی معبد با شراب بدون الکل پر می‌شدند و حساسیت همه کسانی که از آن می‌نوشیدند را بی‌اثر می‌کردند. در نتیجه، بسیاری در شهر وقتی بابل سقوط کرد، از بین رفتند. ظاهر بیرونی حقیقت می‌تواند ما را با پنهان کردن کشنده بودن «شراب بابل»، فریب دهد. پرستش و عقاید نادرست در پادشاهی شیطان رایج هستند.

چگونه می‌توانیم اطمینان یابیم که درگیر هیچ‌گونه پرستش نادرستی در حال حاضر نمی‌باشیم؟

۶ ژوئن

چهارشنبه

«بابل بزرگ»

آیات زیر را بخوانید. این آیات چه چیزی در مورد بابل به ما می‌آموزند؟ ارمیا باب ۵۱ آیات ۶، ۷، ۵۳ و ۵۷؛ زکریا باب ۲ آیه ۷؛ مکاشفه یوحنا باب ۱۷ آیات ۵ و ۶، باب ۱۸ آیات ۲ و ۳.

همانطور که دیروز دیدیم، بابل سابقه طولانی به عنوان پایتخت عبادت دروغین دارد؛ بنابراین نمادی مناسب از قدرت روزهای پایانی که ملت‌ها را فریب می‌دهد، می‌باشد.

ازدها، وحش دریا و وحش سرخ را با یکدیگر مقایسه کنید (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۳، باب ۱۳ آیات ۱ تا ۳، باب ۱۷ آیه ۳). شباهت‌ها و تفاوت‌ها چه هستند؟

هر سه وحش هفت سر و ده شاخ دارند که نشان‌دهنده مجموع سرها و شاخ‌های وحش‌های باب هفت دانیال می‌باشند. امپراطوری‌ها بر روی امپراطوری‌های دیگر بنا

شدند. بطور مشابه، وحش سرخ فام ترکیبی از عناصر اژدها و وحش دریا (بترتیب نمادی از بت پرستان و رم پاپ) و همچنین وحش خاکی (مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیات ۱۱ تا ۱۴) می باشد که «تمام سه قدرت — تمام دشمنان خدا — را در پیوستگی واقعی» متحد می سازد. — Jacques B. Doukhan, *Secrets of Revelation — The Apocalypse Through Hebrew Eyes* (Hagerstown, Md.: Review and Herald® Publishing Association, 2002), p. 162. یک عنصر اضافی در باب ۱۷ مکاشفه یوحنا، زنی است که سوار بر وحش سرخ فام و نمادی از اتحاد نامشروع مذهبی و سیاسی قدرت ها می باشد. این زن به شدت با زن پاک باب ۱۲ مکاشفه یوحنا در تضاد می باشد:

زن نجیب (مکاشفه یوحنا باب ۱۲)	فاحشه (مکاشفه یوحنا باب ۱۷)
در آسمان	در آب ها
پوشیده از خورشید	پوشیده از جامه ای بنفش و سرخگون
دارای تاجی از دوازده ستاره	آراسته با طلا، جواهرات و مروارید ها
مورد حمله قرار گرفته توسط اژدها	مورد حمایت اژدها
مادر بازماندگان	مادر فاحشه ها

بابل به عنوان «مادر فاحشه ها» مشغول به باز تولید خود بوده است. مادر مرتد کلیسا، دختران مرتد بسیاری دارد. اما خدا مالکیت اشتباهات انتشار یافته و جنایات مرتکب شده توسط مسیحیان مرتد را نمی پذیرد. قوم واقعی او اگر چه مورد حمله شیطان قرار گرفت، در طول قرن ها باقی ماند.

مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۸ پیش از این به مردم در مورد سقوط بابل یا ارتداد از حقیقت هشدار داده است که در نهایت به فریب نهایی بوجود آمده در علامت وحش منجر می شود (مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیات ۹ تا ۱۱). این هشدار با قدرتی بیشتر تکرار خواهد شد و در آخرین درخواست برای قوم خدا که در بابل برای بیرون آمدن از آن و پیوستن به باز ماندگان کلیسای خدا در روزهای پایانی به اوج خود خواهد رسید (مکاشفه یوحنا باب ۱۸ آیات ۱ تا ۴).

۷ ژوئن

پنجشنبه

قوم من، از آن بیرون بیاید

در طول سال ها، دانش پژوهان پیشگویی کتاب مقدس، با علاقه زیادی وقایع جهان را دنبال کردند؛ بویژه که به نظر می رسد به پایان جهان مرتبط هستند. برای مثال درباره نقش ایالات متحده بیانیدشید. در گذشته در حدود سال ۱۸۵۱، برخی از ادونتیست ها، آمریکا را به عنوان قدرت وحش دوم (مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیات ۱۱ تا ۱۵) مشخص

می‌کردند که اشاره ای قابل توجه با در نظر گرفتن شرایط ایالات متحده در آن زمان می‌باشد. در اواسط دهه ۱۸۰۰، قدرت‌های بزرگ همچنان قدرت‌های قدیمی جهان بودند: پروشا، فرانسه، اتریش — مجارستان و انگلستان. در آن زمان آمریکا ارتش زمان صلح در حدود بیست هزار مرد داشت که تنها در حدود یک دهم رزمندگان نبرد واتر لو (۱۸۱۵) بودند. در سال ۱۸۱۴، تنها چهل سال پیش از آن، بریتانیایی‌ها به واشنگتن دی. سی. حمله کردند و آن را به آتش کشیدند. در سال ۱۸۶۷، جنگجویان سرخپوست بومی آمریکایی بنام گاو سواران، هنگ سواره نظام هفتم آمریکای ژنرال کاستر را از بین بردند. بنابراین، حتی پس از اینکه برخی از مفسران ایالات متحده را به عنوان قدرتی که روزی «نشان وحش» را به جهان تحمیل خواهد نمود، شناسایی کردند، این کشور همچنان در خاک خود با بومیان آمریکا می‌جنگید و البته همیشه پیروز نمی‌شد!

بدون هیچ تردیدی رویدادهای جهان همان‌گونه که ما باور داریم در حال رخ دادن هستند. اما همچنان چیزهای بیشتری باید پیش از رسیدن ما به پایان آشکار شوند. برای مثال به این دلیل است که در صحبت کردن در مورد «نشان وحش»، بسیار مهم است که تأکید کنیم که اکنون هیچ کس آن را ندارد صرف نظر از اینکه فرمان چهارم را نگه می‌دارند یا خیر. علاوه بر این چیزهای بیشتری باید آشکار شوند.

مکاشفه یوحنا باب ۱۸ آیات ۱ تا ۴ را بخوانید. در اینجا چه اتفاقی می‌افتد و چرا برای ما مهم است که اکنون آن را بیاد داشته باشیم؟ این آیات چه چیزی درباره مأموریت ما نسبت به جهان به ما تعلیم می‌دهند؟

این آیات، تصویر تیره و تازی از جهان سیاسی، اخلاقی و معنوی ارائه می‌دهند. آنها تأثیر بدخواهانه آموزه‌های دروغین مذهبی را در جهان نشان می‌دهند. با این وجود در عین حال آنها امید بزرگی ارائه می‌کنند زیرا فرشته دیگری از آسمان با جلال خود جهان را روشن می‌سازد. علاوه بر این قوم وفادار خدا، کسانی که هنوز آنچه که باید را نشناخته‌اند، فراخوانده شده‌اند که از بابل بیرون بیایند. پس این بدین معناست که درست تا پایان، قوم خدا که پیش از این از بابل خارج شده‌اند باید برای کمک به کسانی که همچنان در آن هستند، تلاش کنند.

اینکه خداوند برخی را که همچنان در بابل هستند «قوم خود» می‌خواند، چه معنایی باید برای ما داشته باشد؟ چرا این برای ما در ارتباط با دیگران نکته مهمی است که باید بیاد داشته باشیم؟

تفکری فراتر: حمله شیطان به احکام خدا، حمله ای به خود خدا، هم به اقتدار و هم به حاکمیت او می باشد. بنابراین در روزهای پایانی، در اوج وقایع بحران نهایی، شیطان به کسانی که «فرمان های خدا» (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۱۷ و باب ۱۴ آیه ۱۲) را نگه می دارند حمله می کند زیرا تنها آنها بر روی زمین از بیعت با او از طریق نمایندگانش بر روی زمین سر باز می زنند. نبردی که او علیه خدا مدت ها پیش در آسمان برپا نمود، در اینجا بر روی زمین ادامه خواهد یافت و درست همانگونه که او در آسمان شکست خورد بر روی زمین نیز شکست خواهد خورد. «از همان ابتدای نبرد بزرگ در آسمان، هدف شیطان سرنگونی احکام خدا بوده است. برای تحقق این بوده است که او بر علیه آفریدگار، شورش به راه انداخت و با وجود اینکه از آسمان اخراج شد، همان جنگ را بر روی زمین ادامه داده است. فریب دادن بشر و در نتیجه منتهی نمودن آنها به تجاوز به احکام خدا، هدفی است که او با 'پافشاری' دنبال کرده است. چه این با کنار گذاشتن شریعت بطور کامل یا با انکار نمودن یکی از جنبه های آن تحقق یابد، نتیجه در نهایت یکسان خواهد بود. او که در یک مورد تخطی می کند، به تمام اهانت کرده است؛ نفوذ و الگوی او در سمت خطا هستند؛ او 'مقصر همه' می شود. یعقوب باب ۲ آیه ۱۰.» الن جی. وایت، Ellen G. White, *The Great Controversy*, p. 582

سوالاتی برای بحث

۱. در کلاس درباره رویدادهای جهان و اینکه به چه روش هایی به آنچه ما باور داریم باید در روزهای پایانی اتفاق بیافتد، اشاره دارند، صحبت کنید. چه وقایعی همچنان باید آشکار شوند؟ چگونه می توانیم پیاموریم درباره نشانه های زمان هوشیار باشیم در حالی که از تعصب، تنظیم تاریخ و انجام پیش بینی های جسورانه در مورد چیزهایی که کتاب مقدس و نوشته های الن جی. وایت به صراحت تعلیم نداده اند، اجتناب کنیم؟
۲. بیشتر در مورد مسئله پرستش تأمل کنید. پرستش نمودن چیزی به چه معناست؟ ما چگونه عمل هر آنچه که پرستش می کنیم را انجام می دهیم؟
۳. بیشتر در مورد این ایده که خدا همچنان مردمی در بابل دارد، بیندیشید. ما چه چیزی از مفهوم واژه «بابل» (که مشخصاً یک نماد است و واقعی نمی باشد) درک می کنیم؟ این چه چیزی درباره تعهد ما به ادامه موعظه پیام خود به دیگران صرف نظر از باورهای سیاسی و مذهبی ایشان، تعلیم می دهد؟



سگ مبلغ

توسط نلسون ارنست

گروهی از افراد جوان ادونتیست روز هفتم تصمیم گرفتند در یک عصر روز سبت، نشریات GLOW را در اجتماعی در ایالت هاوایی آمریکا پخش کنند. این جوانان با یکدیگر دعا کردند و از خانه‌ای به خانه دیگر رفتند. هنگامی که اولین در باز شد، مرد جوانی گفت: «سلام! ما از طرف کلیسای ادونتیست روز هفتم هستیم و برای شما هدیه‌ای داریم.» صاحبخانه شگفت‌زده گفت، «برای من؟» بازدید کننده چند تا از نشریات کوچک را به او داد و گفت، «بله، برای شما.»

وقتی که صاحبخانه نشریات را گرفت، مرد جوان پیشنهاد داد که برای آن زن دعا کند.

«آیا درخواست دعای خاصی دارید از خداوند خواسته شود؟»

و این روند از خانه‌ای به خانه دیگر تکرار شد.

«سلام! ما از طرف کلیسای ادونتیست روز هفتم هستیم و برای شما هدیه‌ای داریم. چگونه می‌توانیم برایتان دعا کنیم؟» در برخی از خانه‌ها جوابی داده نمی‌شد. در تعداد کمی، صاحبخانه از بازدیدکنندگان می‌خواست که آنجا را ترک کنند.

سپس دو مرد جوان به خانه‌ای نزدیک شدند که دورش حصار داشت. پس از یافتن در، آن‌ها تلاش کردند آن را باز کنند که ناگهان صدای آژیر شنیده شد.

«گررررر... ووووو! گررررر... ووووو!»

آن‌ها از پشت حصارها سگی خشمگین را دیدند که به ایشان خیره شده بود.

یکی پرسید، «الان چه کار کنیم؟»

هیچ کدام نمی‌خواستند خطر کنند و برای در زدن از سگ عصبانی رد شوند. مرد جوانی نشریه را گرفت و آن را در آن طرف حصار نگه داشت. سگ به دقت نگاه می‌کرد.

سپس مرد جوان نشریه را انداخت. بر روی زمین افتاد. سگ به سمت آن دوید و آن را بو کشید. سپس کار عجیبی کرد. سگ با دهانش نشریه را برداشت. با سرعت به طرف در ورودی خانه دوید و آن را در جلوی در قرار داد. یکی از بنیانگذاران کلیسای ادونتیست، الن جی. وایت به ما می‌گوید: «خدا از روش‌ها و وسیله‌هایی استفاده خواهد کرد که دیده خواهد شد که افسار را در دستان خود می‌گیرد. خدمتگزاران از ابزار ساده‌ای که او برای انجام و کامل نمودن عمل عدالتش استفاده خواهد کرد، شگفت‌زده خواهند شد» (Testimonies to Ministers and Gospel Workers, p. 300).

اگر فرشته‌ای می‌تواند یک الاغ را به حرف آورد، چرا نمی‌تواند سگی عصبانی را به یک مبلخ در هاوایی تبدیل کند؟
و اگر یک سگ می‌تواند نشریات ادونتیست را به اشتراک بگذارد، چرا شما نتوانید؟

نلسون ارنست یکی از بنیانگذاران و مدیر GLOW، یک مرکز پخش نشریات ادونتیست است که در کالیفرنیا تأسیس شد و در سرتاسر جهان گسترش یافت.

مهر خدا یا نشان وحش؟



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: پیدایش باب ۱۷ آیات ۹ تا ۱۱؛ خروج باب ۳۱ آیات ۱۳ و ۱۷؛ مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیه ۱۷؛ افسسیان باب ۱ آیات ۱۳ و ۱۴؛ عبرانیان باب ۴ آیات ۹ و ۱۰.

آیه حفظی: «سرود موسی بنده خدا و سرود بره را می‌خوانند و می‌گویند: عظیم و عجیب است اعمال تو ای خداوند خدای قادر مطلق! عدل و حق است راه‌های تو ای پادشاه اُمّت‌ها!» (مکاشفه یوحنا باب ۱۵ آیه ۳).

سرود موسی و بره با آیه حفظی این هفته ما آغاز می‌شود. این توسط «کسانی که بر وحش و تصویر او و بر نشانه و تعداد نام‌های او پیروز شده اند خوانده می‌شود زمانی که بر دریای شیشه‌ای در آسمان می‌ایستند» (مکاشفه یوحنا باب ۱۵ آیه ۲). ما چگونه می‌توانیم در میان این شمار باشیم؟

یکی از بارزترین نشانه‌های قوم حقیقی خدا در روزهای پایانی، انتشار پیام فرشته سوم توسط ایشان می‌باشد که در برابر دریافت نشانه وحش هشدار می‌دهد. اگر چه، با وجود اینکه هشدار جدی تر از این در کتاب مقدس وجود ندارد، بسیاری نظریات گیج‌کننده در مورد اینکه این نشانه چه بوده است، در طول سال‌ها پیشنهاد شده است: بارکدی بر روی پیشانی، شماره کارت اعتباری، یا برخی علائم بیومتریک.

ما نباید از گسترش ایده‌های گیج‌کننده در بابل متعجب بشویم. گذشته از هر چیز، نام آن به معنی «سردرگمی» می‌باشد. اما قوم باقی مانده خدا به درکی واضح از این موضوع نیاز دارند تا پیام فرشته سوم را با قدرت انتشار دهند. این هفته ما تلاش خواهیم نمود نماد وحش و چگونگی اجتناب از آن را — با دریافت مهر خدا — بهتر درک کنیم.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۶ ژوئن آماده شوید.

نشانه خدا برای شناسایی قومش

در زمان های عهد قدیم، دو نشان ظاهری برای شناسایی قوم حقیقی خدا وجود داشت. یکی از آنها ختنه بود. این نشانه اولین بار به چه کسی داده شد؟ پیدایش باب ۱۷ آیات ۹ تا ۱۱.

خدا به ابراهیم و فرزندان او فرمان داد که به عنوان نشانه ای از عهد نجات، ختنه شوند. فرزندان پسر باید در روز هشتم ختنه می شدند (لاویان باب ۱۲ آیه ۳). با این وجود، این رسم معنای عمیق تری داشت. قصد این بود که نیاز به «ختنه» و احیای قلب نماد شود (تثنیه باب ۱۰ آیه ۶). به این دلیل است که پولس می نویسد: «زیرا آنکه در ظاهر است، یهودی نیست و آنچه در ظاهر در جسم است، ختنه نی. بلکه یهود آن است که در باطن باشد و ختنه آنکه قلبی باشد، در روح نه در حرف که مدح آن نه از انسان بلکه از خداست» (رومیان باب ۲ آیات ۲۸ و ۲۹).

آیاتی از جمله اول قرنیتیان باب ۷ آیه ۱۹، غلاطیان باب ۵ آیه ۶ و باب ۶ آیه ۱۵ نشان می دهند که در عهد جدید، ختنه با غسل تعمید جایگزین شده است که نمادی از تبدیل شدن، یک «خلقت جدید»، مرگ به گناه و برخاست در حیاتی نو می باشد (رومیان باب ۶ آیات ۳ و ۴ را ببینید). به این دلیل است که پولس می گوید ختنه دیگر اهمیت ندارد و این «ایمان از طریق محبت» و «نگه داشتن فرمان های خدا» می باشد که در اصل مهم هستند.

نشان ظاهری دومی که خدا برای شناسایی قومش داد، چه بود و چرا داده شد؟ (خروج باب ۳۱ آیات ۱۳ و ۱۷، حزقیال باب ۲۰ آیات ۱۲ و ۲۰).

توجه کنید که سبت به عنوان یک نشانه به خلقت باز می گردد (پیدایش باب ۲ آیات ۲ و ۳ را نیز ببینید)، در حالی که ختنه شدن تنها با ابراهیم شروع شد. از این رو عیسی در اشاره به پیدایش فرمود، «سبت برای انسان بوجود آمد» (مرقس باب ۲ آیه ۲۷). این نشان می دهد که ما با خلقت به خدا تعلق داریم زیرا او ما را آفرید و با نجات نیز به او متعلق هستیم زیرا، او ما را عادل شمرده و تقدیس می کند. بنابراین، اگر چه پولس می گوید که ختنه شدن دیگر مهم نیست، اما چنین استدلال می کند که نگه داشتن فرمان های خدا (که شامل روز سبت نیز می شوند) همچنان اهمیت دارد (عبرانیان باب ۴ آیه ۹ را ببینید).

افکار و تمایلات شما چگونه آشکار می سازد که آیا شما حقیقتاً در قلبتان ختنه شده اید یا خیر؟

وحش و پرستش دروغین

آیات زیر را بخوانید. آنها چه چیزی درباره اهمیت اجتناب از نشان وحش به ما تعلیم می دهند؟ مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیه ۱۷، باب ۱۴ آیات ۹ و ۱۰، باب ۱۶ آیه ۲.

دریافت غضب شدید خدا، مجازات شدن توسط هفت بلای آخر و در نهایت انداخته شدن درون دریای آتش. چه تضادی با کسانی که از پذیرفتن نشان وحش خودداری می کنند و پیروزمندانه بر دریای شیشه ای می ایستند و آواز ستایش برای خدا و بره سر می دهند! این نشانه چیست که هیچ کس نمی خواهد دریافت کند؟ واضح است که آیات فوق آن را با پرستش دروغین مرتبط می کنند. همچنین همانطور که در یک درس پیشین دیدیم، قدرت وحش چهارم باب ۷ دانیال در مرحله دوم خود (همچنین توصیف شده به عنوان وحش دریا در باب ۱۳ مکاشفه یوحنا)، «قصد تبدیل نمون زمان ها و شرایع خواهد نمود» (دانیال باب ۷ آیه ۲۵). یکی از احکامی که قصد تغییرش را داشت، سبت فرمان چهارم بود — تنها فرمان از ده فرمان که به زمان رجوع می کند و مستقیماً به خدا به عنوان کسی که «آسمان و زمین و دریا و آنچه را که در آنهاست بساخت و در روز هفتم آرام فرمود» (خروج باب ۲۰ آیه ۱۱) اشاره دارد.

پیام فرشته اول به طور قابل ملاحظه ای، توجه ما را به این فرمان جلب می کند که قدرت وحش در تلاش برای تغییر آن بود و مشخص می سازد که ما تنها باید خداوند را به عنوان خالق پرستش کنیم. در واقع، از هفت آیه در باب های ۱۲ تا ۱۴ مکاشفه یوحنا که به پرستش اشاره دارند، این آیه (باب ۱۴ آیه ۷) تنها مورد درباره پرستش حقیقی می باشد؛ شش آیه دیگر در برابر پرستش نادرست وحش و تصویر او هشدار می دهند (مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیات ۴، ۸، ۱۲ و ۱۵، باب ۱۴ آیات ۹ و ۱۱). بلافاصله پس از توصیف فرشته سوم از سرنوشت کسانی که در این پرستش نادرست درگیر می شوند، پرستش کنندگان واقعی خدا توصیف شده اند: «در اینجاست صبر مقدسین که احکام خدا و ایمان عیسی را حفظ می نمایند» (مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۱۲).

به عبارت دیگر، انتشار این سه پیام، همه بشریت را به دو گروه تقسیم می کند: کسانی که با نگه داشتن فرمان های خالق از جمله فرمان روز هفتم سبت، او را پرستش می کنند و کسانی که وحش و تصویر او را پرستش می کنند. بنابراین، شکل نادرست پرستش، جایگزینی برای پرستش خالق با نگه دشتن فرمان سبت ارائه می دهد.

در مورد ارتباط میان پرستش و وفاداری بیشتر ببانیدشید. چه جنبه های پرستش برای نشان دادن وفاداری ما به خدا ضروری می باشند؟

مهر خدا

یک مهر مانند یک امضاء، برای معتبر ساختن یک مدرک استفاده می‌شود. در زمان های باستان، یک مهر بر روی موم نرم یا گل رس فشرده می‌شد تا اعتبار یا مالکیت و داشتن اجازه استفاده مالکش را نشان دهد.

مهر خدا چیست و چه زمانی و چگونه داده شده است؟ افسسیان باب ۱ آیات ۱۳ و ۱۴، باب ۴ آیه ۳۰؛ دوم تیموتائوس باب ۲ آیه ۱۹؛ مکاشفه یوحنا باب ۷ آیا ۱ تا ۴، باب ۱۴ آیه ۱.

مهر خدا نشانه ای از مالکیت و حفاظت او از قومش می‌باشد. پولس یک مهر را در ارتباط با ایمان آوردن و دریافت موهبت روح القدس توصیف می‌کند. او این موهبت را یک «سپرده» یا «پرداخت داده شده» به تمام ایمانداران به عنوان یک تضمین برای نجات کامل و میراث آینده که در زمان آمدن عیسی دریافت خواهند نمود، داده می‌شود. کتاب مکاشفه یوحنا، مهر دیگری را دقیقاً قبل از ظهور دوم به تصویر می‌کشد. مهر نهایی به ۱۴۴۰۰۰ نفر در زمان بارش روح القدس در باران دوم داده شد. نام خدا (یا امضای او) بر روی پیشانی ایشان نوشته شده است. از طریق کار روح القدس در زندگی ایشان، آنها شخصیت خدا را انعکاس خواهند داد.

مهر خدا را با نشان وحش مقایسه کنید. به چه تفاوت هایی میان آنها اشاره شده است؟ مکاشفه یوحنا باب ۷ آیه ۳، باب ۱۴ آیه ۹.

مهر به پرستش کنندگان حقیقی خدا داده می‌شود، در حالی که نشان به پرستش کنندگان وحش داده می‌شود. مهر تنها بر روی پیشانی ثبت می‌شود که نشان دهنده انتخاب قطعی ذهن به پرستش خدا به روشی که او فرمان داده است، می‌باشد. نشان از سوی دیگر، هم بر پیشانی و هم بر دست ثبت می‌شود. این بدین معناست که مردم ممکن است وحش را به یکی از دو دلیل پرستش کنند. یا در ذهنشان با آن موافق هستند و فکر می‌کنند واقعاً خدا را پرستش می‌کنند یا اینکه اصلاً با آن موافق نیستند اما به آن ادامه می‌دهند زیرا نگران عواقب جدی مطابق نبودن با آن هستند: ناتوان بودن در خرید یا فروش و در نهایت کشته شدن (مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیات ۱۷ و ۱۵).

«کسانی که با جهان متحد می شوند، قالب دنیوی پیدا می کنند و برای نشان وحش آماده می شوند. کسانی که اعتماد به خود را از دست می دهند و خود را در برابر خدا فروتن می کنند و روح های خود را با اطاعت از حقیقت پاک می سازند — این ها قالب آسمانی را دریافت می کنند و برای مَهر خدا بر روی پیشانی هایشان آماده می شوند.» —
الن جی. وایت، Ellen G. White, *Testimonies for the Church*, vol. 5, p. 216

۱۳ ژوئن

چهارشنبه

نشان وحش

این نشان چیست که ما باید از دریافت آن اجتناب کنیم؟ همانطور که در یکی از درس های گذشته دیدیم، قدرت وحش چهارم در باب ۷ دانیال در مرحله دوم خود (همچنین توصیف شده به صورت وحش دریا در باب ۱۳ مکاشفه یوحنا)، «قصد تبدیل نمودن زمان ها و شرایع» را خواهد نمود (دانیال باب ۷ آیه ۲۵). یکی از احکامی که قصد تغییرش را داشت، سبت فرمان چهارم بود — تنها فرمان از ده فرمان که به زمان رجوع می کند و مستقیماً به خدا به عنوان کسی که «آسمان و زمین و دریا و آنچه را که در آنهاست ساخت و در روز هفتم آرام فرمود» (خروج باب ۲۰ آیه ۱۱) اشاره دارد. در همین حال، پیام فرشته اول — توجه خواننده را به همان فرمان، همان که قدرت وحش در تلاش برای تغییر آن بود — مشخص می سازد که ما باید تنها خداوند را به عنوان خالق پرستش کنیم. بنابراین، پس از هشدار در مورد سرنوشت کسانی که در عوض «وحش و تصویر او» را پرستش می کنند (مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۹)، قوم وفادار خدا در آیه ۱۲ توصیف شده اند.

مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۱۲ را بخوانید. با توجه به زمینه بدیهی، این توصیف قوم وفادار خدا چگونه می تواند به ما در درک اینکه چرا سبت در مرکزیت رویدادهای پایانی قرار دارد، کمک کند؟

آیه چنین است: «در اینجاست صبر مقدسین که احکام خدا و ایمان عیسی را حفظ می نمایند» (مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۱۲). همانطور که دیده ایم، فرمان چهارم، سبت در «فرمان های خدا» وجود دارد که به خدا به عنوان خالق و تنها کسی که باید پرستش شود، اشاره می کند. بنابراین جای تعجب نیست که بسیاری مسئله «نشان وحش» را مستقیماً گره خورده با مسئله عبادت یکشنبه، بدلی برای «سبت» که در کتاب مقدس فرمان داده نشده است، می بینند، در مقابل نگه داشتن فرمان چهارم که در کتاب مقدس بیان شده است.

آیا این بدین معناست که مسیحیانی که در روز یکشنبه خدا را عبادت می کنند، اکنون نشان وحش را دارند؟ خیر. بر طبق مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیه ۱۵، کسانی که از پیوستن به این پرستش دروغین وحش اجتناب می کنند، کشته خواهند شد. این در نهایت به مسئله مرگ و زندگی تبدیل خواهد شد. هر چند بدیهی است که رویدادها هنوز به آن مرحله نرسیده اند و نشان وحش تا زمانی که این امتحان نهایی نیاید، داده نخواهد شد. بنابراین، هیچ کس هنوز نشان وحش را دریافت نکرده است.

احکام خدا. ایمان به عیسی. چرا این صفات حتی اکنون، جنبه های حیاتی مفهوم مسیحی واقعی بودن هستند؟

۱۴ ژوئن

پنجشنبه

سبت به عنوان مهر

همانطور که دیده ایم، روز هفتم سبت، نشانه قوم حقیقی خدا در طول تاریخ بوده است که با آدم و حوا شروع شد و در زمان اسرائیل ادامه یافت. ما همچنین آن را مداوم در کلیسای عهد جدید با عمل عیسی و رسولان و به عنوان نشانه متمایزی از قوم خدا در روزهای پایانی که «فرمان های خدا و ایمان به عیسی را نگه می دارند» (مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۱۲) دیده می شود.

چرا سبت بسیار مهم است و چه اهمیت ویژه ای برای مسیحیان دارد؟ خروج باب ۲۰ آیات ۸ تا ۱۱؛ عبرانیان باب ۴ آیات ۹ و ۱۰.

سبت در قلب ده فرمان نمایان می شود. توسط خالق به عنوان نشان یا مهری از اقتدارش داده شد. او را با نام، «خداوند خدای شما» شناسایی می کند. قلمرویی را مشخص می سازد که او بر آن صلاحیت دارد، «آسمان ها و زمین، دریا و همه آنچه در آنها می باشد». همچنین اصول اقتدار او را مشخص می سازد، «زیرا که خداوند آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید... و در روز هفتم استراحت نمود.»

عهد جدید عیسی را به عنوان کسی که خدا از طریق او همه چیز را خلق نمود، مشخص می کند (یوحنا باب ۱ آیات ۱ تا ۳، کولسیان باب ۱ آیه ۱۶، عبرانیان باب ۱ آیات ۱ و ۲). این عیسی است که جهان ما را در شش روز آفرید و در روز هفتم استراحت نمود. بنابراین، بسیار قابل توجه است که عیسی پس از آویزان شدن بر صلیب در آن عصر روز جمعه، فریاد برآورد، «تمام شد!» (یوحنا باب ۱۹ آیه ۳۰). درست همانطور که او در روز سبت پس از اتمام

کار خلقت استراحت نمود، عیسی در روز سبت پس از اتمام کار قربانی خود با مردن به جای ما برای نجاتمان، در قبر استراحت نمود. از این رو، روز سبت بطور مضاعف برکت یافته است، نخست در خلقت و سپس بر صلیب. به این دلیل است که بر طبق کتاب عبرانیان، مسیحیان با استراحت در روز سبت، نشان می دهند که آنها نیز، «از اعمال خود بیارامیدند، چنانکه خدا از اعمال خویش» (عبرانیان باب ۴ آیه ۱۰). سبت نمادی عالی از این حقیقت است که ما نمی توانیم خود را نجات دهیم، اینکه از ابتدا تا انتها، این کار مسیح است که از طریق ایمان ممکن شد (با عبرانیان باب ۱۲ آیه ۲ مقایسه کنید).

اگر روز سبت نماد فراغت از کارهایمان می باشد، نگه داشتن یکشنبه نشان دهنده چیست و این چگونه با اصل ویژگی بابل متناسب می شود؟

۹ ژوئن

جمعه

تفکری فراتر: «درست پس از اینکه قوم خدا بر پیشانی خود مهر دریافت کنند — این مهر یا نشانی نیست که قابل دیدن باشد، بلکه استقرار در حقیقت از نظر ذهنی و روحانی و در نتیجه قابل جابجایی نیستند — درست به محض اینکه قوم خدا مهر دریافت کرده و برای اهتزاز آماده شوند، آن خواهد آمد. در واقع، پیش از این شروع شده است؛ داوری های خدا اکنون بر زمین قرار دارند... تا ما بدانیم چه چیزی خواهد آمد.» — الن جی. وایت، *Ellen G. White, The Faith I Live By*, p. 285

«سبت بزرگترین امتحان وفاداری خواهد بود، زیرا هدف حقیقت بویژه انکار شده می باشد. زمانی که امتحان نهایی برای بشر آورده شود، سپس خط تمایز میان کسانی که به خدا خدمت کردند و کسانی که به او خدمت نکردند، کشیده خواهد شد. در حالی که نگه داشتن سبت دروغین در انطباق با قوانین دولت و مخالف با فرمان چهارم، اظهار آسکار از وفاداری به نیرویی است که در مخالفت با خدا است، نگه داشتن سبت واقعی در اطاعت از شریعت خدا، گواهی بر وفاداری به خالق است. در حالی که یک گروه با پذیرفتن نشان تسلیم قدرت های زمینی بودن شدن، نشان وحش را دریافت می کنند، سایرین که نشان وفاداری به قدرت الهی را انتخاب می کنند، مهر خدا را دریافت می کنند.» — الن جی. وایت، *Ellen G. White, The Great Controversy*, p. 605

سوالاتی برای بحث

۱. ما به چه روش هایی می توانیم حقیقت مربوط به نشان وحش و مهر خدا را برای دیگران نمایان سازیم که جنجال غیر ضروری ایجاد نکند؟ برای مثال، چرا ما باید بر روی این واقعیت تأکید کنیم که اکنون هیچکس نشان وحش را ندارد؟



شکجه ذهنی برای سبت

توسط اندرو مک چزنی، مبلغ دینی ادونتیست

مادرش پیش از مدرسه سبت، او را با آب خیس می کرد. پدرش وقتی او به سوی کلیسا پیاده می رفت او را تعقیب می کرد — ولی او به کلیسا می دوید. هر بار که او صدای تق تق قفل جعبه تفنگ پدرش را می شنید، می ترسید که پدرش برای کشتن او می آمد. مارگارت ویلفرد که سالهای پس از تعمیر گرفتنش در کلیسای ادونتیست را تعریف می کرد، گفت: «من واقعاً می ترسیدم. به شدت نگران بودم. و حتی تا امروز بر من تأثیر گذاشته است.»

اما ویلفرد ۶۱ ساله، معلم بازنشسته مدرسه راهنمایی ادونتیست در کشور کارائیب ترینیداد و توباگو هیچ پشیمانی نداشت. او گفت، «من از قدم زدنم با خدا لذت می برم. هر آنچه آرامش که می توانم داشته باشم را دریافت می کنم.»

ویلفرد توسط والدینی که یکشنبه را نگره می داشتند، نزدیک به محوطه دانشگاه ادونتیست کارائیب جنوبی در دره ماراکاس پرورش یافته بود. او از کودکی، موسیقی که در روز سبت از محوطه دانشگاه به گوش می رسید را دوست داشت. گروههای آواز سبت گاهی در صبح روزهای سبت از این در بازدید می کردند. این موسیقی بود که ویلفرد را در سن ۱۹ سالگی جذب یک مجموعه بشارتی ادونتیست نمود و او پس از جلسات تعمیر داده شد.

او گفت، «این زمانی بود که شکجه ذهنی آغاز شد.»

والدینش خشمگین بودند. پدرش او را تهدید نمود و در خانه را به روی او بست. صدای قفل جعبه تفنگ پدرش او را می ترساند. او می ترسید که کتک بخورد یا اتفاق بدتری بیافتد. یکبار پدرش او را تا نیمی از مسیر کلیسا تعقیب نمود.

او گفت، «تمام مسیر را دویدم زیرا از آنچه ممکن بود انجام دهد، می ترسیدم.»

مادرش بعد از اینکه برای رفتن به کلیسا لباس می‌پوشید، بر رویش آب می‌ریخت.

او گفت، «زندگی اصلاً برایم خوب نبود.»

اما ویلفرد هرگز به دست برداشتن از ایمانش فکر نکرد. او به مزامیر باب ۳۴ آیه ۷ متوسل شد که می‌گوید، «فرشته خداوند حافظ و رهاننده کسی است که از خداوند می‌ترسد و به او احترام می‌گذارد.» یکی دیگر از آیات مورد علاقه، مزامیر باب ۲۷ آی ۱۰ می‌باشد: «حتّی اگر پدر و مادرم مرا ترک کنند، خداوند مرا ترک نخواهد کرد.»

درنهایت، تنش در خانه کاهش پیدا کرد. ویلفرد یک بورسیه دانشجویی برای ادامه تحصیل بدست آورد و در دانشگاه ادونتیسست ثبت نام کرد. بعد در مدرسه ابتدایی ادونتیسست روز هفتم در ماراکاس کاری را پذیرفت، جایی که به مدت ۳۵ سال کلاس اول و دوم را آموزش داد.

او گفت، «من می‌دانم که در چشم خدا عزیز هستم. او از پشت هرچیزی می‌تواند مرا ببیند.»

بخشی از هدایای سیزدهمین سبت در اولین فصل ۲۰۱۸ برای ساختن کلیسایی جدید برای دانشگاه کارائیب جنوبی که هرگز ساختمانی مخصوص کلیسا نداشته و در سالن اجتماعات مراسم عبادت برگزار می‌شد، فرستاده خواهد شد.

بابل و آرماگدون [نبرد نهائی]



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۸، باب ۱۶ آیه ۱۹؛ اشعیا باب ۵۲ آیه ۹؛ مکاشفه یوحنا باب ۱۸ آیات ۱ تا ۱۰، باب ۱۶ آیات ۱۲ تا ۱۶؛ اول پادشاهان باب ۱۸ آیات ۱ تا ۴۰؛ اول قرنتیان باب ۱۵ آیات ۱ و ۲.

آیه حفظی: «بر پیشانی او این اسم مرموز نوشته شده بود: بابل بزرگ، مادر فاحشه ها و فساد دنیا» (مکاشفه یوحنا باب ۱۷ آیه ۵).

کتاب مکاشفه یوحنا همانطور که پیش از این اشاره کرده ایم، پر از تصاویر و سخنان مستقیماً گرفته شده از عهد قدیم می باشد. برای مثال، نام بابل شش بار در مکاشفه یوحنا دیده می شود. اما در مورد پادشاهی باستانی نبوکدنصر که صدها سال قبل در تاریخ جهان وجود داشت، صحبت نمی کند. در عوض، یوحنا از تصاویر عهد قدیم برای بیان یک حقیقت استفاده می کرد. در این مورد، بابل — یک قدرت سیاسی و مذهبی عظیم که قوم خدا را مورد ظلم قرار داده بود — اکنون قدرت های سیاسی و مذهبی بزرگ را که بدنبال انجام همان کار در روزهای پایانی جهان هستند را توصیف می کند. مورد مشابهی در رابطه با واژه آرماگدون اتفاق می افتد که تنها در مکاشفه یوحنا رخ می دهد اما بر اساس یک عبارت عبری است که به نظر می رسد به معنای «کوه مگدو»، اشاره به مکانی در اسرائیل کهن باشد. گمانه زنی های بسیاری در مورد آرماگدون وجود دارد، بسیاری از مردم بدنبال نبرد نظامی گسترده ای در آنجا، در مگدو نزدیک به پایان جهان می باشند.

این هفته ما به بابل و آرماگدون خواهیم پرداخت و بدنبال فراگیری آنچه کتاب مقدس در مورد این تصاویر به ما می گوید، خواهیم بود.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۳ ژوئن آماده شوید.

«شراب غضب او»

مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۸، باب ۱۶ آیه ۱۹، باب ۱۷ آیه ۵، باب ۱۸ آیات ۲، ۱۰ و ۲۱، شش ارجاع به بابل در کتاب مکاشفه یوحنا را بخوانید. با در نظر داشتن روایت بابل آنگونه که در عهد قدیم آمده است، این آیات چه چیزی درباره بابل آنگونه که در زمینه رویدادهای روزهای پایانی نمایان شده است، به ما تعلیم می دهند؟

چنین گفته شده است که کتاب مقدس افسانه دو شهر، اورشلیم و بابل می باشد. در حالی که اورشلیم در سرتاسر کتاب مقدس به عنوان شهر خدا و قوم عهد بسته او بود (مزامیر باب ۱۰۲ آیه ۲۱، اشعیا باب ۵۲ آیه ۹، باب ۶۵ آیه ۱۹، مکاشفه یوحنا باب ۳ آیه ۱۲)، بابل نشان ظلم، خشونت، مذهب دروغین و شورش آشکارا علیه خدا بوده است. برای مثال به برج بابل بیاندیشید (پیدایش باب ۱۱ آیه ۹). واژه عبری برای «بابل» همان واژه برای پادشاهی «بابل» می باشد. پطرس در رساله اش، اول پطرس باب ۵ آیه ۱۳، از کلیسای «بابل» درود می فرستد که بطور کلی به این معناست که نه از خرابه های پادشاهی قدیمی واقع در عراق امروزی بلکه از خود رم که قرار است بزودی دشمن کلیسا شود. این یک وجه تسمیه جالب در پرتو کتاب مکاشفه یوحنا و نقش رم آنگونه که در آن ارائه شده است، می باشد.

مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۸ و باب ۱۸ آیه ۳ را بخوانید. این آیات چه چیزی درباره تأثیر بد بابل بر جهان و قوم خدا نمایان می سازند؟

شکی نیست که قدرتی که بابل بیانگر آن است، آنگونه که در کتاب مکاشفه یوحنا به تصویر کشیده شده است، تا حد زیادی با این تأثیر مخرب که در سرتاسر جهان به نوعی گسترش یافته است، فاسد می باشد. عبارت «شراب غضب زنای او» (مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۸) به وضوح اشاره ای به آموزه نادرست، اصول نادرست و عادات فاسد و نتایجی که از آن بر می آید، می باشد. بابل نیرویی برای شرارت است که به «همه ملت ها» شیوع یافته است (مکاشفه یوحنا باب ۱۸ آیه ۳). از این رو، همه باید احتیاط کنند تا مبادا آنها نیز فاسد شوند.

به اطراف و جهان امروز بنگرید: فساد، سردرگمی، ظلم و ستم. این باید چه چیزی در مورد نیازمان به متصل شده به عیسی و کلام او به ما بیاموزد؟

بابل سقوط کرده است

فساد و تأثیر بابل بر جهان هر چقدر هم دور از دسترس بوده است کتاب مکاشفه یوحنا چنین تعلیم می دهد که روزی همه این‌ها پایان خواهند یافت.

مکاشفه یوحنا باب ۱۸ آیات ۱ تا ۱۰ را بخوانید. این آیات چه چیزی درباره «بابل بزرگ» به ما می‌گویند؟

پیام فرشته دوم (مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۸) در مورد سقوط بابل در اینجا در مکاشفه یوحنا باب ۱۸ آیه ۲ تکرار شده است. این بیانی از میزان فساد این نهاد می باشد.

«کتاب مقدس بیان می کند که پیش از آمدن خداوند، شیطان با انواع آیات و نشانه‌ها و معجزات فریبنده کار خواهد کرد و اینکه کسانی که عشق به حقیقت را که می تواند آنان را نجات بخشد قبول نکردند، رها خواهند شد تا گرفتار نیروی گمراه کننده شوند تا آنچه که دروغ است باور کنند. دوم تسالونیکیان باب ۲ آیات ۹ تا ۱۱. تا زمانی که این شرایط بدست نیاید و اتحاد کلیسا با جهان از طریق عالم مسیحیت بطور کامل انجام نشود، سقوط بابل کامل نخواهد شد. تغییر متری بوده و تحقق کامل مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۸ همچنان در آینده باید اتفاق بیافتد.» —

الن جی. وایت، Ellen G. White, *The Great Controversy*, pp. 389, 390

اینکه آیا «تحقق کامل» اینک آمده است، تنها خدا می داند. اما چیزی که ما می دانیم این است که مطابق با این آیات، بابل روحانی روزی به دلیل شرارت بزرگش با داوری خدا روبرو خواهد شد. «زیرا گناهانش تا به فلک رسیده و خدا ظلم هایش را به یاد آورده است» (مکاشفه یوحنا باب ۱۸ آیه ۵). این عبارت کلام عهد قدیم درباره بابل را نیز منعکس می کند (ارمیا باب ۵۱ آیه ۹ را ببینید) و بدین معناست که زمان داوری مطمئناً خواهد آمد.

مطمئناً این داوری پیش رو نباید تعجب آور باشد. گذشته از هر چیز، بابل قدیمی با داوری روبرو شد (دانیال باب ۵ را ببینید). کتاب مقدس در موقعیت های متعددی در این باره بسیار واضح است که روزی همه از جمله بابل باید برای اعمالشان پاسخگو باشند. چقدر آرامش بخش است که بدانیم ما مسیحیان شفاعت کننده ای در این داوری داریم که برای ما خواهد ایستاد (اول یوحنا باب ۲ آیه ۱؛ دانیال باب ۷ آیه ۲۲). در غیر این صورت، سرنوشت ما ممکن بود بهتر از بابل نباشد.

چگونه می‌توانید در این وعده که همه بی‌عدالتی‌ها و شرارت‌ها که به نظر اکنون بدون مجازات می‌آیند، روزی با کیفر نهایی توسط خدا روبرو خواهند شد، آرامش بدست آورید؟

۱۹ ژوئن

سه شنبه

آرماگدون

اگر چه بسیاری از مردم از جمله بسیاری از مسیحیان چیز زیادی در مورد کتاب مکاشفه یوحنا نمی‌دانند، یک تصویر یا واژه از آن به فرهنگ عامه رسیده است: آرماگدون (مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیه ۱۶ را ببینید). حتی در فرهنگ غیر روحانی، این واژه برای نبرد پایانی که در آن سرنوشت زمین تعیین خواهد شد بکار برده شده است. هالیوود فیلمی به نام آرماگدون تولید نموده است که درباره یک شهاب آسمانی بزرگ است که آماده برای از بین بردن زمین می‌باشد. به نوعی ایده پایان جهان در ذهن افراد غیر روحانی نیز وجود دارد.

بسیاری از مسیحیان که با کتاب مکاشفه یوحنا آشنا هستند و آن را باور دارند، نبرد آرماگدون را به عنوان یک نبرد نظامی واقعی در خاورمیانه نزدیک به پایان جهان می‌بینند. یک نسخه، ارتش ۲۰۰ میلیون نفری از آسیا می‌باشد که شمال اسرائیل را با خاک یکسان می‌کند. دیگران بر نبردهای نظامی و سیاسی متعدد دیگر تمرکز دارند که در آن بخش از دنیا که به نظر ایشان صحنه نبرد نظامی نهایی آرماگدون در منطقه مگدو خواهد بود.

با این حال، کتاب مقدس تصویری کاملاً متفاوت ارائه می‌دهد. کتاب مقدس آرماگدون را به عنوان نقطه اوج نهایی نه میان ستیز ملت‌ها بلکه میان دو طرف نبرد کیهانی نشان می‌دهد. این یک نبرد مذهبی و نه اقتصادی یا سیاسی می‌باشد، با این حال ممکن است عوامل اقتصادی و سیاسی زیادی در آن نقش داشته باشند.

مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیات ۱۲ تا ۱۶ را بخوانید. تنها از این آیات چه چیزی درباره آرماگدون می‌توانیم بیاموزیم؟

نخست، به نمادین بودن زبان در اینجا توجه کنید. ارواحی مانند قورباغه که از دهان اژدها، دهان نبی دروغین و دهان وحش بیرون می‌آیند (اشاره به قدرت‌های باب ۱۳ مکاشفه یوحنا؛ «نبی دروغین» در اینجا باید اشاره به وحش زمین در مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیه ۱۱ داشته باشد). نبرد بزرگ نیز در اینجا دیده می‌شود چنانچه «ارواح شیاطین» (مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیه ۱۴) در «روز بزرگ خدای قادر مطلق» (مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیه ۱۴) به نبرد می‌روند. آرماگدون به هر نحوی آشکار شود، نبردی جهانی میان نیروهای

مسیح و شیطان خواهد بود. این نه نبردی محلی در منطقه مگدو یا بابل در مکاشفه یوحنا که درباره رویدادهای گوشه ای از عراق امروزی صحبت می کند، نمی باشد.

مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیه ۱۵ را بخوانید. چقدر جالب توجه است که در میان این رویدادها، عیسی با پیام انجیل، هم وعده آمدنش و هم نیاز ما به پوشیده شدن در عدالت او، ما را تشویق می کند. این چگونه به ما در درک ماهیت روحانی نبردی که در آن هستیم، کمک می کند؟

چهارشنبه

۲۰ ژوئن

آرماگدون و کوه کرمل: بخش اول

اما نبرد بزرگ آرماگدون چیست؟ نخست، به نظر می رسد نامش به معنی «کوه مگدو» باشد. با این وجود، هیچ کوهی در منطقه مگدو یا مجدو وجود ندارد، اما کوه کرمل در مجاورت آن واقع شده بود و محققان عبارت کوه مگدو را اشاره به کوه کرمل می دانند. مهم تر اینکه دانش آموزان کتاب مقدس، روایت ایلیا (الیاس) و انبیاء دروغین بعل بر کوه کرمل را به عنوان نماد و نوعی از آنچه در باب ۱۳ مکاشفه یوحنا قرار است آشکار شود، دیده اند. همانطور که دیروز دیده شد، مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیه ۱۳ با اشاره اش به اژدها، وحش و نبی دروغین، به رویدادهای مکاشفه یوحنا باب ۱۳، تثلیث تقلبی که در هفته نهم دیدیم، اشاره می کند.

مسائل در باب ۱۳ مکاشفه یوحنا در آیات ۱۳ و ۱۴ شروع به اوج رسیده می کنند، زمانی که وحش دوم کارهای فوق طبیعی انجام می دهد، حتی «در مقابل چشم همه از آسمان آتش بر زمین می باراند» (مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیه ۱۳). سپس این رویدادها به رویارویی مستقیم میان خدا و شیطان و میان کسانی که خدای حقیقی را پرستش می کنند و کسانی که «تصویر وحش» (مکاشفه یوحنا باب ۱۳ آیه ۱۴) را می پرستند، منتهی می شود.

اول پادشاهان باب ۱۸ آیات ۱ تا ۱۸ را بخوانید. در این روایت چه اتفاقی می افتد که برخی از مسائلی که در رویدادهای پایانی آشکار خواهند شد، همانطور که در کتاب مکاشفه یوحنا دیده می شود را انعکاس می دهد؟

از بسیاری جهات، چیزی که در اینجا می بینیم یک تصویر کامل از نبرد بزرگ می باشد. ایلیا در آیه ۱۸ این مسئله را آشکارا بیان می کند: مردم شریعت خدا را کنار گذاشته اند و خدایان دروغین را پرستش و عبادت می کنند. آیا این همواره صرف نظر از اشکال و شیوه های بی

پایانی که این شرارت در طول تاریخ نمایان شده است، نبوده است؟ ما یا «او که آسمان و زمین، دریا و چشمه های آب را آفرید» (مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیه ۷)، پرستش می کنیم و یا چیز و یا کس دیگری را می پرستیم. در مورد مکاشفه یوحنا باب ۱۳ و اتفاقاتی که در آنجا آشکار می شوند، مردم بجای پرستش خداوند، وحش و تصویر او را می پرستند. هیچ حد وسطی وجود ندارد. ما یا در سمت خدا هستیم و یا در طرف شیطان. مسائل در معرض خطر تا این حد مهم می باشند، اکنون و بویژه در نبرد آرماگدون، جایی که همانطور که در روایت کوه کرمل خواهیم دید، تمایز بسیار واضح می شود.

۲۱ ژوئن

پنجشنبه

آرماگدون و کوه کرمل: بخش دوم

اول پادشاهان باب ۱۸ آیات ۱۸ تا ۴۰ را بخوانید. چه اتفاقی می افتد، داستان چگونه پایان می یابد، و (بدون تعبیر نادرست از تشابه ها) این روایت، آنچه اتفاق خواهد افتاد — اما در مقیاس بزرگ — چنانچه نبرد بزرگ در انتها به اوج می رسد، را چگونه منعکس می کند؟

نبرد بر کوه کرمل میان ایلیا، نبی خدا و ۴۵۰ راهب بعل بود. (توجه کنید که تا چه حد تعداد شر از خوبی بیشتر بود.) این آزمونی برای نشان دادن خدای حقیقی بود، خدایی که آسمان ها و زمین را خلق نمود، و یا بعل، نشان دیگری از «اژدها» و شیوه دیگری که او با آن بدنبال فریب جهان بود (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۹).

کشیشان به بعل دعا کردند تا آتش بفرستد و گاو قربانی آنها را بسوزاند. آنها از صبح تا ظهر فریاد زدند. ایلیا با طعنه گفت، «بلندتر او را صدا کنید ... شاید خوابیده باشد» (اول پادشاهان باب ۱۸ آیه ۲۷). کشیشان با آشفتگی در تلاش بودند. آنها آنقدر به خود شمشیر زدند تا خون براه افتاد. آنها خسته و فرسوده در زمان قربانی شب تسلیم شدند. قربانی ایلیا سه مرتبه خیس شد و آب از گودال بیرون ریخت. ایلیا دعایی ساده به خدا کرد. خدا بلافاصله همه چیز از جمله مذبح سنگی و خاک زیر آن را سوزاند. قدرت خدای حقیقی در مقابل بعل اکنون بی تردید مشخص بود.

مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیه ۱۳، باب ۱۹ آیات ۲۰ و ۲۱ را بخوانید و این آیات را با سرنوشت انبیاء دروغین بعل مقایسه کنید. در اینجا چه چیزی می بینیم؟

هر چه دست کم اکنون در مورد حارمجدون یا آرماگدون ناشناخته باقی بماند، ما نتیجه را می دانیم: نابودی دشمنان خدا و اثبات حقانیت خدا و مقدسین او.

اول قرنطیان باب ۱۵ آیات ۱ و ۲ را بخوانید. اگر چه زمینه با آرماگدون متفاوت است، پولس به چه نکته ای اشاره می کند و چرا مهم است که ما آن را بویژه در زمینه رویدادهای آینده به یاد داشته باشیم؟ مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیه ۱۵ را نیز ببینید که در آن زمینه قطعاً آرماگدون می باشد. این آیات با هم چه چیزی به ما می گویند؟

۲۲ ژوئن

جمعه

تفکری فراتر: «در مکان های مختلفی در روایت نبرد آرماگدون، موجودات شنیع و رویدادهای زشت برای لحظه ای به پشت صحنه می روند و نگاهی بیشتر به حقیقت شخصی نمایان می شود. همانطور که دیده ایم، یکی از آنها مکاشفه یوحنا باب ۱۶ آیه ۱۵ می باشد: 'توجه کنید، من مثل یک دزد می آیم. خوشبحال کسی که آماده باشد و لباس خود را نگه دارد تا مجبور نشود عریان و شرمنده در جلوی چشم همه راه برود!' این آیه که دقیقاً در وسط مکانی در کتاب مقدس که در واقع نامش آرماگدون نام دارد، می آید، بسیاری از آیات عهد جدید درباره آمادگی فردی برای بازگشت عیسی و وقایع پایانی را منعکس می کند.

«آیه مشابه دیگر مکاشفه یوحنا باب ۱۷ آیه ۱۴ می باشد: 'آنها با بره جنگ خواهند کرد، اما بره پیروز خواهد شد، زیرا اوست خداوند خداوندان و شاه شاهان و همراهان او که برگزیده و وفادار خوانده شده اند در پیروزی او شریک خواهند بود.' در اینجا نبرد بزرگ در پایان شامل ارتشی از مردم می باشد که هدف اصلی شان نابود کردن دیگران با سلاح نمی باشد بلکه هدف ایشان وفادار بودن به فراخوان و انتخاب الهی خود می باشد. این نوع کاملاً متفاوتی از نبرد نسبت به نبردهایی که ملت ها و شورشیان امروزه همچنان انجام می دهند، می باشد. همانطور که من بارها گفته ام، نبرد آرماگدون، مبارزه ای برای ذهن است. همچنین نبردی برای قلب می باشد — فراخوانده شدن به وفاداری قلبی به بره ای که قربانی شد (مکاشفه یوحنا باب ۵ آیات ۹، ۱۰ و ۱۲ و باب ۱۳ آیه ۸).» — جان پولین، Jon Paulien, *Armageddon at the Door* (Hagerstown, Md.: Autumn House Publishing, a division of Review and Herald Publishing Association, 2008), p. 193



دختر ولخرج

توسط اندرو مک چرنی، تبلیغ دینی ادونتیست

استارلن پیترز کبود و با لباس پاره پس از یک شب مهمانی و در پی آن تصادف رانندگی به دلیل مستی، یک صبح روز سبت وارد کلیسا شد. او که عضو سابق کلیسای ادونتیست بود، مطمئن نبود اعضای کلیسا که برای مدت‌ها آن‌ها را نادیده گرفته بود، نسبت به حضورش عکس‌العمل نشان خواهند داد. اما دوستش چند ساعت پیش بر اثر تصادف کشته شده بود و او نیاز داشت به دنبال خدا باشد.

پیترز ۳۲ ساله که اکنون مبلغ تمام وقت است، گفت، «من آن تصادف را به عنوان یک زنگ خطر دیدم. متوجه شدم که زندگی چقدر شکننده است.» پیترز توسط مادر بزرگی ادونتیست در بندر اسپانیا، پایتخت کشور کارائیب ترینیداد و توباگو، بزرگ شد. او از سن کم باید در هر روز سبت در مراسم کلیسا شرکت می‌کرد. او پس از تعمیدش مقام‌های مختلف کلیسا را برعهده داشت، اما گفت که خدمتش واقعی نبود. پیترز گفت، «بخش زیادی از کودکی‌ام، هیچ ارتباطی با خدا احساس نکردم.»

او در ۱۸ سالگی خانه و کلیسا را ترک کرد تا زندگی خوشگذرانه را آغاز کند. سپس تصادف رانندگی اتفاق افتاد. پیترز و دو تا از دوستانش بعد از یک مهمانی جمعه شب با ماشین به خانه بازمی‌گشتند و راننده که مست بود، تصادف کرد. پیترز و راننده با خراش‌هایی فرار کردند اما دوستش، زنی ۲۶ ساله کشته شد.

پیترز به سرعت از صحنه تصادف برای بررسی به بیمارستان انتقال داده شد. سپس پلیس از او در اداره پلیس پرس و جو نمود. پس از آن، پیترز مستقیم به کلیسا رفت.

پیترز لباس مهمانی به تن داشت: پیراهنی کوتاه، گوشواره و آرایش. نمی‌دانست چه انتظاری داشته باشد. او به مدت هفت سال بود که در کلیسا عبادت نکرده بود.

شبان در حال آماده شدن برای شروع موعظه بود که پیترز از در وارد شد.

تمام چشم‌ها به سمت او چرخید. سپس اعضای کلیسا ناگهان شروع به خواندن سرود کردند.

پیترز گفت، «آنها مراسم را متوقف کرده و شروع به خواندن آواز نمودند، زیرا بسیار خوشحال بودند که من پس از سال‌های بسیار به کلیسا رفته بودم.»

این خوش‌آمدی شایسته پسر اسرافکار تمثیل عیسی در لوقا باب ۱۵ آیات ۱۱ تا ۳۲ بود.

در آن لحظه پیترز تصمیم گرفت زندگی خود را به عیسی بدهد و از نو شروع کند.

او گفت، «من با خدا قرار گذاشتم: همه چیز یا هیچ چیز. من با دیگر تعמיד داده شدم و اینجا بود که زندگی‌ام آغاز شد.»

درباره استارلن پیترز (سمت چپ) هفته بعد بیشتر بخوانید.

بازگشت خداوندان عیسی



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اشعیا باب ۱۳ آیات ۶ و ۹؛ متی باب ۲۴ آیات ۳۰ و ۳۱؛ دانیال باب ۲ آیات ۳۴ و ۳۵؛ دوم تیموتائوس باب ۴ آیات ۶ تا ۸؛ اول تسالونیکیان باب ۱ آیات ۷ تا ۱۰.

آیه حفظی: «زیرا همچنان که برق از مشرق ساطع شده، تا به مغرب ظاهر می‌شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد» (متی باب ۲۴ آیه ۲۷).

تی. اس. الیوت (T. S. Eliot) شاعر، شعری را با این عبارت آغاز نمود: «شروع من، پایان من است.» هر چند مختصر، سخنان او حقیقتی قدرتمند را دربر دارد. در منشاء انتها وجود دارد. ما انعکاس‌هایی از این واقعیت را در نام خود، ادونتیس‌ت روز هفتم می‌بینیم که دو آموزه اساسی کتاب مقدس را به همراه دارد: «روز هفتم» برای سبت از ده فرمان، یادبودی هفتگی از خلقت شش روزه حیات بر زمین؛ و «ادونتیس‌ت»، که اشاره به آمدن دوباره عیسی دارد که در آن تمام امیدها و وعده‌های کتاب مقدس از جمله وعده زندگی ابدی تحقق خواهند یافت.

هر چقدر خلقت جهان (آغاز ما) از آمدن دوباره عیسی (پایان ما، دست کم پایان این وجود گناهکار) از نظر زمانی فاصله وجود داشته باشد، این رویدادها به هم مرتبط هستند. خدایی که ما را آفرید (یوحنا باب ۱ آیات ۱ تا ۳)، همان خدایی است که بازخواهد گشت و در یک لحظه، «با یک چشم بهم زدن به محض آنکه صدای شیپور آخر شنیده شود» (اول قرنتیان باب ۱۵ آیه ۵۲)، نجات‌نهایی ما را به ارمغان خواهد آورد. درواقع ما در آغازمان، پایانمان را می‌یابیم.

این هفته ما در مورد انتها و تمام رویدادهای پایانی، دست کم تا جایی که به جهان کنونی ما مربوط می‌شود، صحبت خواهیم کرد: آمدن دوباره خداوندان عیسی.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۳۰ ژوئن آماده شوید.

روز خداوند

هر چقدر هم که قصد داشته باشیم فقط در مورد آمدن دوباره عیسی به عنوان آموزه ای از عهد جدید بیاندهشیم، کار درستی نکرده ایم. البته، تنها پس از آمدن نخست عیسی، پس از مرگ، رستاخیز و عروج او، ما مکاشفه ای کامل تر و غنی تر از حقیقت آمدن دوباره بدست آوردیم. اما، درست مانند چیزهای بسیار دیگری در عهد جدید، عهد قدیم نکات و تاریکی هایی از این حقیقت حیاتی را بسیار قبل از اینکه اتفاق بیافتد، آشکار می سازد. با اصل آمدن دوباره عیسی، نویسندگان عهد قدیم حقیقت جدیدی را نمایان نساختند؛ در عوض، آنها حقیقتی را بیان نمودند که قبلاً در کتاب مقدس آشکار شده بود. تنها اکنون، در مورد نجات دهنده مصلوب و عروج کرده، وعده آمدن دوباره می تواند کامل تر درک و قدردانی شود.

آیات زیر را بخوانید. آنها چه چیزی درباره آمدن دوباره عیسی تعلیم می دهند؟ اشعیا باب ۱۳ آیات ۶ و ۹، زکریا باب ۱۴ آیه ۹، دانیال باب ۱۲ آیه ۱.

بدون شک، «روز خداوند»، روز نابودی و غم و اندوه و آشفتگی برای از دست رفتگان خواهد بود. اما همچنین روز رستگاری تمام قوم خدا، کسانی که نامشان «در کتاب ثبت شده است» (فیلیپیان باب ۴ آیه ۳، مکاشفه یوحنا باب ۳ آیه ۵ و باب ۱۳ آیه ۸ را نیز ببینید)، می باشد. این موضوع، که «روز خداوند» هم زمانی برای داوری علیه افراد شریر و هم زمانی برای حفاظت و پاداش داده شدن افراد وفادار به خدا می باشد، در عهد قدیم یافت می شود. برای مثال، اگر چه برخی با «خشم شدید خداوند» روبرو خواهند شد، اما کسانی که به فراخوانده شدن برای «بدنبال عدالت و فروتنی» بودن توجه کنند، «در روز خشم خداوند مخفی خواهند بود» (صفینا باب ۲ آیات ۱ تا ۳).

متی باب ۲۴ آیات ۳۰ و ۳۱ را بخوانید. این آیات به چه روش هایی این دوگانگی بزرگ میان از دست رفتگان و نجات یافتگان در زمان آمدن دوباره عیسی را نشان می دهند؟

همانطور که رویدادهای نهایی آشکار می شوند، طرفی که ما در آن خواهیم بود، مشخص تر خواهد شد. ما چه انتخاب های می توانیم و باید اکنون بکنیم که مطمئن باشیم در طرف درست قرار داریم؟

دانیال و آمدن دوباره عیسی

اگر چه بسیاری از یهودیان در زمان عیسی انتظار داشتند که مسیح موعود بیاید و رومیان را سرنگون کند و اسرائیل را به عنوان قدرتمندترین ملت برقرار سازد، اما ظهور عیسی، چه نخست یا رجعت ثانی، در این باره نبود. در عوض، خدا چیزی بسیار بزرگ تر از تنها تغییر جهان قبلی گناهکار و سقوط کرده برای قوم وفادارش در نظر داشت. شاید آیه دیگری در عهد قدیم به اندازه باب ۲ دانیال، این حقیقت که دنیای جدید از جهان قبلی بیرون نمی آید بلکه در عوض خلقتی کاملاً جدید و متفاوت می باشد را چنین بوضوح نمایان نسازد.

باب ۲ دانیال ظهور و سقوط ۴ امپراطوری بزرگ جهان را نشان می دهد — بابل، مادها و پارس ها، یونان و در نهایت روم که بعدها به ملت های امروزی اروپا تقسیم می شود. با این وجود، تمثالی که نبوکدنصر در خوابش دید (نمادی از توالی این چهار قدرت بزرگ جهان) به شیوه ای دیدنی پایان می یابد که گسستن بزرگ میان این جهان و جهانی که پس از بازگشت خداوندمان عیسی مسیح خواهد آمد را نشان می دهد.

دانیال باب ۲ آیات ۳۴، ۳۵، ۴۴ و ۴۵ را بخوانید. این آیات چه چیزی درباره سرنوشت این جهان و ماهیت جهان جدید تعلیم می دهند؟

این آیات ابهام کمی در مورد آنچه در زمان بازگشت عیسی رخ می دهد، باقی می گذارند. در لوقا باب ۲۰ آیات ۱۷ و ۱۸، عیسی خود را با این سنگ که قدرتی که از این جهان باقی مانده بود را نابود نمود، توصیف می کند. دانیال باب ۲ آیه ۳۵ به زبان آرامی می گوید که پس از طلا، نقره، خاک رس، آهن و برنز نابود شدند، «آنها مانند کاری از خرمن تابستانی بر روی زمین تبدیل شدند؛ و باد آنها را دور برد که جایی برای آنها پیدا نشد». یعنی، پس از بازگشت عیسی چیزی از این جهان باقی نمی ماند.

در همین حال، سنگی که تمام اثرات این جهان را نابود کرد، «به کوه بزرگی تبدیل شد و کل زمین را فرا گرفت». و این پادشاهی که در نتیجه آمدن دوم ظهور می کند، همان است که «هرگز نابود نمی شود» و «تا به ابد باقی خواهد ماند» (دانیال باب ۲ آیه ۴۴). تنها یکی از دو پایان در انتظار انسان هاست که بر روی این سیاره زندگی کردند. یا ما برای ابدیت با عیسی خواهیم بود و یا با پوشال این جهان قدیمی به هیچ ناپدید خواهیم شد. به یکی از این دو روش، ابدیت در انتظار همه ماست.

چشم‌اندازهای بلند مدت

تیطوس باب ۲ آیه ۱۳ را بخوانید. ما چه امید بزرگی داریم و چرا؟

یک استاد با توصیف باورهایش درباره منشاء جهان ما، توضیح داد که ۱۳ میلیارد سال پیش، «توده انبوه کوچکی با چگالی بی نهایت از هیچ بوجود آمد و آن توده منفجر شد و از آن انفجار، جهان ما بوجود آمد.» اینکه چگونه این «جرم کوچک با چگالی بی نهایت» از هیچ بوجود آمد را این استاد بیان نکرد. تنها با باور فرض نمود که این اتفاق افتاد. اکنون همانطور که در مقدمه درس این هفته اشاره کردیم، ما در منشاء خود، پایاغان را می‌یابیم. بر طبق گفته این استاد، به این دلیل است که پایان ما دست کم در دراز مدت چندان امیدوارانه نمی‌باشد. جهان ایجاد شده از «جرم کوچک با چگالی بی نهایت» با تمام چیزهای درونش که شامل بشریت نیز می‌شود، محکوم به انقراض احتمالی بود. در مقابل، مفهوم کتاب مقدس در مورد منشاء ما نه تنها منطقی تر از این دیدگاه می‌باشد بلکه امیدوارانه تر نیز هست. به لطف خدای سرچشمه‌ها، چشم‌اندازهای بلند مدت ما بسیار خوب هستند. ما چیزهای زیادی برای امیدوار بودن به آینده داریم و این امید متکی بر وعده آمدن دوباره عیسی می‌باشد.

دوم تیموتائوس باب ۴ آیات ۶ تا ۸ را بخوانید. پولس در اینجا درباره چه چیزی سخن می‌گوید و امید خود را در چه چیزی قرار می‌دهد؟

اگر چه پولس قرار است بزودی اعدام شود، با اطمینان از نجات و امید به بازگشت مسیح، چیزی که او «ظهور مسیح» (دوم تیموتائوس باب ۴ آیه ۸) می‌نامد، زندگی می‌کند. «تاج عدالت» در انتظار اوست، مطمئناً نه عدالت خودش (اول تیموتائوس باب ۱ آیه ۱۵) بلکه عدالت عیسی که پولس می‌داند امیدش و وعده آمدن دوم برپایه آن قرار دارد. صرف نظر از موقعیت کنونی او، که به بهترین شکل می‌توان گفت بسیار ملالت انگیز بود (در زندان منتظر اعدام شدن)، پولس می‌داند که چشم‌اندازهای بلند مدت او بسیار خوب هستند. و این بدین دلیل است که او به تصویر بزرگ تر نگاه می‌کرد و تنها بر موقعیت کنونی اش تمرکز نداشت.

صرف نظر از موقعیت‌های کنونی تان، چگونه می‌توانید امیدی مشابه به پولس داشته باشید؟ چگونه می‌توانیم بیاموزیم به تصویر بزرگ تر و امیدی که به ما ارائه می‌دهد، توجه کنیم؟

در ابرهای آسمان

با وجود اینکه آمدن دوباره مسیح بسیار اصلی و حیاتی می باشد، بر طبق کتاب مقدس همه مسیحیان این رویداد بازگشت عیسی را واقعی نمی دانند. برای مثال، برخی چنین استدلال می کنند که آمدن دوباره عیسی زمانی که خود مسیح به زمین باز می گردد، رخ نمی دهد بلکه هنگامی که روح او در کلیسایش بر روی زمین ظاهر می شود، او آمده است. به عبارت دیگر، آمدن دوباره مسیح هنگامی که اصول اخلاقی مسیحیت در قومش نمایان شود، تحقق یافته است.

با این وجود ما تا چه حد می توانیم بپذیریم که این آموزه نادرست است. اگر درست بود، ما چه امید بلند مدتی می توانستیم واقعاً داشته باشیم.

آیات زیر از عهد جدید درباره آمدن دوباره مسیح را بخوانید. آنها چه چیزی درباره ماهیت بازگشت مسیح نمایان می سازند؟

متی باب ۲۴ آیه ۳۰

اول تسالونیکیان باب ۴ آیه ۱۶

متی باب ۲۶ آیه ۶۴

مکاشفه یوحنا باب ۱ آیه ۷

دوم تسالونیکیان باب ۱ آیات ۷ تا ۱۰

«آسمان به نظر می رسد که باز و بسته می شود. شکوه تاج و تخت خدا از طریق آن برق می زند. کوه ها مانند نی در باد می لرزند و سنگ های تکه شده در همه طرف پراکنده شده اند. غرشی از طوفان پیش رو وجود دارد. دریا از خشم موج شده است. فریاد دلخراش طوفانی مانند صدای شیاطین از مأموریت تخریب به گوش می رسد. تمام زمین مانند امواج دریا در حال تکان خوردن است. سطح آن شکسته می شود. به نظر می رسد که پایه های آن در حال از بین رفتن هستند. رشته کوه ها در حال غرق شدن می باشند. جزایر مسکونی ناپدید می شوند. بنادر که مانند شهر سدوم شرور شده اند توسط آب های خشمگین بلعیده می شوند. بابل بزرگ در مقابل خدا به یاد آورده شده است که جامی را که از شراب آتشین خشم و غضب او پر بود، بنوشد.» — الن جی. وایت،

Ellen G. White, *The Great Controversy*, p. 637

بازگشت عیسی چنان رویداد عظیمی است که به معنای واقعی کلمه جهانی که می شناسیم را به پایان خواهد رساند. وقتی این اتفاق بیافتد، همه از آن با خبر خواهند شد. آنچه عیسی در آمدن نخست خود برای ما انجام داد، در آمدن دوم بطور کامل ظاهر خواهد شد.

زندگی با واقعیت آمدن دوباره مسیح چگونه باید بر نحوه زندگی ما هم اکنون تأثیر بگذارد؟ چگونه باید به ما کمک کند که چیزهای واقعاً مهم در زندگی را به یاد داشته باشیم؟

۲۸ ژوئن

پنجشنبه

زندگان و مردگان

عیسی پیش از زنده کردن دوستش ایلعازر از قبر، این سخنان را بیان نمود: «من قیامت و حیات هستم. کسی که به من ایمان بیاورد، حتی اگر بمیرد، حیات خواهد داشت» (یوحنا باب ۱۱ آیه ۲۵). هر چند، او به جای اینکه فقط از مردم بخواهد که که سخنش در مورد ادعایی باورنکردنی را بپذیرند، سپس ایلعازر که آنقدر قبل مرده بود که جسدش می‌توانست شروع به پوسیدن کرده باشد را از مرگ زنده کرد (یوحنا باب ۱۱ آیه ۳۹). کسانی که عیسی را باور دارند، در واقع می‌میرند. با این وجود، همانطور که عیسی فرمود، اگر چه ممکن است مرده باشند، اما بار دیگر زندگی خواهند کرد. این مفهوم کلی رستاخیز از مرگ می‌باشد. و این چیزی است که آمدن دوباره عیسی را چنان در مرکزیت امیدهای ما قرار می‌دهد.

بر اساس این آیات، در زمان بازگشت عیسی، چه اتفاقی برای مردگان در مسیح رخ می‌دهد؟ رومیان باب ۶ آیه ۵، اول تسالونیکیان باب ۴ آیه ۱۶، اول قرنتیان باب ۱۵ آیات ۴۲ تا ۴۴ و ۵۳ تا ۵۵.

امید بزرگ آمدن دوباره این است که رستاخیز از مرگ که عیسی خود تجربه نمود، چیزی خواهد بود که پیروان وفادارش از تمام عصرها نیز تجربه خواهند کرد. آنها در رستاخیز او، امید و اطمینان از رستاخیز خود را دارند.

چه اتفاقی برای کسانی که در زمان بازگشت عیسی زنده هستند، می‌افتد؟ فیلیپیان باب ۳ آیه ۲۱، اول تسالونیکیان باب ۴ آیه ۱۷.

افراد وفادار زنده در زمان بازگشت عیسی، بدنی جسمانی خواهند داشت که البته به وضعیت کنونی نخواهد بود. این بدن به صورت فرا طبیعی به آن نوع جسم فاسد نشدنی

که برخواستگان از مرگ نیز خواهند داشت، تبدیل خواهد شد. «صالحان زنده در یک لحظه، در یک چشم به هم زدن تغییر می کنند. آنها در صدای خدا جلال داده شدند؛ اکنون آنها جاودانه شده و همراه با مقدسین از مرگ برخوردار شده در پی ملاقات خداوندشان در فضا خواهند بود.» — الن جی. وایت، Ellen G. White, *The Great controversy*, p. 645

فهرستی از تمام چیزهای مربوط به این جهان که برایتان آنچنان مهم هستند که ترجیح می دهید زندگی ابدی خود را برای نگه داشتن آنها قربانی کنید، تهیه نمایید. چه چیزی در این فهرست وجود دارد؟

۲۹ ژوئن

جمعه

تفکری فراتر: آمدن دوباره عیسی بخش آخر کتاب، ضمیمه یا پایان داستان غم انگیز گناه و رنج بشر در این جهان سقوط کرده نمی باشد. در عوض، رجعت ثانی، اوجی بزرگ و امید عالی از ایمان مسیحی می باشد. بدون آن چه اتفاقی می افتد؟ داستان بشریت همچنان ادامه پیدا می کند، بدبختی پشت بدبختی و فاجعه پشت فاجعه تا زمانی که همه چیز با مرگ خاتمه می یابد. به غیر از امیدی که بازگشت مسیح به ما ارائه می دهد، همانطور که ویلیام شکسپیر نوشت، «زندگی یک داستان طولانی گفته شده توسط فردی نادان و پر از هیاهو و خشم و بی مفهوم می باشد.» و با این وجود، ما این امید را داریم زیرا کلام خدا بارها آن را برای ما تأیید می کند. ما این امید را داریم زیرا عیسی ما را با زندگی خود آزاد نمود (مرقس باب ۱۰ آیه ۴۵) و او در واقع برای دریافت آن چیزی که سپرده باز می گردد. ستارگان آسمان برای ما از آمدن دوباره نمی گویند. پرندگانی که بر روی درختان آواز می خوانند قاصد آن نیستند. این چیزها به خودی خود ممکن است به چیزی خوب و امیدوارانه در مورد واقعیت اشاره داشته باشند. اما آنها به ما نمی آموزند که روزی وقتی که عیسی بازگردد، «شیپور به صدا در می آید و مردگان برای حیات فناپذیر زنده می شوند و ما نیز تغییر خواهیم یافت» (اول قرنیتیان باب ۱۵ آیه ۵۲). آنها به ما تعلیم نمی دهند که روزی ما به بالا نگاه خواهیم کرد و «پسر انسان را خواهیم دید که در دست راست خدای قادر نشسته و بر ابرهای آسمان می آید» (مرقس باب ۱۴ آیه ۶۲). خیر، ما این چیزها را می دانیم زیرا از طریق کلام خدا به ما گفته شده اند و ما به آنچه که کلام وعده می دهد، اطمینان داریم.



به دنبال ۳ نشانه بودن

توسط اندرو مک چزنی، تبلیغ دینی ادونتیست

استارلن پیترز پس از گوش دادن به یک مبلغ کارآموده آمریکایی در مجمع جوانان در سرزمین مادری او، ترینیداد و توباگو سخن گفت، مجاب شد که برای سفر تبلیغی دو هفته‌ای به جنوب آمریکا ثبت نام کند.

اما این خواسته او را سراسیمه کرد. او به تازگی پس از هفت سال خوشگذرانی به کلیسای ادونتیست روز هفتم بازگشته بود و احساس نمی‌کرد واجد شرایط خدمت کردن به عنوان یک مبلغ باشد.

پیترز که در آن زمان ۲۵ ساله بود، گفت، «به نظرم من از جنس مبلغ نبودم. پس تصمیم گرفتم دعا کنم.»

او از خدا نشانه‌ای درخواست کرد: اینکه افراد تصادفی حاضر در مجمع جوانان به او بگویند که یک مبلغ بشود. هیچ کس او را نمی‌شناخت، بنابراین فکر می‌کرد کسی به او نزدیک نشود.

او گفت، «اما همان روز، چند نفر نزد من آمده و به من گفتند، آیا تا به حال به اینک یک مبلغ باشی، فکر کرده‌ای؟»

پیترز چنین استدلال کرد که مردم پس از سخنانی مبلغ آمریکایی به خدمت تبلیغ مسیح فکر می‌کردند. پس نشانه دومی از خدا خواست: اینکه پدرش به او بگوید که یک مبلغ بشود. پیترز گفت، «پدرم آدم اهل کلیسا رفتن نیست و من تنها دختر او هستم. از این رو، احتمالش بسیار کم یا صفر بود. فکر کردم خدا را گیر انداختم.»

روز بعد، پدرش به او زنگ زد و گفت، «شاید باید به جایی که خدا هدایت می‌کند، بروی.» او گفت که از تغییرات اخیر زندگی وی راضی بود.

پیترز آن شب با خشم دعا نمود. او نمی‌خواست شغلش را برای سفر بشارتی به گویان به خطر بی‌اندازد. او خواهان نشانه سوم شد: اینکه خدا ۴۵۰ دلار هزینه لازم برای سفر را فراهم کند.

روز بعد، آخرین روز مجمع، غریبه‌ای یک پاکت سفید به پیترز داد و رفت.

او گفت، «وقتی داخل پاکت را نگاه کردم، چکی به مبلغ ۴۵۰ دلار در آن قرار داشت، میزان دقیقی که من برای سفر نیاز داشتم.»

پیترز در نهایت ۱ سال و نیم در گویان ماند و در یک مدرسه بشارتی تدریس نمود. از آن زمان، پیترز بی وقفه به سفرهای کوتاه و طولانی مدت بشارتی رفته است و تنها برای جمع‌آوری پول سفر بعدی توقف کرده است. در سال ۲۰۱۴، رئیس کلیسای ادونتیست، تد نیلسون به او برای فعالیتش در راستای برنامه بشارتی یک ساله، هدیه‌ای به وی اهدا نمود.

پیترز که اکنون ۳۲ سال دارد گفت که هیچوقت برای به اشتراک گذاشتن عیسی خیلی دیر — یا خیلی زود نیست.

او گفت، «پیش از اولین سفر مأموریتی‌ام، تازه به کلیسا بازگشته بودم، بنابراین به اندازه کافی احساس مسیحی بودن نداشتم که به چنین سفری بروم. اکنون همیشه در حال سفر هستم. خدا تمام نیازهای مرا برآورده می‌کند.»

درباره استارلن پیترز (در تصویر در کنار رئیس کلیسای ادونتیست، تد ان. سی. ویلسون) در مطلب هفته گذشته بیشتر بخوانید.